



تعداد صفحات
۹۴



آخرین بروزرسانی
۲۷ دی ۱۴۰۳

جزوه خلاصه

خلاصه و نکات مهم مبانی جامعه‌شناسی

حیطه تخصصی

دبیر مطالعات اجتماعی

خلاصه و نکات مهم

فهرست مطالب

- ❖ فصل اول: خلاصه مبانی جامعه شناسی تالیف ایران عرضه {صفحه ۳}
- ❖ فصل دوم: نکات مبانی جامعه شناسی تالیف ایران عرضه {صفحه ۸۹}



❖ فصل اول: خلاصه مبانی جامعه شناسی تالیف ایران عرضه

مبانی جامعه شناسی

مقدمه

علوم اجتماعی چیست و چه کاربردی دارد؟

تا آنجا که تاریخ نشان میدهد انسان از ابتدای حیات خود به صورت گروهی و دسته جمعی زندگی میکرده است. حتی انسان غارنشین و بشری که در قلب جنگلها یا در جزایر دور افتاده زندگی میکرده در هر زمان و مکانی که نشانی از او هست، انسان اجتماعی بوده است و در واقع کمتر میتوان انسان را جدا و مستقل از جامعه ملاحظه و بررسی کرد یا زندگی صرفاً فردی برای او قائل شد. گذشته از بقایای جسمانی موجودات مانند اسکلت ها و فسیل ها، تمامی آثاری که از گذشته انسان برجای مانده آثار گروهی و جمعی است یا تحت تأثیر نیازها و مناسبات اجتماعی او ساخته و پرداخته شده است چنان که هنرها و دست افزارها و مجموعه های تمدن و فرهنگ و آثار دیگر انسانی چنین است. این پرسش که آیا حالت اجتماعی برای انسان جنبه ذاتی و طبیعی دارد یا پاره ای از نیازها نظیر دفاع دسته جمعی در برابر دشمنان یا احتیاجات متقابل انسانها موجب زندگی دسته جمعی و گروهی شده است در اصل مسئله که تأیید زندگی جمعی و گروهی و حالت اجتماعی انسان است تغییری نخواهد داد.

محدودترین جمع انسانی خانواده است که از زوج زن و مرد و فرزندان آنها تشکیل می شود و این نخستین هسته یک جامعه طبیعی کوچک است که گاه به «گروه نخستین تعبیر میشود و یک جامعه ساده و اولیه را تشکیل می دهد. در جوامع ابتدایی که امروز به این نام شناخته میشود خانواده گسترده با نظم و طبقه بندی خاصی سازمان یافته یک جامعه کوچک را تشکیل می دهد که در بسیاری از موارد با علامت خاص مذهبی خود یک کلان را به وجود می آورد.

بررسی تحول حیات اجتماعی انسان در طول تاریخ در جوامع مختلف و روابط خاصی که در تاریخ هر جامعه شکل گرفته و دگرگونی های به وجود آمده در جوامع، و نیز آثار و نتایج حاصل از زندگی دسته جمعی که نظام های اجتماعی مختلفی را به وجود آورده است موضوع علوم اجتماعی را تشکیل می دهد. می توان گفت موضوع علوم اجتماعی شناخت علمی پدیده های اجتماعی است که در زمانی کم و بیش طولانی شکل گرفته است و پدیده های اجتماعی حول محور انسان اجتماعی و ویژگی های آن دور میزند.

ویژگی های انسان اجتماعی

شاید بتوان ادعا کرد که بسیاری از انواع جانوران و حتی حشرات نیز دارای زندگی گروهی اند سازمان اجتماعی خاصی دارند و دارای ویژگی های اجتماعی مخصوص به خود هستند شکلی از خانواده رهبری، اطاعت، حمایت دفاع دسته جمعی شکار، تغذیه نگهداری و ذخیره مواد و حفظ نوع به صورت اجتماعی در میان آنها دیده میشود زندگی اجتماعی حشراتی مانند مورچه موربانه و زنبور عسل به صورت شگفت انگیزی سازمان یافته است یا رفتارهای اجتماعی نوعی سنگ آبی و برخی از میمون ها

به صورت یک سازمان کامل اجتماعی نمایان میشود. با این همه زندگی اجتماعی انسان ویژگی هایی دارد که آن را به کلی از زندگی جمعی حیوانات متمایز و مشخص میکند :

۱. زندگی اجتماعی حیوانات حالت و شکل کم و بیش پایدار و ثابتی را نشان می دهد و تغییرات آن - در صورت وجود - اندک و نامحسوس است؛ به عبارت دیگر زندگی اجتماعی حیوانات خالی از ابتکار و خلاقیت است و نسلی بعد از نسل دیگر به همان صورت ثابت و پایدار که نزد پدران ملاحظه شده است تکرار می شود. مثلاً، نحوه لانه سازی زنبور عسل و مورچه از گذشته دور تا به حال تغییر نکرده است.

۲. این زندگی اجتماعی حیوانی تابع محیط خارج و خصوصیات آن است و جامعه حیوانات کمتر میتواند بر حسب نیازها در محیط خود تغییری ایجاد کند بلکه به عکس به هنگام نیاز از محیطی به محیط دیگر می رود. انسان در عین حال که از محیط خود متأثر میشود و عوامل بیرونی بر روی نحوه معیشت و زندگی اجتماعی و فردی او تأثیر میگذارد در همه حال سعی میکند بر اساس نیازهای خود در محیط طبیعی و به طریق اولی در محیط اجتماعی تغییر و دگرگونی ایجاد کند و هر کجا قدم میگذارد آثار تازه انسانی از خود بر جای میگذارد.

جانوران برخلاف انسان کمتر میتوانند خود را با موقعیتهای غیر منتظره، که به تفکر و استدلال نیازمند است منطبق سازند همچنین پیش بینیهای دراز مدت و مرتبط ساختن گذشته حال و آینده با یکدیگر از ویژگیهای حیات اجتماعی انسان است در حالی که واکنشهای حیوانی در برابر عوامل ناشناخته و جدید عمدتاً غریزی و تکراری است. انسان در برابر این گونه عوامل قدرت ابتکار فوق العاده ای دارد و عکس العمل های خود را بر حسب موقعیتهای تغییر می دهد.

۳. از وجوه تمایز حیات انسان قدرت جمع کردن و تراکم اطلاعات و تجربیات در طول تاریخ است؛ به این معنی که جامعه بشری در هر زمان و مکانی سعی می کند آنچه از نسل های گذشته به ارث برده است حفظ و نگهداری کند و حتی در طول حیات نسل زنده آن را کامل تر ساخته تجربیات تازه خود را بر آن بیفزاید و آن را به نسل های بعد بسپارد. بدیهی است زمان و آموزش و پرورش و دانش ها، خاصه کتب و آثار باقیمانده از انسان بر این تراکم تجربیات تأثیر بسزایی داشته است. یکی از بارزترین آثار و نشانه های آن تکامل ابزار و آلاتی مانند ابزار و آلات شکار جنگ افزارها وسایل زندگی حمل و نقل و غیره است که در آغاز حیات اجتماعی انسان بسیار ساده بوده به تدریج تکمیل شده و در نهایت به صورت فنون کاملاً پیچیده و ظریفی در آمده است. به علاوه ابداعات فکری و هنری و نیز کمال یافته جامعه روابط تازه ای را در جامعه انسانی به وجود آورده است.

تعریف و حدود دانش اجتماعی

از مقدمه یاد شده باید چنین استنباط کرد که گرچه همه افراد در جامعه زندگی میکنند و در فعالیتهای اجتماعی شریک و سهیم اند اما نمی توانند به سادگی و به طور مستقیم به حقایق اجتماعی پی ببرند. روابط اجتماعی و سازمانها به تدریج پیچیده گشته به طوری که درک و فهم آن به بررسی و مطالعه خاص نیازمند است؛ به عبارت دیگر همچنان که پدیده های

طبیعی موضوع علوم طبیعی است. پدیده های اجتماعی نیز موضوع علوم اجتماعی است که باید درباره آن مطالعه و تحقیق کرد.

تقسیم بندی علوم

معمولاً از نظر موضوع علوم بشری را به سه گروه عمده تقسیم می کنند.

۱. **علوم مادی (غیر ارگانیک)** مانند فیزیک و زمین شناسی و غیره که درباره مواد بی جان مطالعه میکند این علوم از روش های پیشرفته ای استفاده میکند و نتیجه مطالعات آن دقیق و کنترل شدنی است.

۲. **علوم حیاتی (ارگانیک)** مثل زیست شناسی که موضوع آن موجودات جاندار است. گرچه روش های این دسته از علوم به دقت گروه اول نیست علوم حیاتی نیز پیشرفت فراوانی کرده است.

۳. **علوم اجتماعی (یا فوق ارگانیک)** مانند جامعه شناسی، مردم شناسی دانشهای دینی و غیره که خاص انسان و پدیده های وابسته به زندگی اجتماعی انسانهاست. این دسته قلمرو خاصی را به وجود می آورد که گرچه پیشرفت علمی در آن به اندازه دسته اول و دوم نیست همواره در حال پیشرفت بوده و تکامل یافته است. گرچه هیچ یک از علوم سه گانه یاد شده به طور مطلق مستقل نیست، علوم اجتماعی از نسبت بیشتری برخوردار است؛ یعنی در بسیاری از موارد در علوم اجتماعی نمی توان به یک قانون قطعی و کلی و کامل رسید؛ بنابراین باید روش های خاصی را برای مطالعه و تحقیق انتخاب کرد و کاربرد و احتمال و نسبت را همواره در نظر داشت باید توجه داشت که نظریات و قوانینی که در این رشته از علوم طرح می شود هنوز به اندازه کافی کلیت ندارد و شرایط زمانی و مکانی و احتمالات بر آن تأثیر می گذارد. به علاوه بسیاری از قانون های اجتماعی را جز در مورد جامعه معین نمی توان صادق دانست به طور کلی اوضاع و عوامل زمانی و مکانی بر علوم اجتماعی بیش از علوم دیگر تأثیر میگذارد و آن را محدود می سازد و نمی توان قوانین ثابتی از آن استخراج کرد؛ مثلاً یک جامعه تحت استعمار افریقایی را در قرن ۱۹ با یک اجتماع صنعتی اروپای امروز نمی توان مقایسه کرد.

شاخه های مختلف علوم اجتماعی

گرچه از عمر علوم اجتماعی مدت زیادی نمیگذرد و بیشتر این علوم در یک قرن اخیر پایه گذاری شده و رشد کرده است به دلیل احتیاج شدید جوامع معاصر به علوم اجتماعی این دانش گسترش فراوانی پیدا کرده و رشته های مختلفی در آن به وجود آمده است و در هر شعبه رشته ها و شاخه های فرعی و تحقیقی نیز وجود دارد به طوری که عصر جدید را عصر انفجار علوم اجتماعی نامیده اند. برای نمونه چند دسته از این علوم اجتماعی خاص را نام میبریم :

۱. **جمعیت شناسی** که به شمار جمعیت وقایع چهارگانه حیات تولد، ازدواج طلاق و فوت افزایش و کاهش طبیعی، جمعیت مهاجرت ها جابه جایی رابطه جمعیت و اقتصاد تحولات جمعیتی و برخی پیش بینی های جمعیتی می پردازد. این وجه ظاهری جامعه است که گسترش و ابعاد و فعل و انفعال جمعیت را نشان می دهد.

۲. **مردم‌شناسی** که به زندگی اجتماعی و روابط اقوام محلی و گروه‌های نژادی و فرهنگی می‌پردازد مانند مطالعاتی که در مورد ایلات و عشایر و ساکنین جزایر دور افتاده و اسکیموها به عمل آمده است؛ اما امروزه مردم‌شناسی آداب و سنن جوامع شهری را نیز مطالعه میکند و محور آن شناخت فرهنگ است.

۳. **انسان‌شناسی** که نوع انسان را صرف نظر از قومیت و نژاد و گروه خاص و مشخصات عام انسان را در طول تاریخ بررسی میکند انسان‌شناسی، به ویژه به مطالعه فرهنگ اقوام و ملل می‌پردازد.

۴. **تاریخ اجتماعی** که سرگذشت جوامع را از زمان‌های دور که انسان نوشتن را آغاز کرده و آثاری از خود برجای نهاده است بررسی میکند.

۵. **باستان‌شناسی** نیز بر اساس آثار و بقایای انسان سرگذشت او را در گذشته دورتر مطالعه میکند.

جامعه‌شناسی که به بررسی و مطالعه واقعیت‌های اجتماعی و دگرگونی‌ها و تحولاتی که در زندگی اجتماعی انسانها رخ داده و از اصول و قوانین معینی پیروی میکند می‌پردازد. دامنه این علم بسیار گسترده شده و رشته‌های فرعی متعدد مانند جامعه‌شناسی، دینی جامعه‌شناسی، شهری جامعه‌شناسی روستایی روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی کار و صنعت از آن به وجود آمده است و در مورد هر کدام تحقیقات و مطالعات فراوانی انجام شده است.

از بین دیگر رشته‌های علوم اجتماعی میتوان از علوم سیاسی، اقتصاد جغرافیای انسانی الهیات زبان‌شناسی و مدیریت نام برد.

فایده و کاربرد دانش اجتماعی

جوامع به صورت طبیعی به تدریج رشد میکنند و سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در آن به وجود می‌آید اما جامعه‌شناسی میخواهد روابط و مسائل اجتماعی ناشی از آن را بررسی و ارزیابی کند و نسبت به آنچه در جامعه میگذرد معرفت کافی و صحیحی پیدا کند. این همان علم به خاطر علم یا دانش بی‌غرضانه است که کسب آن وظیفه هر انسانی است. اما از جامعه‌شناسی انتظار میرود که در پرتو شناخت علمی خود به حل مشکلات اجتماعی کمک کند و راه‌هایی برای تسلط انسان بر روابط اجتماعی و بر سازمانها و نهادهایی که در کنترل انسان است بیابد. نه آنکه فقط برای مسائل و مشکلات جامعه بشری راه حل جستجو کند بلکه به پیش‌بینی بپردازد و آینده‌نگری کند و قوانین حاکم بر گذشته اقوام و ملل را در سازمان دادن به روابط آینده آنها دریابد در بعضی موارد روشها و فنون تحقیق دانش اجتماعی به حدی پیشرفت کرده است که با سنجش‌های دقیق میتوان تا حدی به آینده‌نگری پرداخت؛ برای مثال در مورد چگونگی افزایش یا کاهش جمعیت یا دگرگونی‌هایی که در آرای مردم نسبت به مسائل مختلف به وجود می‌آید بررسی افکار عمومی در انتخابات یا فنون تبلیغات بازرگانی یا بهترین طریق اداره کردن یک کارخانه یا نحوه مددکاری اجتماعی در گروه‌های مختلف و غیره ولی همه اینها مستلزم تحقیقات طولانی درباره آن مسئله است و احتیاج به اطلاعات همه‌جانبه و کامل دارد.

به هر حال میتوان گفت که شناخت کافی مقدمه دخالت و اظهار نظر صحیح و یافتن راه حل منطقی است وگرنه کسی با شعور ساده و نبوغ ذاتی ممکن است مسائل را شناسایی کند و راه حل ارائه دهد بدون اینکه به علم متکی باشد، ولی این راه حلها متناقض و کوتاه مدت و موضعی خواهد بود.

جامعه شناس سعی میکند واقعیات اجتماعی را چنان که هست بررسی کند و به همین دلیل آسان تر میتواند به ریشه ها و علل و قوانین حاکم بر آن پدیده ها دست یابد و احیاناً، راه حل علمی عرضه کند.

فصل اول : کلیات

تعریف

چنان که گذشت انسان بخش عمده زندگی خود را در گروههای اجتماعی میگذراند و در مقام عضو خانواده یا همسایه یا عضو یک گروه خاص اجتماعی اقتصادی دینی و قومی یا در مقام یک شهروند و فردی از ملت با دیگر هممنوعان خود در ارتباط و کنش متقابل است حتی هنگامی که افراد از عضویت خود در گروههای اجتماعی آگاه نیستند طوری میاندیشند و عمل میکنند که دست کم یکی از علت های آن عضویت در گروه است. نوع لباسی که می پوشیم و نوع و میزان غذایی که میخوریم اعتقادات و ارزشهای مورد قبول ما و آداب و رسومی که از آن پیروی میکنیم همگی تحت تأثیر عضویت ما در گروههای مختلف قرار دارد.

جامعه شناسی را میتوان مطالعه علمی زندگی گروهی انسانها تعریف کرد. از آنجا که اصطلاح جامعه شناسی و جامعه شناس اغلب نادرست به کار می رود، در ابتدا لازم است یادآور شویم که چه چیزهایی جامعه شناسی نیست. جامعه شناسی به عنوان یک رشته علمی غیر از فلسفه اجتماعی است فلسفه اجتماعی نظام ارزشهایی است که به ما میگوید یک گروه از مردم چگونه باید جامعه خود را سازمان دهند و به چه صورتی رفتار کنند در حالی که جامعه شناسان سعی دارند تا نحوه زندگی کردن و کنش متقابل در گروهها را به طور کلی و هر چه عینی تر که در ضمن با موازین علمی هم سازگار باشد توصیف و تشریح کنند.

اهمیت مطالعه جامعه شناسی

مطالعه جامعه شناسی به دلایل متعددی اهمیت دارد با مطالعه جامعه شناسی است. که میتوانیم نگاه تازه ای به محیط اجتماعی بیفکنیم و جایگاه خود را در جامعه مشخص کنیم و نیز گروههایی را که با آنها کمتر در ارتباط بوده یا هرگز با آنها تماس نداشته ایم دوباره بررسی کنیم با استفاده از ابزارهایی که جامعه شناسی در اختیار ما قرار میدهد میتوانیم محیطهای دیگر و فرهنگهایی را که قبلاً اطلاع کمی از آنها داشته ایم بشناسیم جامعه شناسی ممکن است توانایی ما را در فهم منشأ نظرها و گرایش هایی که با نظرها و گرایشهای ما به کلی متفاوت است افزایش دهد و در نهایت می توانیم با آن به فهم نیروهای اجتماعی مؤثر بر رفتار ما و اطرافیان ما نایل آییم.

یکی از اهداف مهم جامعه شناسی پیش بینی و کنترل رفتارهاست. چنان که از مثال شماره ۲ این فصل بر می آید این هدف در جوامع جدید، مانند آمریکا از اهمیت چندگانه ای برخوردار بوده است. جامعه شناسان با پیش بینی روند رفتارهای گروهی

میتوانند به طرحها و برنامه های رسمی دولت برای آینده کمک کنند. همچنین مطالعه جامعه شناسی به ما کمک میکند که با کاهش پیش داوریهها و احکام قالبی، رفتار خود را با انعطاف بیشتری با موقعیتهای جدید تطبیق دهیم. سرانجام مطالعه جامعه شناسی انسان را آماده میسازد تا شیوه های تازه ای را برای مشاهده چهره متغیر واقعیت اجتماعی و واکنش مناسب نسبت به آن جستجو کند.

منابع جامعه شناسی

دانش، شاه راه نسبتاً جدیدی برای جستجوی پاسخ به تمام پرسشهایی است که درباره جهان اجتماعی پیرامون ما مطرح شده است دانش در شیوه برخوردی که به کار میگیرد از روشهای منطقی و منظمی استفاده میکند تا داده های مورد نیاز و ضروری را برای رسیدن به نتایج خاص به دست آورد.

عقل سلیم که مشتمل بر عقاید روزمره است از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. غالباً میگویند که آنچه برای یک شخص عقل سلیم محسوب می شود برای دیگری بی معنی است و بیشتر آنچه عقل سلیم خوانده می شود هرگز موضوع آزمایش و تحلیل علمی قرار نگرفته است با وجود این معنای این سخن آن نیست که همه باورهای مبتنی بر عقل سلیم غیر حقیقی و گمراه کننده است؛ زیرا وقتی همین باورها به آزمون علمی گذاشته میشوند ثابت میشود که برخی از آنها با ارزش و پذیرفتنی است.

رابطه جامعه شناسی با علوم دیگر

بر حسب عرف و عادت علوم را به دو شاخه عمده تقسیم میکنند علوم طبیعی و علوم اجتماعی علوم طبیعی مربوط به مطالعه پدیده های طبیعی است و علوم اجتماعی عرصه وسیع رفتارهای انسانی را مطالعه میکند جامعه شناسی یکی از علوم اجتماعی است. دیگر علوم اجتماعی عبارت اند از روان شناسی که مطالعه رفتارهای فردی است روان شناسی اجتماعی که مطالعه روابط افراد با گروه است، علوم سیاسی که مطالعه حکومت و فلسفه سیاسی و تصمیم گیریهای اداری و سیاسی است اقتصاد که مطالعه تولید توزیع و مصرف کالاها و خدمات در جامعه است و انسان شناسی از آن جمله باستان شناسی که مطالعه بقایای تمدن های گذشته است زبان شناسی یا مطالعه زبان انسان شناسی جسمانی یا مطالعه تحولات زیستی انسان و انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی که مطالعه شیوه های زندگی در میان اجتماعات مختلف سراسر دنیاست رشته های جامعه شناسی و انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از مفاهیم مشترک اند. جغرافیای انسانی که به مطالعه نقش انسان در فرایندهای مختلف مانند رشد و کاهش و حرکات جمعیت در سطح زمین می پردازد و تاریخ که رویدادهای گذشته را به عنوان فعالیت های بشری ثبت و تبیین میکند نیز همچون دانش های یاد شده با جامعه شناسی رابطه دارند.

جامعه شناسی به عنوان یک علم

جامعه شناسی همانند دیگر علوم اجتماعی و در مقایسه با بسیاری از رشته های علوم طبیعی دقت علمی کمتری دارد. این امر دو دلیل اساسی دارد: نخست باید دانست که روش های علمی در مطالعه رفتارهای اجتماعی به تازگی به کار گرفته شده است؛ دوم آنکه وقتی با موضوعات انسانی سروکار داریم با مسائل فراوانی رو به رو میشویم که کمتر در مطالعه فیزیک یا

زمین شناسی حضور دارد. افراد رفتارهای خود را پیوسته تغییر میدهند و این امر ممکن است روابط آنان را با یکدیگر و نیز با دانش پژوهانی که میخواهند این رفتارها را مطالعه کنند دچار تغییر کند.

کوشش جامعه شناسی برای یافتن پاسخ پرسش های مهمی که برایش مطرح می شود. این است که از روش های علمی استفاده کند شرایط زیر در به کارگیری این روش های پژوهشی باید احراز شود :

قابلیت بررسی و آزمون: پژوهش علمی مستلزم مشاهدات ملموس و واقعی است به طوری که صحت و سقم آن قابل بررسی و آزمون باشد. از آنجا که قابلیت بررسی واقعیت برای کاوش های علمی اساسی است مطالعه مسائل مختلف ما بعد الطبیعی از قبیل مسئله حدوث و قدم یا جهان پس از مرگ در آزمایشگاه علمی قابل بررسی نیست و از قلمرو بررسی های علمی خارج است.

طرد مطلق گرایی: علم هیچ حقیقت مطلق را نمی پذیرد و دانشمند باید همواره آماده بررسی واقعیت های تازه باشد. حقیقت علمی باید حالت آزمایشی خود را حفظ کند؛ یعنی تجدید نظر را بپذیرد.

بی طرفی ارزشی: دانش پاسخ دهنده پرسشهای مربوط به واقعیت است. اما هیچ گاه مدعی نیست که بتواند ثابت کند که یک ارزش بهتر از ارزش دیگر است. اگرچه ما در جستجوی دانش هستیم این ارزشهای جامعه است که در نهایت چگونگی استفاده از دانش را مشخص میکند دانش پژوه به عنوان یک فرد از نظر اخلاقی بی طرف نیست اما نباید اجازه دهد که ارزش های شخصی او نحوه طراحی و رفتار پژوهشی اش را تحت تأثیر قرار دهد؛ به عبارت دیگر باید از لحاظ رسیدن به معرفت همواره بی طرفی خود را حفظ کند.

عینیت: جامعه شناس باید دید مستقل و غیر شخصی نسبت به موضوع مورد مطالعه خود داشته باشد. همه مشاهدات باید بدون کم و کاست، ثبت و ضبط و از احکام قالبی پرهیز شود.

استفاده از روش های استاندارد شده و محکم: جامعه شناس باید توصیف های دقیق و صحیحی از داده هایی که بررسی میکند ارائه دهد لازم است او طرح دقیق و منظمی برای جمع آوری اطلاعات داشته باشد و در خصوص آن همه شیوه ها و یافته ها را با دقت ثبت و مشخص کند.

مهارت در پژوهش: ضروری است که مشاهدات علمی را مشاهده کنندگان با تجربه و آموزش دیده انجام دهند؛ زیرا مشاهده کنندگان آموزش ندیده ممکن است آنچه را مشاهده میکنند به غلط تفسیر کنند. جامعه شناس با ارزیابی مشاهدات گزارش شده سطح آموزشی و تخصصی مشاهده کننده را خواهد شناخت و در عین حال از مراتب و دوره های ویژه یا کارآموزی هایی که مشاهده کننده گذرانده است آگاه خواهد شد.

کنترل موقعیت ها: تجربه علمی هنگامی میسر است که همه متغیرهای عمده جز یک متغیر که تحت بررسی است کنترل شود.

روش پژوهش علمی

پژوهش های جامعه شناختی همانند همه پژوهشهای علمی دیگر باید مراحل زیر را گام به گام به سوی نتیجه گیری پیش ببرد.

طرح یک فرضیه: پس از آنکه مسئله ای مشخص شد و پیش از آنکه آن را به صورت علمی بررسی کنیم باید بیانی نظری از واقعیات شناخته شده مطرح گردد. فرضیه های علمی فرضیه هایی است که باید به آزمون گذاشته شود و شواهد تجربی آن را تأیید یا رد کند.

طرح پژوهش: در مدت آماده سازی طرح پژوهش جامعه شناس باید رئوس آنچه را میخواهد مطالعه جمع آوری پردازش تجزیه و تحلیل و مشخص کند.

گردآوری داده ها: همه داده های ضروری باید طبق برنامه مذکور گردآوری گردد.

تحلیل داده ها: تحلیل علمی ایجاب میکند که داده های گردآوری شده طبقه بندی و به صورت جدول درآید و همه مقایسه های ضروری در مورد آن انجام شود.

نتیجه گیری: جامعه شناس پس از آنکه مراحل مذکور را با دقت انجام داد باید مشخص کند آیا فرضیه نخستین تأیید یا رد میشود با نتایج به دست آمده ناکافی است و به نتیجه گیری نمی انجامد.

رشد تاریخی جامعه شناسی

جامعه شناسی جوانترین دانش اجتماعی است واژه «جامعه شناسی» را نخستین بار در سال ۱۸۳۸ اگوست کنت فرانسوی در ضمن دروس فلسفه اثباتی خود به کار برد عموماً اگوست کنت را پدر جامعه شناسی لقب داده اند. به اعتقاد کنت دانش جامعه شناسی را میتوان بر بنیان مشاهده و طبقه بندی منظم علمی استوار کرد.

هربرت اسپنسر انگلیسی در سال ۱۸۷۶ نظریه تطور اجتماعی را مطرح کرد و بسط داد. این نظریه چندی مورد قبول قرار گرفت و سپس طرد شد لیکن دوباره به صورتی تعدیل یافته پذیرفته شد. اسپنسر نظریه تکامل داروین را به جوامع بشری تعمیم داد به اعتقاد او جوامع بشری از مرحله ابتدایی تا جامعه صنعتی دستخوش تحول تدریجی شده اند. اسپنسر در نوشته های خود مشخص کرد که فرایند تکامل حالت طبیعی دارد و انسان نباید در آن دخالت کند.

لستر وارد آمریکایی کتاب جامعه شناسی پویای خود را در سال ۱۸۸۳ منتشر کرد. او در این اثر پیشرفت اجتماعی را از طریق کنش اجتماعی ای که جامعه شناسان هدایت میکنند تأیید کرد.

امیل دورکیم در سال ۱۸۹۵ کتاب قواعد روش جامعه شناسی خود را منتشر کرد و روشی را که با آن خودکشی را در گروههای مختلف اجتماعی مطالعه کرده بود به وضوح تشریح کرد. دورکیم یکی از پیشگامان واقعی توسعه و رشد جامعه شناسی به شمار میرود او اعتقاد راسخ داشت که جوامع را باورهای مشترک و ارزش های مورد قبول اعضای آن تشکیل می دهد.

ماکس وبر (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰) معتقد بود که روشهای علوم طبیعی را نمیتوان در مسائل مستخرج از علوم اجتماعی به کار گرفت استدلال و بر این بود که چون دانشمندان علوم اجتماعی آن جهان اجتماعی را که خود در درون آن زندگی می کنند بررسی میکنند باید پذیرفت که تا حدودی برداشت های ذهنی آنان بر پژوهش هایشان اثر میگذارد. او معتقد بود که جامعه شناسان

در مطالعات خود باید از ارزش گذاری خودداری کنند و هرگز اجازه ندهند که نظرهای شخصی پژوهشهای آنان را تحت تأثیر قرار دهد یا بر نتایج پژوهش اثر بگذارد. کلاس های درس جامعه شناسی از سال ۱۸۹۰ در بسیاری از دانشگاهها تشکیل شد و در سال ۱۸۹۵ مجله جامعه شناسی آمریکا منتشر و در سال ۱۹۰۵، انجمن جامعه شناسی آمریکا پایه ریزی شد. اغلب جامعه شناسان آمریکایی دوره نخست زاده روستاها و بسیاری از آنان مددکار اجتماعی بودند و در وزارت کار و امور اجتماعی کار میکردند. طبیعی است که آنان در کارهای اولیه خود سعی داشتند مسائل اجتماعی ناشی از توسعه شهر نشینی و صنعتی شدن را حل و فصل کنند.

فصل دوم

پژوهش جامعه شناختی و رشته های تخصصی

فنون پژوهش

در همه پژوهش های اجتماعی از روشهای علمی استفاده میشود اما فنون ویژه ای که برای گردآوری اطلاعات و تحلیل داده ها وجود دارد در پژوهشهای مختلف جامعه شناختی متفاوت است چهار فن که بیش از همه در پژوهش های اجتماعی به کار می رود عبارت است از آزمایش مشاهده نمونه گیری و مطالعه موردی. در آزمایش چه در آزمایشگاه و چه در میدان پژوهش، همه متغیرها جز یک متغیر (متغیر مستقل)، ثابت نگه داشته میشود یا تحت نظارت قرار میگیرد و جامعه شناس به ثبت و ضبط آنچه در حین آزمایش و دستکاری متغیر مستقل اتفاق افتاده می پردازد. بررسی مشاهده ای از این جهت با آزمایش متفاوت است که جامعه شناس در آزمایش خود متغیر مستقل را دخالت نمی دهد، بلکه فقط آنچه را به طور طبیعی و بدون دخالت او جریان دارد از نزدیک مشاهده می کند. نمونه گیری زمانی به کار میرود که پژوهشگر به گردآوری داده ها میپردازد. او این کار را معمولاً با استفاده از پرسشنامه با مصاحبه با بخشی از گروه با جمعیت که نماینده کل جمعیت با موضوع پژوهش است انجام میدهد. پژوهشگر پس از استخراج داده ها، نتایج پژوهش را به کل جامعه آماری تعمیم میدهد. سرانجام مطالعه موردی هنگامی به کار میرود که پژوهشگر بخواهد برداشتی کامل و تفصیلی از پدیده مورد نظر خود بدون اینکه داده های مربوط به آن پرسشها و مصاحبه را محدود و مشخص کند داشته باشد. هر چند که مطالعه یک مورد خاص معمولاً هیچ فرضیه ای را اثبات نمیکند اغلب به منزله منبعی برای شرح فرضیه یا نمونه ای برجسته از یک تعمیم کلی ارزشمند است.

آزمایش

هر چند که آزمایش یا تجربه علمی در مکان خاصی به نام آزمایشگاه صورت می گیرد، اگر همه متغیرهای نظارت شده ثابت بماند میتوان این روش را در زندگی روزمره یا در محل وقوع آن نیز به کار گرفت؛ به بیان دیگر در هر آزمایش خاص فقط متغیر مستقل است که پژوهشگر آن را به عمد و برای گذر از آزمایشی به آزمایش دیگر تغییر میدهد.

پژوهشگر برای فهم چگونگی تأثیر تغییرات متغیر مستقل بر نتایج آزمایش موضوع مورد مطالعه خود را به یک گروه کنترل و دست کم یک گروه آزمایش تقسیم میکند. هدف از گروه کنترل ایجاد مبنایی ثابت برای مقایسه است افراد این گروه در

موقعیت آزمایشی قرار میگیرند و سپس با تغییر متغیر مستقل پاسخهای آنان با پاسخهای گروه آزمایش مقایسه میشود. پژوهشگر با مقایسه پاسخ گروهها می تواند درباره تأثیر متغیر مستقل مورد آزمایش به نتایج معنی داری دست یابد.

اساساً، جامعه شناس به دو شیوه میتواند گروه کنترل و آزمایش را انتخاب کند :

۱. **روش گزینش زوج های همانند:** در این شیوه آزمایش کننده گروه ها را به گونه ای نظم میدهد که در برابر هر شخص از گروه کنترل یک فرد همانند او در هر کدام از گروههای آزمایش قرار گیرد - منظور از افراد همانند افرادی است که بر حسب برخی متغیرهای عمده درست شبیه هم باشند.

۲. **فن گزینش تصادفی:** در این شیوه افراد بر حسب تصادف آماری در هر یک از دو گروه کنترل یا آزمایش پخش میشوند.

مطالعات مبتنی بر مشاهده

مطالعات مبتنی بر مشاهده نیز مانند آزمایش هم در خود جامعه و هم در آزمایشگاه صورت می پذیرد با وجود این مطالعات مبتنی بر مشاهده با آزمایش از این جهت متفاوت است که در اینجا جامعه شناس متغیر مستقلی را برای تأثیر آزمایش بر افراد مورد مطالعه دخالت نمیدهد بلکه سعی دارد مشاهدات منظمی را در موقعیت غیر ساختگی کنونی ثبت و ضبط کند هرگاه مشاهدات منظم به صورت گزارشی توصیفی و غیر رسمی تلخیص شود آن را مطالعه برداشتی می نامند. در مطالعه مبتنی بر مشاهده پژوهشگر میتواند با موضوع مورد مطالعه تماس متقابل داشته یا نداشته باشد و این امر منوط به آن است که بخواهد تأثیر مشارکت خود را بر آن بداند.

بررسی های نمونه ای

فرض کنید پژوهشگر گروه خاص یا جمعیتی را در نظر بگیرد و بخواهد درباره اعتقادات، ارزش ها و وجهه نظر اعضای آن به تعمیم هایی دست یابد. این پژوهشگر می تواند با مشاهده و پرسش از هر یک از افراد آن جمعیت به خلاصه یکپارچه ای از باورهای اعضای آن گروه دست یابد. اما اگر گروه مورد نظر او بیش از حد بزرگ باشد مانند جمعیت مردان ۶۵ ساله به بالا در یک کشور پرجمعیت»، مصاحبه با همه افراد چنین جمعیتی یا حتی مشاهده آنان عملی نیست به همین جهت، پژوهشگر اغلب نمونه هایی را که نماینده کل آن جمعیت باشد انتخاب میکند. اگر هدف او دستیابی به نتایج تعمیم پذیر است جمعیت نمونه وی باید نماینده بخش بزرگی از جمعیت باشد یا دست کم ویژگی های عمومی آن جمعیت را در مجموع داشته باشد.

مطالعه موردی

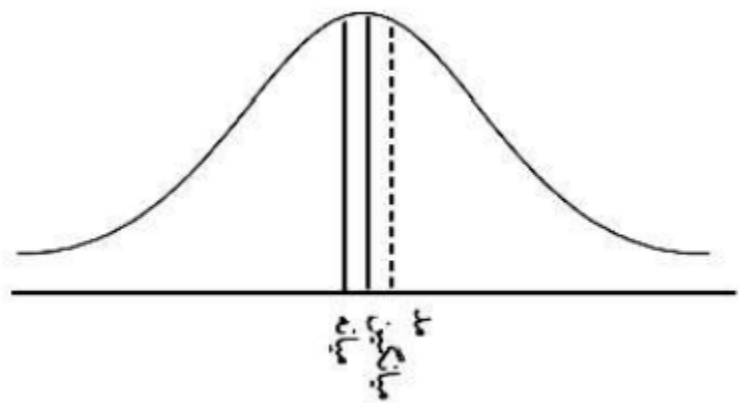
مطالعه موردی معمول ترین روش مشاهده میدانی است. پژوهشگری که به مطالعه موردی می پردازد باید به ثبت و ضبط کامل و جامع جزئیات و ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه بپردازد - پژوهشگر میتواند روش مشاهده همراه با مشارکت یا جز آن را برگزیند. چنانچه مطالعه موردی با رخدادهای پیشین پیوند داشته باشد پژوهشگر با دقت همه منابع بایگانی شده را که به موضوع مربوط است جستجو میکند و با همه اشخاصی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن رویدادها درگیر بوده اند و اکنون دسترسی به آنان ممکن است به مصاحبه و گفتگو می پردازد.

تأثیر عامل زمان بر پژوهش

هر پژوهش در چهارچوب زمانی خاصی جریان دارد مطالعات مقطعی ، مقایسه وضعیت موجود بین چندین گروه مختلف در یک زمان است. مطالعات طولی پژوهشی است که درباره یک فرد یا گروه در سیر زمانی به نسبت طولانی انجام می گیرد.

کاربرد آمار

اندیشه به کارگیری و فهم مفاهیم آماری برای دانشجویانی که جامعه شناسی را برای نخستین بار مطالعه و تحصیل میکنند گاهی وحشتناک مینماید. با وجود این استفاده درست از مفاهیم اساسی آماری به فهم کامل متون و مقالاتی که دانشجوی علوم اجتماعی با آن سروکار دارد کمک فراوانی خواهد کرد. تعاریف زیر در آمارهای جامعه شناختی جنبه اساسی دارد میانگین عبارت است از رقمی که از تقسیم جمع کل موارد بر تعداد افراد آن به دست میآید. میانه عبارت از عددی است که درست در وسط توزیع آماری اعداد قرار میگیرد و مد عددی است که در توزیع اعداد بیشتر تکرار میشود.



مشکلات پژوهش های جامعه شناختی

از آنجا که جامعه شناس با انسانها شیوه های گوناگون زندگی شخصیت ها، ارزش ها سنت ها و مانند اینها سرو کار دارد در پژوهش ها با مسائلی روبه رو میشود که اغلب با مسائل مورد پژوهش دانشمند علوم طبیعی بسیار متفاوت است. **تغییر اوضاع اجتماعی:** تغییرات مداوم اوضاع اجتماعی، توجه به زمان و مکان را در همه گزارشها ایجاب میکند. هر چند در علوم طبیعی نیز دگرگونی رخ می دهد میزان دگرگونی در کوتاه مدت در علوم اجتماعی ممکن است بسیار چشمگیرتر باشد. **مشکلات پژوهش:** طرح یک بررسی با حضور پژوهشگر به هنگام پژوهش ممکن است بر رفتار افراد مورد مطالعه اثر بگذارد چنان که در فصل اول یادآور شدیم اگر فرد مورد مطالعه مردی باشد که از او درباره تساوی حقوق زن و مرد نظر خواهی میشود پاسخ او به پرسش کننده زن با پاسخش به پرسش کننده مرد متفاوت خواهد بود و حتی حضور همسر پاسخگو نیز ممکن است بر نحوه پاسخگویی او تأثیر گذارد.

پیش بینی ناپذیری رفتار انسان: با آنکه جامعه شناس اغلب نمی تواند رفتار خاص افراد مورد مطالعه را پیش بینی کند میتواند در مورد رفتار گروهی که فرد عضو آن است پیش بینی های منطقی دقیقی انجام دهد. برای این کار از اصول حساب احتمالات استفاده میشود.

محدودیت های اخلاقی: جامعه شناسی برخلاف علوم طبیعی و فیزیک محدودیتهای بسیاری دارد که ناشی از ملاحظات اخلاقی پذیرفته شده در پژوهش های اجتماعی است. چون جامعه شناس با انسان سر و کار دارد باید حقوق او را رعایت کرده به علایق و شایستگی هایش توجه کند.

محدودیت آزمایش ها: در موارد بی شمار حتی زمانی که یافته های مطالعه ارزش والایی دارد هزینه های سرسام آور آن که فایق آمدنی نیست - از انجام آن جلوگیری میکند علاوه بر این جامعه شناس باید به آسیبهایی که بر فرد مورد مطالعه وارد میشود توجه کند.

جامعه شناسی محض و جامعه شناسی کاربردی

در همه رشته های علمی بین جنبه های علمی محض و کاربردهای عملی آن فرق می گذارند. جامعه شناسی محض بدون توجه و نظر خاص به کاربردهای عملی به جستجوی شناخت علمی می پردازد اما جامعه شناسی کاربردی عبارت است از جستجوی دانشی که کاربردهای عملی داشته باشد.

جامعه شناسی غیر تخصصی یا عامیانه

دستاوردها و موضوعات جامعه شناختی را در رسانه های گروهی اغلب افرادی که در زمینه جامعه شناسی تخصص ندارند مطرح میکنند. اگرچه برخی از این مفاهیم و موضوعات جامعه شناختی با توصیفی نادرست و غیر دقیق و با تأکیدات نابجا و پیچیده و تفسیرهای سؤال برانگیز همراه است دیگر از این مفاهیم و موضوعات دقیق است و مجرای خوب و مؤثری برای نشر اطلاعات و دستاوردهای جامعه شناختی به شمار می رود.

رشته های تخصصی جامعه شناسی

جامعه شناسی را به شاخه های فرعی و زمینه های تخصصی گوناگون تقسیم می کنند. فهرست زیر تعدادی از این رشته های تخصصی و زمینه های خاص جامعه شناسی را نشان میدهد که برای دانشجویان مفید است.

جامعه شناسی شهری؛ جامعه شناسی روستایی؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش؛ جامعه شناسی دینی؛ جامعه شناسی سیاسی؛ جامعه شناسی کار؛ جامعه شناسی صنعتی؛ جامعه شناسی خانواده و ازدواج؛ جامعه شناسی پزشکی؛ جامعه شناسی فرهنگ؛ روان شناسی اجتماعی؛ روش شناسی؛ سازمان اجتماعی؛ قشربندی اجتماعی؛ روابط قومی و نژادی، مطالعه اجتماعات، جمعیت شناسی؛ رفتارهای جمعی و ارتباطات جمعی؛ بوم شناسی انسانی؛ رفتارهای انحرافی؛ نظارت اجتماعی؛ آسیب شناسی اجتماعی و غیره.

نقش جامعه شناس در جامعه

هنگامی که نقش بالنده جامعه شناس را در نظر میگیریم پرسش های چندی مطرح می شود. جامعه شناس گاهی به عنوان دانشمند و گاهی نیز به صورت عضوی فعال و سهیم در مسائل جامعه عمل میکند. نقشهای عمده جامعه شناس به اختصار از قرار زیر است :

محقق دانش پژوه: جامعه شناس به هدایت تحقیقات علمی می پردازد و بدین ترتیب، اطلاعات لازم را گردآوری میکند و به دانش خود درباره زندگی اجتماعی سازمان میدهد تقریباً همه پژوهشگران جامعه شناس در دانشگاهها مؤسسات پژوهشی دولتی، بنیادها نهادها گروه های صنفی و مانند آن استخدام و مشغول کار میشوند. در دانشگاه آنان به تدریس پژوهش یا هر دو مشغول اند خواه هزینه اش را دانشگاه یا مؤسسات خارج از آن تأمین کند. یکی از نخستین هدف های پژوهشگران جامعه شناس این است که روند تحولات جامعه را پیش بینی کنند به گونه ای که مردم بتوانند خود را با پیشرفتهای آینده جامعه هماهنگ سازند. بدین ترتیب، جامعه شناس میتواند عملاً بر برنامه ریزی و سیاست گذاری های جامعه تأثیر بگذارد.

مشاور برنامه ریزی: جامعه شناس تأثیرات احتمالی سیاست های اجتماعی را پیش بینی میکند بسیاری از سیاستهای اجتماعی به شکست می انجامد؛ زیرا بر مفروضات و پیش بینی های نابجا و نادرست استوار شده است.

تکنیسین: بسیاری از پژوهشگران به استخدام بنگاههای دولتی ادارات شرکتها و بنگاههای اقتصادی و مانند آن در می آیند تا سازمان آنها را نظام بخشیده بر تولیداتشان بیفرایند با وجود این حتی در اینگونه کارها، جامعه شناس باید مراقب باشد که هدف های سازمان بر اصول اخلاقی جامعه شناسی پیشی نگیرد.

معلم علوم اجتماعی: بیشتر فارغ التحصیلان به تدریس اشتغال می ورزند. معلم جامعه شناسی تأثیر بسزایی بر دانشجویان میگذارد. در اینجا یک مسئله اخلاقی مطرح میشود و آن تشویق دانشجویان به دنبال کردن یک گرایش خاص در کنش ها و رفتارهای اجتماعی است که بعضی از معلمان دنبال میکنند.

جامعه شناسی علمی عاری از قضاوت ارزشی

یک سؤال اساسی بی پاسخ ماند و آن اینکه آیا جامعه شناسی به ارزشهای خاصی پایبند است یا خیر؛ به بیان دیگر آیا جامعه شناس میتواند از سیاست و برنامه های خاصی دفاع کند؟ جامعه شناسان نخستین گمان میکردند که باید نقش فعالی را در توسعه سیاستهای ملی ایفا کنند سالهای بین ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ سالهای بحث و چون و چرا درباره این دیدگاه بود اما امروزه نیز بسیاری از جامعه شناسان بر این باورند که جامعه شناس میتواند و آزاد است که عقاید خاص و مشخصی داشته باشد به صورت فعال در همه فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شرکت کند و از عقاید و ارزش های خود دفاع کند.

فصل سوم: فرهنگ

تعریف

آنان که افراد جامعه را به دو گروه با فرهنگ و بی فرهنگ تقسیم میکنند، تصویری نادرست و عامیانه از جامعه دارند. از دیدگاه جامعه شناسی هیچ فرد بزرگسال و طبیعی بی فرهنگ نیست فرهنگ را میتوان به عنوان مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین تعریف کرد کلمه اساسی و مهم در تعریف یاد شده کلمه اکتسابی است که فرهنگ را از رفتارهای برخاسته از وراثت و ویژگی های زیستی متمایز میکند.

فرهنگ متمایز از جامعه

جامعه به گروهی از انسانها اطلاق میشود که در طول هزاران سال با یکدیگر زندگی کرده و در سرزمین معینی سکنا گزیده اند و سرانجام خود را به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه های دیگر سازمان داده اند. افراد هر جامعه همچنین فرهنگ مشترکی نیز دارند ممکن نیست که فرهنگ جدای از جامعه یا جامعه جدای از فرهنگ باشد هر جا که جامعه ای هست فرهنگ منطبق بر آن نیز وجود دارد.

ارتباط نمادی

یکی از ویژگی های خاص انسان توانایی و مهارت او در برقراری ارتباط با دیگران به عالی ترین و پیچیده ترین شکل است. استعداد بسیار تکامل یافته انسان در برقراری ارتباطات نمادی اکتساب فرهنگ را آسان و انتقال آن را از نسلی به نسل دیگر ممکن میسازد جامعه شناسان و انسان شناسان هر دو بر این عقیده اند که چنانچه انسان استعداد و مهارت وسیع فراگیری زبان و برقراری ارتباط با دیگران را نداشته باشد نمیتواند به حیات خود ادامه دهد.

ارتباط نمادی آدمیان به سه شیوه اساسی صورت میگیرد. شیوه نخست زبان گفتاری است که عبارت از الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن است. زبان گفتاری آموزش و ارتباطات را آسان میکند دومین شیوه ارتباط زبان نوشتاری است که عبارت از ثبت تصاویری از گفتار است زبان نوشتاری آموزش و حفظ میراث فرهنگی را تسهیل میکند سومین، روش زبان جسمانی است که از ادب عامیانه گرفته شده است و به معنای برقراری ارتباط با حرکات دست و صورت و به طور کلی با ایما و اشاره است.

هنجارهای فرهنگی

هنجارهای فرهنگی معیارهای رفتارهای ثابتی هستند که گروه به لحاظ فکری یا رفتاری از افراد انتظار دارد یا آنها را تأیید میکند. این انتظارات و رفتارهای حاصل از آن غالباً از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر میکنند هنجارهای فرهنگی صورت های مختلفی به خود میگیرند که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. **ارزشها:** احساسات ریشه دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریک اند. این ارزش ها اعمال و رفتار جامعه را تعیین میکند.

۲. **آداب و رسوم:** به آن دسته از شیوه های رفتاری عادی اطلاق می شود که در جامعه رواج دارد.

۳. **رسوم اخلاقی:** عبارت از رسومی هستند که ویژگی های معناداری از رفتارهای درست و نادرست را در بر میگیرند. رسوم اخلاقی هر جامعه در نظام حقوقی و آموزشدهای مذهبی آن متبلور میشود. قوانین، بخشی از رسوم اخلاقی هستند که به صورت قواعد و مقررات درآمده اند. هر کس برخلاف این مقررات رفتار کند با مجازات قانونی روبه رو میشود.

فرهنگ آرمانی و فرهنگ موجود

بسیاری از رفتارهایی که در نظر عموم مردم شدیداً محکوم و نهی شده است، به مقیاس وسیعی در مکانهای خصوصی و خلوت رواج دارد. فرهنگ آرمانی آن است که الگوهای رفتاری آشکار و رسماً تأیید شده را در بر میگیرد، در حالی که فرهنگ موجود

(واقعی) آن چیزی است که عملاً بر جامعه حاکم است. کمتر اتفاق می افتد که عملکردهای کنونی زنان و مردان جامعه با الگوهای آرمانی رفتار برای مدت زمانی طولانی متفاوت باقی بماند.

سازمان فرهنگ

هر فرهنگ به شیوه نظام یافته ای سازمان مییابد تا امکان روابط متقابل مؤثر را برای افراد و گروهها فراهم کند عنصر فرهنگی به کوچکترین واحد فرهنگ اطلاق می شود که ممکن است یک عبارت شیء حرکت یا نماد باشد. مجموعه فرهنگی به مجموعه پیچیده ای از عناصر منسوب به آن فرهنگ بر میگردد. نهاد نظام روابط اجتماعی الگو شده و سازمان یافته ای است که در قالب آن کارکردها و برآوردن نیازهای ضروری فردی و گروهی ممکن میشود.

همه جوامع بشری برای انجام کارکردهای ضروری و تأمین نیازهای حیاتی اعضای گروه خود پنج نهاد اجتماعی اساسی را بنیان نهاده اند. این نهادهای پنجگانه عبارت اند: از نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، سیاست، اقتصاد و دین. افزون بر آن جوامع جدید نهادهای دیگری را نیز به فهرست یاد شده افزوده اند؛ برای مثال در آمریکا نهاد نظامی و نهاد تفریحی نیز بر آن افزوده شده است.

خرده فرهنگ گروهی کوچکتر از جامعه است. خرده فرهنگ منسوب به فرهنگ وسیع تر است؛ زیرا بسیاری از هنجارها و موازین فرهنگ بزرگتر را می پذیرد، اما از سوی دیگر خرده فرهنگ از فرهنگ کل جامعه متمایز است، زیرا برخی هنجارها و موازین خاص خود را دارد.

ضد فرهنگ به گروه هایی اطلاق میشود که با هنجارها و موازین فرهنگ غالب در جدال هستند و آن را شدیداً طرد میکنند. برای اینکه فرهنگ به شکل مؤثر عمل کند و هدفهای جامعه را تأمین نماید باید عناصر مختلف آن به خوبی با یکدیگر هماهنگ باشند وحدت فرهنگی انسجام سازمانی و عملیاتی همه عناصر و مجموعه های فرهنگی است که کارکرد واحدی دارند. ص ۶۱

قوم مداری

قوم مداری گرایشی است که بر حسب آن افراد جامعه فرهنگ خود را برتر از فرهنگ دیگران میپندارند عادت ها و سنت ها غالباً ما را با استفاده از وجهه نظرهای اجتماعی ریشه دار به قوم مداری ترغیب میکنند به این ترتیب هنگامی که اعضای یک گروه درباره دیگران به داوری مینشینند غالباً قوم مداری آنان را به احساس خود برتریینی سوق میدهد.

رابطه شخصیت و قوم مداری

همه گروههای اجتماعی به گسترش قوم مداری دامن میزنند، اما همه اعضای گروه به یک اندازه قوم محور نیستند برخی از انواع شخصیت بیشتر از دیگران به قوم مداری گرایش دارند؛ برای مثال مطالعات نشان داده است که اشخاصی که نسبت به نفع یک گروه معین تعصب نشان میدهند غالباً گرایش دارند که بر ضد بسیاری دیگر از گروه ها نیز تعصب داشته باشند.

آثار مثبت قوم مداری

قوم مداری این فایده را دارد که احساس مشروعیت گروه وفاداری میهن دوستی و ملیت خواهی فرد را تقویت میکند. افزون بر آن قوم مداری با حفظ وضع موجود به منزله نیرویی مقاوم در برابر دگرگونی ها نیز به کار می آید.

زیان های قوم مداری

شاید زیان‌بارترین اثر قوم مداری این باشد که غالباً مانع نوآوری های احتمالاً سودمند میشود. از آنجا که همواره به اندیشه دیگران با بدگمانی مینگرند و آنها را نادرست تلقی میکنند آن دسته از مسائل داخلی که به آسانی با استفاده از ابداعات دیگران حل میشود برای مدتی بسیار طولانی و گاه بی پایان حل ناپذیر باقی می ماند قوم مداری افراطی به طرد غیر ضروری و بیهوده خرد و دانش دیگر فرهنگها منتهی میشود و از هر گونه مبادله فرهنگی و غنی سازی فرهنگ خودی جلوگیری میکند.

نسبیت فرهنگی

چنانچه فرهنگ های گروه های دیگر را تنها به اعتبار انگیزه ها و ارزشهای خودمان تجزیه و تحلیل کنیم، فهم الگوهای رفتاری آنها تقریباً غیر ممکن می شود. داوری درباره معنی و ارزش هر عنصر فرهنگی را باید در خصوص زمینه فرهنگی آن انجام داد. شاید یک عنصر فرهنگی که برای ثبات یک جامعه زیانبار است برای ثبات جامعه دیگر ضروری و حیاتی باشد. ارزش هر رسم بسته به سهمی است که در فرهنگ مربوط به خود دارد.

ضربه فرهنگی

فردی که تحت تأثیر محیط فرهنگی بیگانه است و بین مردمی زندگی میکند که در باورهای اساسی خود با او وجه مشترکی ندارند دچار ضربه فرهنگی میشود.

دگرگونی فرهنگی

هر چند مردم نسبت به رها کردن سنت ها ارزش ها و آداب و رسوم خود برای قبول سنت ها، ارزش ها و رسوم تازه انعطاف ناپذیر و سخت گیرند کمتر فرهنگی است که در طول تاریخ دچار دگرگونی هایی نشده باشد. بدیهی است روشها و میزان این دگرگونی متفاوت است. هر جا که عناصر جدید و مجموعه هایی نو در فرهنگ ظاهر شود و بدین سان محتوا و ساخت فرهنگ را تغییر دهد دگرگونی فرهنگی رخ می دهد.

مقاومت در برابر دگرگونی هنگامی بیشتر آشکار میشود که این دگرگونی ها با انحراف شدید از ارزش های سنتی و رسوم همراه باشد.

تأخر فرهنگی

هر فرهنگ را میتوان به عناصر مادی و غیر مادی آن تقسیم کرد. غالباً دلایلی ارائه می شود مبنی بر اینکه معمولاً دگرگونی تنها در حوزه مادی فرهنگ رخ می دهد ظاهراً مردم دگرگونی در فناوری را که جزئی از حوزه مادی فرهنگ است می پذیرند حال آنکه کمتر هنجارها ارزش ها باورها یا سازمان اجتماعی خود را تغییر می دهند. نتیجه این ناهماهنگی تأخر فرهنگی است و آن هنگامی رخ می دهد که عناصر غیر مادی فرهنگ سعی دارند وضعیت خود را در میان دگرگونی های عناصر مادی فرهنگ حفظ کنند.

فرهنگ پذیری

گاه اتفاق می افتد که یک عنصر فرهنگی از فرهنگ دیگر گرفته می شود. این جریان فرایند فرهنگ پذیری نامیده میشود در چنین وضعیتی فرهنگهایی که با یکدیگر تماس مستقیم دارند هر دو دچار دگرگونی میشوند در عین حال این دگرگونی ممکن است در یک فرهنگ خیلی عمیق تر از فرهنگ دیگر باشد.

سرچشمه دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی

به نظر می رسد که امروزه فناوری مهمترین عامل مؤثر بر دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی است دگرگونی های سریع فناوری بیشتر در کشورهای صنعتی پیشرفته رخ می دهد. انتظار می رود که هر چه دگرگونی های فناورانه سرعت و شتاب بیشتری پیدا کند دگرگونی های فرهنگی ناشی از آن بیشتر شود دیگر عوامل مؤثر بر میزان و سرعت دگرگونی را میتوان به قرار زیر برشمرد :

محیط طبیعی. دگرگونی های ناگهانی و شدید در محیط طبیعی کمتر رخ می دهد اما در صورتی که رخ دهد تأثیر عمیقی بر جای میگذارد؛ برای مثال دگرگونی های ناشی از یک زمین لرزه شدید را در نظر بگیرید. غالباً دگرگونی های محیط طبیعی به حدی کند و آرام رخ میدهند که تأثیر آنها بر حیات اجتماعی نمود بسیار کمی دارد.

دگرگونی در جمعیت. هر گونه دگرگونی عمده در شمار و توزیع جمعیت یک کشور همواره دگرگونی های اجتماعی متناسب با خود را به دنبال دارد. افزایش جمعیت ممکن است منجر به مهاجرت یا بهبود وضع تولید گردد و این به خودی خود ممکن است به دگرگونی اجتماعی بینجامد.

نیازهای شناخته شده. شرط دگرگونی اجتماعی این است که جامعه نیازهای خود را بشناسد. نیازها جنبه روانی و ذهنی دارد و همین که اوضاع تغییر کند نیازهای تازه پدیدار میگردد.

فصل چهارم

پایگاه و نقش

پایگاه به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق میشود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروههای دیگر احراز میکند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را تعیین میکند، نقش به رفتاری اطلاق میشود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است انتظار دارند. نقشهای مناسب به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته میشود و سپس او آنها را می پذیرد.

پایگاه انتسابی و پایگاه اکتسابی

پایگاه انتسابی از آغاز تولد به فرد محول شده عمدتاً بر زمینه های خانوادگی نوزاد استوار است. جنسیت، دین نژاد ثروت و معیارهای اجتماعی همگی از طریق والدین و خانواده به فرد منتقل میشود به این ترتیب پایگاه فرد بر نسب او مبتنی است نه بر شایستگی های فردی و نه آن چیزی که از طریق کار و کوشش به دست آورده است. پایگاه اکتسابی به موقعیتی اطلاق میشود که بر اساس تلاش و کاری که فرد از خود بروز داده یا استعدادها و مهارت هایی که از خود نشان داده است استوار است.

بی ثباتی و تضاد پایگاه اجتماعی

از نظر تاریخی در اکثر جوامع پایگاه هایی که افراد در گذشته به دست می آوردند نسبتاً پایدار و ثابت بود شغل فرد تعلق قومی و طبقه ای و غیره همگی با یکدیگر متناسب و هماهنگ بود با وجود این در جوامع صنعتی جدید که پایگاهها هم جنبه انتسابی و هم جنبه اکتسابی دارند فرد میتواند تعداد بسیاری پایگاه را در یک زمان دارا باشد به چنین موقعیتی ناهمسانی پایگاه میگویند. کسانی که در پایگاههای ناهمسان و احياناً متضاد قرار میگیرند ممکن است با همانند کردن خود با هر یک از پایگاههای متعارض و انکار وابستگی خود به پایگاه پایین تر واکنش نشان دهند یا به کلی در هویت پایگاه خود سرگردان و معذب باقی بمانند.

گروه های مرجع و ایفای نقش

افرادی که میکوشند به ارزیابی شیوه های ایفای نقش پردازند گروههای مرجع را الگوی کار خود قرار میدهند. گروههای مرجع یکی از معیارها و الگوهایی است که هر کس نقش خود را در یک موقعیت معین بر اساس آن ارزیابی میکند. ایفای نقش هر فرد با مقایسه نقش او با کسانی که وظیفه ای مشابه او دارند ارزیابی میشود. فرد با این مقایسه میتواند مشخص کند که آیا نقش خود را به درستی ایفا کرده است یا خیر و همان طور که فرد در جامعه دگرگونی هایی را میپذیرد گروه های مرجعی که مقیاس سنجش و ارزیابی او هستند نیز تغییر میکنند.

نقش محول و نقش محقق

شیوه ایفای نقش طبق انتظارات جامعه را نقش محول مینامند. برخی افراد همواره مطابق با انتظارات دیگران رفتار نمیکنند اما در عین حال نقشی را که جامعه به آنان محول کرده انجام میدهند نقش محقق شیوه ای است که فرد در عمل در ایفای یک نقش معین به کار میبرد مسلم است که هیچ کس در غالب نقشهای محول خود باقی نمیماند بلکه بین نقشی که به او محول میشود و نقشی که در عمل ایفا میکند مغایرت هایی به دلایل زیر به وجود می آید (۱) عدم شناخت صحیح فرد از آنچه ایفای یک نقش اقتضا میکند؛ (۲) تمایل فرد به عدم انطباق نقش خود با الزامات و انتظارات دیگران و (۳) ناتوانی فرد در ایفای صحیح یک نقش.

شخصیت و ایفای نقش

برای آنکه شخصی بتواند نقشی را به درستی ایفا کند باید دارای شخصیتی باشد که او را به انجام آن نقش هدایت کند. مسلم است که همه افراد آن نوع شخصیتی را که در عمل بتواند نقش معینی را ایفا کند ندارند. بیشتر افراد در اجرای نقش محول خود که بخشی از زندگی آنان را از بدو تولد تشکیل می دهد کمتر دچار مشکل میشوند با وجود این ایفای نقش اکتسابی هنگامی به آنان واگذار میشود که شخصیت آنان تا حدی پرورش یافته و شکل گرفته باشد. به این ترتیب بعضی از افراد سازگاری لازم را برای اجرای یک نقش به طور کامل ندارند.

دلسردی از نقش

به حالتی که در آن فرد نقش خاصی را به رغم میل و احساسات شخصی ایفا میکند دلسردی از نقش میگویند این حالت هنگامی اتفاق می افتد که آن نقش اولویت خاصی در زندگی فرد ندارد و شخص به جای آنکه نقش را در دل خود جایگزین کند آن را تنها به این دلیل ایفا میکند که ضرورت ایجاب میکند یا دیگران از او انتظار دارند ایفای نقش در این حالت غالباً همراه با فشارهای روانی است و این تا جایی ادامه دارد که فرد اولویتهای خود را تغییر داده نقش خود را به عنوان امری مطلوب تر از نو پذیرا شود.

فشار نقش

گاه اتفاق می افتد که فرد در انجام نقشی که از او انتظار می رود دچار مشکل می شود و این به دلیل تعارض نقشها و وظایف با انتظاراتی است که در قبال آن نقش وجود دارد. به این وضعیت فشار نقش میگویند این تعارضات ممکن است هنگامی ظاهر شود که طرف مقابل نقش انتظارات متفاوتی از دارنده نقش دارد یا زمانی که شخص پایگاهی را اشغال میکند که مستلزم یک سلسله الگوهای رفتاری متفاوتی است که در آن لحظه ممکن است با یکدیگر در تعارض باشند.

شکست در ایفای نقش

در یک جامعه صنعتی شهرنشین ممکن است یک فرد ضرورتاً چندین نقش را هم زمان ایفا کند و بدین سان در معرض انتظارات متعارضی قرار گیرد. در چنین موقعیتی غالباً اتفاق می افتد که شخص در ایفای نقش خود دچار شکست شود. گاهی انسان هم در انجام دادن نقش محول و هم انجام دادن نقش محقق دچار شکست میشود اما آنچه اغلب اتفاق می افتد این است که افراد بیشتر در ایفای نقش محقق یا اکتسابی خود دچار شکست میشوند به جز افرادی که قادر نیستند پایگاه مشخصی داشته باشند و به این دلیل هیچ نقشی ایفا نمی کنند، افراد دیگری هستند که در پایگاه مطلوبی قرار میگیرند اما در ایفای نقش منتسب بدان ناکام می مانند.

تعارض نقشها

فردی را در نظر بگیرید که با یک یا چند نقش که مستلزم انجام رفتارهای متناقض یا متعارض است سروکار دارد چنین حالتی را تعارض نقش میگویند. در جوامع جدید صنعتی که عضویت در گروههای متعدد از ویژگیهای آن است از بیشتر افراد انتظار می رود که به الزامات بیش از یک نقش پاسخ گویند و بسیار پیش می آید که برای انجام دادن چنین نقشهایی که با هم در تعارضند فرد دچار اختلال فکری و بی نظمی میشود. حتی در مورد یک نقش نیز ممکن است فرد دچار تعارض شود.

شبکه نقشها

هنگامی که فرد در قبال پایگاه اجتماعی معینی مسئولیت هایی را بر عهده دارد تا حدی در شبکه پیچیده ای از نقشها درگیر میشود که به آن پایگاه پیوند خورده است. مفهوم شبکه نقشها به مجموعه روابط و مناسباتی اطلاق میشود که شخص با افراد دیگری که با آنان در تماس است برقرار میکند در همان حال او باید نقش های مختلف دیگری را که با پایگاه ویژه ای مطابقت دارد انجام دهد.

نمایش یا بازی نقشها

فردی که آگاهانه میکوشد نقشی را به طور کامل انجام دهد تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد یک نقش نمایشی را ایفا میکند شخصی که یک نقش نمایشی را بر عهده می گیرد اشخاصی را که با او سروکار دارند معمولاً حضار یا تماشاگرانی تلقی میکنند که مراقب ایفای نقش او هستند. هرگاه فرد کوشش آگاهانه ای به عمل آورد تا تصویر مطلوبی را از خود نشان دهد و این تصویر را حضار یا مخاطبان بپذیرند، شاید بتوان گفت که او به هدف نقش نمایشی خود رسیده است.

فصل پنجم : پرورش اجتماعی و شخصیت

اجتماعی شدن

اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان راههای زندگی کردن در جامعه را می آموزد، شخصیت میدهد و ظرفیتهای او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه توسعه میبخشد در آغاز زندگی کودک از دیگران فرا می گیرد که چه رفتارهایی از او انتظار میرود و او دارای چه نوع شخصیتی است.

تأثیر هنجارها بر اجتماعی شدن فرد

از آنجا که انسان به غرایز بسیار متنوعی مجهز شده است برای آنکه بتواند به حیات خود ادامه دهد به ناچار می آموزد که چگونه به دیگران بپیوندد و حتی برای رفع بنیادی ترین نیازهای خود با آنان همکاری کند آنچه همکاریهای میان افراد بشر و وابستگی متقابل آنان به یکدیگر را ممکن می سازد نظامی از الگوهای رفتار آموخته شده است که دیگر اعضای یک فرهنگ در آن سهیم اند. این الگوهای رفتار مشترک یا معیارهای رفتار را هنجار مینامند کودک از سنین بسیار پایین هنجارهای فرهنگی تأیید شده را کسب میکند و با این کار در فرایند اجتماعی شدن قرار میگیرد.

کنش متقابل زیستی و فرهنگی

فرایند اجتماعی شدن در آغاز تولد و با مراقبتهای اولیه از نوزاد آغاز می شود. چنان که میدانیم کودک انسان کاملاً بی دفاع و وابسته به افراد پیرامون خویش است. غذا، لباس و سرپناه او را باید دیگران آماده کنند نیاز به محبت و توجه و تماس کودک با دیگران نیز به همان اندازه مهم است. آزمایش های علمی نشان داده است که اگر بچه میمونها را از مادرشان جدا کنیم و در تنهایی نگه داریم به صورت بهنجار رشد نخواهند کرد. اگر چه آزمایشهای مشابهی در مورد کودک انسان صورت نگرفته است اما انتظار میرود که در وضع مشابه کودک انسان نیز واکنشی مشابه داشته باشد و از رشد طبیعی باز ماند.

اهداف اجتماعی شدن

هدف های بنیانی فرایند اجتماعی شدن را میتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. شخص باید مهارت های ضروری را که برای زندگی در جامعه ضروری است فرا بگیرد.
۲. شخص باید بتواند به صورت مؤثری با دیگران ارتباط برقرار کند و توانایی خواندن نوشتن و سخن گفتن پیدا کند.
۳. فرد باید بتواند نیازهای بدنی خود همچون قضای حاجت را به شیوه های قابل قبول جامعه برآورد.
۴. فرد باید ارزش ها و اعتقادات اساسی جامعه را در ذهن خود متمرکز کند.

فرد در حین اجتماعی شدن می آموزد که خود را یک ذات جدا، مشخص و مستقل در نظر بگیرد و از همه اشخاص و اشیاء متمایز کند خود دارای یک هویت مشخصی است که دیگران در برابر او کنش نشان میدهند. نوزاد انسان هنگام تولد مفهومی از خود ندارد و در واقع در فرایند اجتماعی شدن از هویت خود آگاه می شود.

پویایی خود

تصویر فرد از خود سهم مهمی در مشخص ساختن چگونگی نقشی که او کم و بیش باید ایفا کند دارد. اعتماد به نفس فرد در انجام دادن هر کار اثر فراوانی بر انجام موفقیت آمیز آن عمل میگذارد و به آن وابسته است. از سوی دیگر، عدم اعتماد غالباً به شکست یا ناکامی می انجامد.

خود را در آینه جمع دیدن

چارلز هارتون کولی، جامعه شناس آمریکایی نظریه ای ارائه کرده است که به خود آینه سان معروف شده است. منظور از آینه که فرد خود را در آن می بیند، جامعه است که میتوانیم در آن واکنشهای دیگران را در برابر اعمال و رفتاری که انجام می دهیم ملاحظه کنیم رشد خود اجتماعی از همان ابتدای زندگی آغاز میشود. تصویر خود در نزد کودک از خانواده سرچشمه میگیرد و در طول زندگی ضمن تماس با همبازی ها و گروه همسالان رشد میکند.

بدین سان رفتار را تا حد وسیعی واکنشهای دیگران تعیین و مشخص میکند. چنانچه تصویری که از خود پیدا میکنیم تصویری مناسب باشد مفهوم خود ارتقا می یابد و رفتار تقویت میشود از سوی دیگر چنانچه تصویر ما از خود ناجور باشد مفهوم آن در نزد ما احتمالاً به پستی می گراید و رفتار متفاوتی از خود بروز خواهیم داد.

دگری تعمیم یافته

"دگری عام" تعمیم یافته مفهومی است که جرج هربرت مید ابداع کرده و مورد بحث قرار داده است. دگری، عام ترکیبی از انتظاراتی است که فردگمان میکند دیگران از او دارند. در واقع شخص خود را به نحوی میسنجد که گویی شخص دیگری است. فرد با فرایند نقش پذیری و بازی کردن نقش از «دگری تعمیم یافته» خود آگاهی بیشتری می یابد.

بر عهده گرفتن نقش توسعه مهارت در برقرار کردن ارتباطات در فرد کودک را قادر می سازد که نقش دیگری را به عهده بگیرد و به شیوه ای عمل کند که با نقش دیگری سازگار باشد.

دگری مؤثر و با نفوذ. اشخاصی که تأثیر عمده ای بر وجهه نظر افراد می گذارند دگران مؤثر نامیده میشوند بیشتر مردم میکوشند که رضایت و خشنودی دگری مؤثر را جلب و از نصایح و دستورهایی آنان تبعیت کنند.

تمایز میان من فردی و من اجتماعی

جرج هربرت مید، خود را به من فردی» و «و من اجتماعی ۲ تقسیم میکند. من اجتماعی در واقع، انعکاس و بروز هنجارها و ارزشهای جامعه در فرد است. «من فردی معرف جنبه شخصی و منحصر به فرد شخص است. من فردی به صورت وسیعی تحت تأثیر محرکهای آنی و در عین حال سرکش و غیر عادی قرار دارد.

انواع اجتماعی شدن

اجتماعی شدن ممکن است به گونه ای رسمی و هم غیر رسمی صورت پذیرد. نهادهای آموزشی و نظامی نمونه نهادهای رسمی است که به صورت دستگاه ساخت یافته تری مسئول انتقال شیوه های پذیرفتنی عمل و اندیشه جامعه به فرد است. در عین حال اجتماعی شدن ممکن است از طریق روابط متقابل با گروه های همبازی یا عضویت در گروه های غیر رسمی و باشگاه ها نیز صورت پذیرد.

عوامل اجتماعی ساختن

عمده ترین عوامل اجتماعی ساختن کودک، خانواده، مدرسه، گروه های همسال و رسانه های جمعی است.

خانواده. فرایند اجتماعی شدن کودک از خانواده شروع می شود. خانواده برای کودک کم سن و سال معرف همه دنیایی است که او را احاطه کرده است. تصویر خود در نزد کودک انعکاس احساسی است که اعضای خانواده نسبت به او دارند؛ بنابراین تصویری که فرد از خود و نیز از جهان پیرامون و از افرادی که در پیرامون اویند دارد به طور مستقیم تحت تأثیر وجهه نظر و باورهای خانواده اش قرار دارد. ارزشهایی که فرد میپذیرد و نقشهای مختلفی را که از او انتظار می رود ایفا کند. در بدو امر در درون شبکه روابط خانوادگی آموخته میشود و کودک آنها را فرا می گیرد.

مدرسه. در حالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسئول مستقیم اجتماعی ساختن نخستین دوران کودکی است. در جوامع پیشرفته، این مسئولیت به سازمان های رسمی، مانند مدرسه واگذار شده است. در واقع مدرسه نخستین دستگاهی است که مسئولیت انتقال دانش ها و معارف انباشته شده به کودک را بر عهده دارد و راهی است که کودک از حدود پنج، شش سالگی برای وارد شدن به جامعه باید بییماید.

گروه های همسالان. گرچه هدف عمده گروه های همبازی تفریح و سرگرمی است اما این گونه گروهها پس از خانواده احتمالاً مهمترین و مؤثرترین عامل اجتماعی شدن کودک است. از آنجا که گروه همسالان تقریباً هم سن یکدیگرند و احساس برابری میکنند معمولاً از معیارهای مشترکی که به اشخاص مسئول گروه مرتبط است پیروی میکنند گروه همسالان به عنوان عامل اجتماعی ساختن کودک در دوران بلوغ به اوج اهمیت و تأثیر خود میرسد. در این هنگام کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان میشود و پذیرش ارزشهای گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک میکند.

رسانه های جمعی. در غالب کشورهای پیشرفته، صنعتی رسانه های جمعی نقش مهمی را در فرایند اجتماعی شدن بازی میکنند افراد در این جوامع و حتی در برخی از جوامع جهان سوم وقت بسیاری را صرف خواندن ورق زدن کتب روزنامه ها تماشای برنامه های تلویزیون گوش دادن به رادیو خواندن مجلات و رفتن به سینما میکنند. شایان ذکر است که رسانه های جمعی هم می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم آنها را آشفته سازند؛ بدین معنی که هر آنچه پخش با نشر میکنند معرف بازتاب واقعی جامعه جلوه دهند. باید در عین حال در نظر داشت که رسانه های جمعی تنها یکی از منابع تعیین هنجارهایی است که در اختیار و دسترس افراد قرار میگیرد.

شخصیت

شخصیت به همه خصلت ها و ویژگی هایی اطلاق میشود که معرف رفتار یک شخص است؛ از جمله میتوان این خصلت ها را شامل اندیشه احساسات ادراک شخص از خود وجهه نظرها طرز فکر و بسیاری عادات دانست. اصطلاح ویژگی شخصیتی به جنبه خاصی از کل شخصیت آدمی اطلاق میشود.

رشد شخصیت

ویژگی های زیستی وراثتی انسان محیط طبیعی که فرد در آن زندگی و کار میکند فرهنگ گروه و تجربیات فردی و گروهی همگی از عوامل مؤثر بر رشد شخصیت هستند.

تأثیر وراثت ویژگی های جسمانی موروثی در انسان بر رشد اولیه شخصیت کودک مؤثر است. نیازهای حیاتی و جسمانی و ظرفیتهای بین همه افراد مشترک است. و بخشی از ترکیب وجودی انسان را در هنگام تولد می سازد. بخشی از تشابه در شخصیت افراد را میتوان با ویژگی های مشترک وراثتی توجیه کرد.

فرهنگ و شخصیت. هر جامعه برای آنکه بتواند در غالب فرهنگ معینی زندگی کرده ارتباط متقابل و موفقیت آمیزی داشته باشد گونه های شخصیتی خاصی را که با فرهنگ آن هماهنگی داشته باشد پرورش می دهد. در حالی که برخی تجربه ها بین همه فرهنگها مشترک است بعید نیست که تجربه های خاص یک فرهنگ در دسترس فرهنگ دیگر نباشد.

تجربه های گروهی و فردی. شخصیت انسان در حد وسیعی به منزله حاصل تجربه فرد در قالب گروه خود رشد مییابد، ارزشها هنجارها، وجهه نظرها و باورهای گروه همگی به شکل گیری شخصیت فرد کمک میکند بدون این تجربه های گروهی شخصیت فرد رشد نمیکند باید یادآور شویم که حتی زمانی که افراد عضویت در یک گروه معین را میپذیرند تجربه های آنان ضرورتاً با آن گروه یکسان نیست. این تفاوت تجربه ها تا حدی بر تنوع شخصیتها نیز مؤثر است.

منش ملی

منش ملی به شخصیت بنیادین مردم یک ملت اطلاق می شود. چنانچه منش ملی درست فهمیده شود میتوان پیش بینی کرد اعضای یک جامعه معین چگونه به موقعیت ها و اوضاعی که با آن مواجه میشوند پاسخ خواهند گفت.

آموزش نقش های تازه در طول زندگی

اجتماعی شدن از دوران کودکی تا سنین بالا یک فرایند مستمر و مداوم است. در این فرایند نقشها هنجارها و انتظارات پیوسته دگرگون میشوند و باید همواره با آنها برخورد کنیم دوران با اهمیتی را که در زندگی یک فرد در مدت اجتماعی شدن او تحقق میپذیرد میتوان به شرح زیر خلاصه کرد: (۱) شیر خواری تا کودکی (۲) نوجوانی تا بلوغ (۳) بلوغ تا جوانی و بزرگسالی (۴) تکمیل تحصیلات رسمی (۵)، زناشویی (۶) زندگی خانوادگی در مقام پدر یا مادر (۷) جدایی از پدر و مادر (۸) طلاق (۹) تغییرات شغلی (۱۰) ترک خانه یا جدایی از خانواده (۱۱) مرگ یکی از اعضا یا والدین (۱۲) بازنشستگی (۱۳) مرگ همسر و (۱۴) زندگی در کشور دیگر.

فصل ششم : گروه های اجتماعی

تعریف

جامعه‌شناسان درباره تعریف مفهوم گروه توافق ندارند. به هر حال شاید پذیرفته‌ترین تعریف گروه را بتوان به صورت زیر ارائه کرد گروه مرکب از تعدادی از انسانهاست که با یکدیگر روابط متقابل داشته از عضویت خود در یک جمع که اعضای آن از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترکی دارند آگاه اند.

جامعه‌شناسان ضمن مطالعه گروه‌های اجتماعی سه نوع گروه بنیانی را از یکدیگر مشخص کرده اند. نوع اول هرگونه تجمع انسانی است که افراد در کنار هم قرار گرفته باشند به آن تجمع یا جمع نیز گفته می‌شود.

نوع دوم گروه به تعدادی از افراد اطلاق می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند.

سومین نوع گروه عبارت است از تعدادی افرادی که در نوعی الگوی سازمان یافته روابط متقابل و منظم سهیم اند.

گروه‌های اختیاری و غیر اختیاری

در برخی موارد فرد گروهی را انتخاب میکند که شخصاً به عضویت در آن علاقه مند است. به این نوع گروه گروه اختیاری با ارادی میگویند. با وجود این گاهی افراد بدون انتخاب خود در گروهی قرار میگیرند به این گروه‌ها گروه‌های غیر اختیاری میگویند.

درون گروه و برون گروه (گروه خود و گروه غیر خود)

برای آنکه بین «ما» در یک گروه و آنهایی که بیرون از گروه اند، تفاوت و تمایزی قائل شویم برای گروه مرزهایی ایجاد میکنیم درون گروه (ما) عبارت از تعداد افرادی است که فرد خود را متعلق بدانها دانسته در حضور آنان احساس راحتی و خودمانی بودن میکند احساس خودی خودمانی بودن که در یک گروه رشد می‌کند، معمولاً حاصل تجربه‌های مشترک و همگانی اعضای آن گروه است.

مرزهایی که اعضا را از غیراعضا متمایز می‌کند، ممکن است صورت رسمی یا غیررسمی داشته باشد. هنگامی که مرزهای رسمی مطرح است، عضویت در گروه بر اساس ملاک از پیش تعیین شده، مانند انتخابات در گروه استوار است.

فاصله اجتماعی

مفهوم فاصله اجتماعی برای آن به کار میرود که میزان احساس نزدیکی یا پذیرشی را که اعضای یک گروه در قبال اعضای گروه دیگر دارند مورد سنجش قرار دهیم. اغلب فاصله اجتماعی برای سنجش درجه صمیمیت ممکن در روابط اجتماعی گروه‌های مختلف نژادی و قومی و رابطه بین اعضای آنها به کار میرود. فاصله اجتماعی را میتوان با پرسشنامه یا مشاهده مستقیم اندازه‌گیری کرد.

گمینشافت و گزلفاشت

فردینان تونیس جامعه‌شناس مشهور، آلمانی دو مفهوم گمینشافت و گزلفاشت را برای بیان دو نوع رابطه اجتماعی مختلف مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داده است. گمینشافت در معنای عام معرف اجتماع محلی و گزلفاشت معرف جامعه است. در اجتماع محلی گمینشافت پیوندهای نزدیک و صمیمانه و علایق شخصی روابط اعضا را مشخص میکند و افراد به سلامت

رفاه اعتماد متقابل و همکاری با یکدیگر توجه خاص دارند اما روابط در جامعه گزلفشافت بر رقابت دنبال کردن منافع شخصی کارایی فردی پیشرفت و تخصص گرایی مبتنی است. به اعتقاد تونیس به تدریج که شهرنشینی و زندگی شهری رشد میکند میتوان به موازات آن رشد روابط جامعه گزلفشافت را نیز ملاحظه کرد.

گروه های نخستین و گروه های ثانوی

گروه های نخستین را میتوان مشابه گمیشافت و گروه های ثانوی را همانند گزلفشافت در نظر گرفت ویژگیهای بنیانی گروه نخستین تماس مستقیم و صمیمانه و چهره به چهره افراد و پیوندهای عاطفی نیرومند و پایدار و محبت میان اعضا میباشد. گروههای ثانوی در حالت ایدئال خود دارای این ویژگیهاست بین اعضای این گروهها پیوندهای عاطفی ضعیف و موقت برخوردارها فقط برای هدفهای عملی خاص و روابط چهره به چهره بسیار کم و محدود است. هر چند همه گروه های وسیع را میتوان گروه ثانوی دانست گروه های نخستین را نیز معمولاً میتوان در داخل گروههای ثانوی بازشناخت.

رشد و توسعه گروه های ثانوی به صورت انجمن

رشد و توسعه صنعت و شهرنشینی با توسعه روزافزون روابط گروههای ثانوی همراه بوده است. تحرک و تغییر الگوی خانوادگی موجب تضعیف گروههای نخستین و حالت انفعالی آنها شده است و به این ترتیب افراد را از ثبات و استمرار که برخوردار بودند محروم ساخته است. مزایای گزلفشافت این است که به تقویت گروههای ثانوی کمک میکند؛ زیرا گزلفشافت کارایی سازمانی را به صورت روزافزونی ارتقا می دهد، همچنین استعدادهای فردی را از طریق تخصص پرورش داده و محدودیت دید اجتماعات روستایی و محلی گروه های نخستین را به دیدگاه های بازتر و جامع تر تبدیل میکند. امروزه هر چند گروه های ثانوی اهمیت زیادی پیدا کرده اند، گروه های نخستین نیز هنوز عنصر بسیار مهمی از جامعه را تشکیل می دهند.

مسائلی که گروه ها با آن روبه رویند

رابرت بیلز، در ضمن پژوهشهای خود درباره گروهها چهار مسئله عمده را که هر گروه با آن مواجه میشود مشخص کرده است نخست هر گروه باید بداند که چگونه خود را با عوامل خارج از گروه که بر کار آن تأثیر میگذارد، سازگار و منطبق کند؛ دوم گروه باید نظارت خود را بر عوامل داخلی که آن را به هدف هایش نزدیک می سازد حفظ کند؛ سوم لازم است نظارت خاصی بر احساسات اعضای گروه وجود داشته باشد و چهارم باید بین اعضای گروه امکان حفظ یکپارچگی به صورت مطلوبی وجود داشته باشد.

ساخت رسمی و غیر رسمی

روابط میان اعضای گروه ممکن است شکلی کاملاً رسمی یا غیر رسمی داشته باشد.

ساخت رسمی: ساخت رسمی یک سازمان با قواعد نظامها و موقعیتهایی که نقشهای اعضای آن را تعریف میکند مشخص میشود هنگامی که ساخت رسمی را مورد بررسی قرار دهیم اغلب ملاحظه میکنیم که مبتنی بر اسناد و مدارکی مانند اساسنامه ها و آیین نامه ها مصوبه ها و نمودار سازمانی زنجیره فرماندهی است که سلسله مراتب را مشخص میکند مختصات عمده

ساخت سازمانهای رسمی عبارت اند از الف) الگوهای ثابت ارتباطات ب) اعمال انضباط و نظم رسمی ج) مشخص کردن و تفکیک مسئولیت ها و وظایف تخصصی د) سلسله مراتب به رسمیت شناخته شده قدرت و ه) اعمال پاداش ها و مجازات های مثبت و منفی که از قبل تصویب شده برای تشویق و تنبیه اعضا به کار میرود. یکی از ضعف ها و نارسایی های عمده سازمان های رسمی این است که در این گونه سازمانها وسایل دستیابی به اهداف اغلب از خود آن هدف ها اهمیت بیشتری پیدا میکند و وسیله خود هدف می شود.

ساخت غیر رسمی. ساخت غیر رسمی نیز مزیتهایی دارد؛ از جمله اینکه به افراد انعطاف پذیری میدهد و بدون انتظار برای تصمیمات رسمی در مورد تغییرات سازمانی که نیاز به تشریفات اداری دارد - امکان سازگاری با اوضاع متغیر را فراهم می سازد در روابط غیر رسمی اعضای سازمان یکدیگر را می شناسند و روابط شخصی بین آنان برقرار میشود و احتمال دارد که ساختهای غیر رسمی محدودتر در درون ساخت رسمی وسیع تر توسعه یابد. در ساختهای غیر رسمی گاهی شیوه هایی به وجود می آید که به افراد اجازه میدهد مسائلی را که امکان حل آن از طریق قوانین و مقررات رسمی وجود ندارد حل و فصل کنند.

رهبری گروه

از میان اعضای گروه ممکن است یک فرد موقعیتی به دست آورد که بر رفتار دیگران تأثیر بگذارد و آنان را زیر نفوذ و رهبری خود درآورد. جامعه شناسان دو گونه رهبری را از یکدیگر متمایز کرده اند رهبری تخصصی یا ابزاری و رهبری ارشادی رهبر تخصصی یا ابزاری به آن نوع رهبر گفته می شود که گروه را سازمان داده اداره میکند اهداف گروه را در نظر دارد و از مسئولیت خود در طراحی وسایلی که برای رسیدن به اهداف به کار میرود کاملاً آگاه است. رهبر ارشادی به رهبری گفته می شود که گرایشهای خوب و هماهنگی را در میان گروه ایجاد میکند. در این نوع رهبری روحیه گروه در بالاترین سطح حفظ میشود و ناهماهنگی داخل گروه به حداقل خود تقلیل می یابد و از هرگونه شکاف در داخل گروه جلوگیری می شود. جامعه شناسان در مطالعات خود درباره گروه ها سه سبک رهبری را تشخیص داده اند. نوع اول رهبر مقتدر است که همه تصمیمات را شخصاً می گیرد و به دیگران دستور میدهد که فقط تصمیماتش را اجرا کنند. نوع دوم، رهبر دموکراتیک است که اندیشه ها و پیشنهادهای اعضای گروه را برای رسیدن به اهداف گروه و سازمان مبنای تصمیمات خود قرار میدهد و تصمیمها بر اساس اتفاق نظر گروه گرفته میشود. سرانجام رهبر بی قید به شخصی گفته می شود که معمولاً دنبال منافع خاصی است و اداره سازمان به بهترین نحو ممکن برای او در اولویت نیست.

گروه های مرجع

گروه های مرجع برای فرد از این لحاظ اهمیت دارند که الگوهایی را برای دآوری و ارزیابی او از خود به دست میدهند ما برای آنکه رفتار استعداد ظواهر بدنی ارزشها و اموری از این قبیل را در مورد خود بیازماییم و ارزیابی کنیم به معیارهایی رجوع میکنیم که گروههای مرجع در اختیار ما قرار میدهند. لازم به یادآوری است ضرورتی ندارد که برای ارجاع به یک گروه مرجع خود عضو آن گروه باشیم؛ یعنی گروه مرجع ممکن است غیر از گروهی باشد که ما به آن تعلق داریم.

گروه های همدرد (تسلی بخش) و گروه های صمیمی

گروه های همدرد از افرادی تشکیل شده است که در یک مصیبت اندوه یا مشکل شریک اند و برای تسلی خاطر خود و کمک متقابل برای رفع مشکل با هم متحد میشوند. این گروه ممکن است شامل افراد الکلی معتاد معلول زلزله زدگان و غیره باشد. منسوبین این افراد ممکن است به صورت یک گروه معالج یا همدرد وارد عمل شوند.

گروه های صمیمی ممکن است از افرادی تشکیل شود که با داشتن نیازهای بسیار گوناگون توجه شان به تحکیم حس مودت و تفاهم متقابل عاطفی معطوف گردد. هدف آنان این خواهد بود که به طور عینی تری خود را بشناسند و خودآگاهی و اعتماد متقابل بین خود را تقویت کنند و بدین سان در روابط متقابلشان احساس راحتی خیال بیشتری داشته باشند. اعضای گروه های صمیمی عواطف و احساسات خود را با زبان و از صمیم قلب نسبت به یکدیگر ابراز می دارند. در خصوص گروه های صمیمی از این دست چندین مسئله به نسبت جدی و مهم مطرح شده که مربوط به عملکرد این گونه گروه هاست. یکی از این گونه مسائل تنش های احساسی و بدنی ناشی از زیر ذره بین قرار گرفتن اعضای گروه توسط دیگران است که ممکن است برای عده ای تحمل پذیر نباشد و به آنان لطمه بزند.

فصل هفتم : نهادهای اجتماعی

تعریف

نهاد نظامی به نسبت پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه در بر می گیرد.

خصوصیات نهادهای اجتماعی

برای اینکه بتوانیم تعریف یاد شده از نهاد را به طور کامل درک کنیم آنچه ممکن است به ما کمک کند بررسی شش ویژگی از ویژگیهای مهم نهادهاست. نخست اینکه اولین هدف هر نهاد ارضای نیازهای اجتماعی معینی است.

دوم اینکه نهادها، متضمن ارزشهای نهایی است که اعضا در آن مشارکت دارند.

سوم اینکه نهادها به طور نسبی پایدارند، تا حدی که الگوهای ثابت رفتار در درون نهادها به صورت بخشی از سنت و فرهنگ مرسوم جامعه درآمده است.

چهارم اینکه بنیانهای اجتماعی نهادها آن چنان عام و گسترده است که فعالیت های آن، جایگاه عمده ای را در پهنه جامعه به خود اختصاص می دهد، به طوری که هر تغییر چشمگیر در نهاد احتمالاً موجب تغییر در دیگر نهادها می شود.

پنجم اینکه هر چند همه نهادهای جامعه به هم وابسته اند، هر یک از نهادها به تنهایی بر مبنای شبکه ای از هنجارها ارزشها و الگوهای رفتاری مورد انتظار به حد اعلا ساخت و سازمان یافته است.

ششم اینکه آرمانهای یک نهاد را معمولاً بخش عظیمی از اعضای جامعه چه در حال حاضر در آن مشارکت داشته یا نداشته باشند، پذیرفته اند.

نهادی شدن

نهادی شدن فرایند توسعه نظامی از هنجارها پایگاه ها و نقش های مشخص و به هم پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است. از طریق نهادی شدن رفتارهای خودانگیخته و پیش بینی ناپذیر جای خود را به رفتار نظام یافته و پیش بینی پذیر می دهد.

رابطه میان نهادها و انجمن

از آنجا که نهادها نظامی از الگوهای اجتماعی سازمان یافته و روابط مشخصی را ایجاد میکنند ضرورتاً افرادی که در درون هر نهاد در کنش متقابل قرار دارند. این افراد جایگاههایی را در کل ساختار نهادها اشغال و نقش متناظر آن را ایفا می کنند. در درون هر نهاد معین ممکن است این افراد سازمان یا انجمن تشکیل دهند تا بتوانند به صورت مؤثرتر نقشهای خود را با سازمان یافتگی لازم ایفا کنند.

کارکردهای بنیانی نهادها

هر جامعه شناسی که نهادهای اجتماعی را بررسی کرده باشد، خوب می داند که برخی از کارکردهای بنیانی وجود دارد که میان همه نهادها مشترک است. شبکه دیگری از کارکردهای ویژه نیز وجود دارد که ممکن است به هر یک از نهادها به طور جداگانه اختصاص یافته باشد. همچنین جامعه شناسان تمایز میان کارکردهای آشکار و پنهان نهادها را مفید می شمارند. کارکردهای آشکار نهادها آن نوع کارکردهایی است که ظاهر و آشکار و برای اعضای جامعه شناخته شده و پذیرفته است. کارکردهای پنهان نهادها آن دسته از کارکردهایی است که کمتر خود را نشان می دهند و حتی ممکن است از سوی اعضای جامعه مورد تأیید واقع نشوند.

کارکردهای عمده ای که در هر نهادی یافت می شود به شرح زیر است:

(الف) نهادها، الگوی رفتارهای شایسته اجتماعی را در موقعیت های مختلف در اختیار افراد قرار می دهند و از طریق فرآیند اجتماعی شدن شیوه درست و نادرست رفتار را به افراد منتقل می کنند.

(ب) نهادها نقشهای گوناگونی را برای افراد و رفتارهای ویژه ای را برای فرد مشخص می کنند. از آنجا که انسان می تواند انتظاراتی را که در برابر یک نقش وجود دارد قبل از ایفای آن نقش فرا گیرد، میتواند تصمیم بگیرد که چه نقشی در موقعیت های مختلف برای او مناسب ترین نقش به شمار می رود.

(ج) نهادها با تکیه بر ثبات و استمرار فرهنگ به افراد جامعه می آموزند که بهترین شیوه رفتار همان رفتار نهادی شده است و افراد به شیوه های نهادی شده با منزله شیوه های خاص رفتار انس میگیرند.

(د) نهادها در جهت تنظیم رفتارها و نظارت بر آنها عمل میکنند. از آنجا که نهادها انتظارات پذیرفته جامعه را فرا میگیرند نادیده انگاشتن این انتظارات ممکن است به مجازات فرد بینجامد. اشخاص به جای آنکه تنبیه یا تمسخر را بپذیرند ترجیح خواهند داد که خود را با انتظارات جامعه سازگار کنند.

کارکردهای نهادی شده خاص

هر یک از پنج نهاد اجتماعی اهداف ویژه ای دارد و کارکردهای خاصی را ایجاد می کند :

کارکردهای خانواده :

- تنظیم رفتارهای جنسی
- نشان دادن یک نسل به جای نسل دیگر از طریق تولید مثل.
- مراقبت و حمایت از کودکان معلولین و سالمندان
- اجتماعی کردن کودکان
- تثبیت جایگاه اجتماعی و پایگاه فردی از طریق میراث های اجتماعی
- تأمین اقتصادی اعضای خانواده که به عنوان واحد بنیانی تولید اقتصادی و مصرف محسوب میشود.

کارکردهای نهاد آموزش و پرورش :

- آماده سازی افراد برای ایفای نقش شغلی
- عمل کردن به عنوان حامل و ناقل میراث فرهنگی
- آشناسازی افراد با نقشهای مختلف اجتماعی
- آماده سازی افراد برای ایفای برخی از نقشهای خاص مورد انتظار
- فراهم کردن بنای ارزشیابی و فهم پایگاه های اجتماعی
- ایجاد دگرگونی در جامعه از طریق توسعه پژوهشهای علمی
- تقویت قدرت سازگاری افراد با ارزشهای جامعه و بهبود روابط اجتماعی

کارکردهای نهاد دینی :

- کمک به اشخاص در پیدا کردن هویت اخلاقی
- فراهم کردن تفسیرهایی که به تبیین محیط طبیعی و اجتماعی انسان کمک می کند.
- تقویت روحیه اجتماعی انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی
- تقویت و تحکیم مبانی ارزشی زندگی انسانی و وحدت نوع بشر

کارکردهای نهاد اقتصاد :

- تولید کالاها و خدمات.
- توزیع کالاها و خدمات همراه با توزیع منابع اقتصادی نیروی انسانی و تأسیسات.
- مصرف کالاها و خدمات

کارکردهای نهاد حکومت :

- نهادی ساختن هنجارها از طریق قوانینی که در دستگاه قانون گذاری دولت تصویب شده است.
- به اجرا گذاشتن قوانین مصوبه
- حل مناقشات موجود میان اعضای جامعه.

ارائه خدماتی نظیر بهداشت آموزش و پرورش، رفاه و مانند آن.

حفظ شهروندان در برابر حملات ملل دیگر و بیدار باش در برابر خطراتی که آنان را تهدید میکند.

مناسبات میان نهادهای مختلف اجتماعی

پنج نهاد اساسی اجتماعی به اعتبار کارکردهایی که دارند، کاملاً به یکدیگر وابسته اند. هر گاه جامعه ای بخواهد به صورت مؤثری کار کند، نهادهای بنیادی آن باید با یکدیگر به شکل کارآمد و نافذی در ارتباط باشند همچنین باید یک توازن ظریف و متناسبی بین نهادهای خانوادگی، حکومتی، دینی، اقتصادی و آموزشی برقرار باشد. از آنجا که نهادها کارکردها و وظایف متعددی را ایفا میکنند که گاه با یکدیگر تداخل دارد برقراری توازن مذکور در یک زمان و مکان کار دشواری است. هر چند اکثر نهادها ممکن است توانایی تأمین نیازهای مشابهی را داشته باشند، لازم است یک نهاد بر نهادهای دیگر مسلط باشد و نفوذ مؤثری بر دیگر نهادها داشته باشد.

جابه جایی کارکرد نهادها

از آنجا که برخی از نهادها اهمیت خاصی پیدا میکنند کارکردهای نهادی از یک نهاد به نهاد دیگر جابه جا میشود یک چنین تغییر و جابه جایی ممکن است هنگامی رخ دهد که یک یا دو شرط زیر فراهم شود (۱) نهاد در برآوردن یک نیاز معین دچار ناتوانی شود (۲) دو یا چند نهاد قادر به برآوردن یک نیاز باشند اما یکی از آن نهادها به صراحت نشان دهد که آن نقش را به شکل بهتری ایفا میکند. جابه جایی کارکرد از یک نهاد به نهاد دیگر در بسیاری از موارد راه حل نارسایی و قصوری است که یک نهاد از خود نشان داده است.

رقابت و همکاری میان نهادهای مختلف

پیش از این گفتیم که نهادهای اجتماعی ممکن است از نظر وظایف با یکدیگر تداخل داشته و در کارکردهای یکسانی مشارکت داشته باشند. نهادها چنان در درون جامعه در هم تنیده اند که نه فقط با همکنش متقابل دارند، بلکه در حقیقت به یکدیگر پیوند خورده به صورتهای مختلف به هم وابسته و باهم مرتبط اند. از یک سو یک عنصر نیرومند رقابت بین نهادهای مختلف وجود دارد که ممکن است احیاناً به تضعیف یک یا چند عنصر داخلی نهاد منجر شود. این روحیه رقابت بدان دلیل وجود دارد که هر نهاد با داشتن انواع کارکردهای اساسی ممکن است با نهاد دیگر که همان کارکرد را انجام میدهد رقابت کند همچنین باید یادآور شد که ممکن است یک نهاد نفوذ مؤثری بر دیگر نهادها داشته باشد.

عام بودن و تنوع نهادها

نیازهای اساسی مردم در هر جامعه باید به نحوی ارضا شود که از نظر فرهنگی مورد تأیید و پذیرش اعضای جامعه باشد. پنج نهاد اصلی اجتماعی در هر جامعه صرف نظر از ابتدایی بودن یا جدید بودن آن وجود دارد؛ یعنی این نهادها در همه جوامع عمومیت دارد و همگانی است با این همه تنوع چشمگیری در نحوه ارضا و پاسخگویی به نیازها بر مبنای این نهادها در جوامع مختلف وجود دارد. الگوهای زندگی خانوادگی، آیین های مذهبی، روش اجتماعی کردن، نظام اقتصادی و شکل حکومت بر حسب فرهنگ های مختلف تغییر میکند.

خصوصیات مشترک نهادها

بسیاری از خصوصیات نهادها معمولاً بین آنان مشترک است. عام‌ترین این خصوصیات را میتوان در سه مقوله نمادهای فرهنگی قواعد رفتار و اصول اعتقادی خلاصه کرد.

نمادهای فرهنگی با نشانه‌هایی مشخص میشود که یادآور حضور یک نهاد به شمار می‌رود. این نمادها یا سمبل‌ها ممکن است مادی یا غیر مادی باشند

قواعد رفتار در برگزیده مقررات رسمی و سنن غیر رسمی رفتار است که برای برخی نقشها مناسب اند. هر چند در هر جامعه قواعد به رسمیت شناخته شده و مشترکی وجود دارد هیچ تضمینی نیست که فرد از آن قواعد سرپیچی نکند. در صورتی شخص میتواند به صورت مؤثرتری به نقش نهادی خود عمل کند که آن نقش را در طول فرایند اجتماعی شدن به خوبی فرا گرفته باشد.

اصول اعتقادی با ایدئولوژی نظامی از افکار مرتبط به هم است که اعضای یک گروه به طور دسته جمعی در آن مشارکت دارند. معمولاً ایدئولوژی توجیه کننده منافع خاص اجتماعی اخلاقی اقتصادی یا سیاسی گروه خاصی است و جهان را بر حسب دیدگاههای پذیرفته گروه تفسیر و توجیه میکند.

فصل هشتم : نهاد خانواده

ساخت خانواده

خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر مسئولیت اصلی را به عهده دارد. خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون ازدواج یا فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده برای مدتی طولانی و نامشخص با هم زندگی میکنند. تصویر قالبی ما از خانواده که از شوهر زن و فرزندان تشکیل میشود چنانچه ساخت خانواده را در سراسر تاریخ زندگی بشر مورد ملاحظه قرار دهیم نمونه چندان جامعی نیست. دانشجوی جامعه شناسی باید توجه داشته باشد که از فرهنگی به فرهنگ دیگر تنوع بسیاری در ساخت خانواده ملاحظه میشود و این تنوع ممکن است به صورت های بسیار گوناگونی در جوامع انسانی وجود داشته باشد.

تک همسری عبارت است از ازدواج یک زن با یک مرد و این شایع ترین صورت زناشویی را تشکیل میدهد.

چندهمسری، ازدواج یک شخص، اعم از زن یا مرد، با بیش از یک همسر است.

چندشوهری، نوعی چندهمسری است که ازدواج یک زن با بیش از یک مرد را مشخص می‌کند.

چند زنی، یکی از صورتهای چندهمسری است که ازدواج یک مرد با بیش از یک زن را مشخص می‌کند.

چندشوهری در جوامعی معمول بوده که در آن زندگی بسیار دشوار، زمین نایاب و نگر داشتن زنها با محذورات اقتصادی فراوانی همراه بوده است.

ازدواج گروهی نیز در بعضی قبایل معمول است و آن، ازدواج هم زمان چند مرد با چند زن است.

خانواده هسته ای، عبارت است از واحد خانوادگی بنیانی که شامل شوهر، زن و فرزندان است. این گونه واحدها را گاهی خانواده زن و شوهری نیز می نامند.

خانواده گسترده، بر اساس مناسبات خونی، شمار زیادی از افراد از جمله والدین، فرزندان، پدربزرگها و مادربزرگها، عمه ها، عموها، خاله ها، پسرعمو و دخترعموها و عمه و دایی زاده را شامل می شود. به این نوع خانواده گاهی خانوار "همخون" نیز اطلاق می شود.

خویشاوندی

خویشاوندی به شبکه نسبتاً وسیعی از روابط بین افراد گفته می شود که از طریق نسبی یا سببی و از طریق فرزندپذیری به یکدیگر مرتبط اند. به وسیله نظام خویشاوندی میتوانیم مناسباتی را که میان خانواده ها موجود است سازمان داده و مشخص کنیم.

تأثیر صنعتی شدن و شهرنشینی بر خانواده

به تدریج که جامعه از الگوی جامعه کشاورز به صنعتی تغییر می یابد، هم کارکردها و هم اقتدار خانواده همراه با آن دگرگون میشود شاید عمده ترین پیامد و نتیجه حرکت از خانواده سنتی روستایی به سمت خانواده شهری و صنعتی جدید تحول از نظام خویشاوندی گسترده به خانواده هسته ای غالب بوده است. با تغییر کارکرد خانواده از حالت یک واحد تولیدی و مصرفی به یک واحد مصرفی صرف دیگر نیازی به استفاده از تعداد بسیار فرزندان و اعضای دیگر خانواده وسیع وجود نداشت که در کار خانوادگی به طور دسته جمعی شرکت جویند. در جوامع شهری یک خانواده پر اولاد دشوارتر میتواند هزینه های کمر شکن زندگی را تحمل کند تا خانواده هایی که فرزندان کمتری دارند.

آثار صنعتی شدن بر خانواده

در عصر جدید که تولید اقتصادی از خانواده به کارخانه منتقل شده است. برای مؤسسات آموزشی رسمی ضروری است که نقش بیشتری را در فرایند اجتماعی شدن ایفا کنند. اغلب آماده شدن برای کار در یک جامعه شهری مستلزم سطح بالای تخصص است که تنها مدارس فنی و حرفه ای و دانشگاه ها قادر به ارائه و آموزش آناند.

مثال

به تدریج که صنعتی شدن به منزله شیوه جدید زندگی پذیرفته می شود و مناطق شهری توسعه می یابند تعداد مدارس عالی و دانشگاهها و مدارس حرفه ای و فنی و تخصصی افزایش مییابد تا خود را برای ارائه خدمات آموزشی به جمعیت روزافزون مدرسه رو آماده کند ورود به مشاغل تخصصی و حرفه هایی مانند پزشکی وکالت مهندسی معلمی و مددکاری اجتماعی مستلزم اخذ مدارک تخصصی است که تنها دانشکده ها و مدارس تخصصی و رسمی برای صدور آن صلاحیت دارند.

پیوندهای خانواده‌های گسترده به دلایل سه گانه زیر بیش از پیش سست و ضعیف شده است نخست آنکه فرد در جامعه شهری باید از لحاظ جغرافیایی پیوسته جابه جا شود. دوم آنکه گروههای رسمی برای حل مسائل و مشکلات مردم جای گروههای خویشاوندی و سنتی را میگیرند سوم آنکه افراد فرصت پیدا کرده اند که با کار و تلاش پایگاه مطلوب و دلخواه خود را در جامعه به دست آورند؛ بدین معنی که از این پس افراد برای کسب منزلت اجتماعی فقط وابسته به خانواده خود نبوده از طریق تحصیلات و محیطهای اجتماعی منزلت اجتماعی دلخواه را کسب میکنند.

انتخاب همسر

در بسیاری از جوامع انتخاب همسر تحت مقررات و نظارت قواعد درون همسرگزینی و برون همسرگزینی قرار دارد قاعده درون همسری حکم میکند که فرد ازدواج کننده در داخل گروه معینی که به آن تعلق دارد ازدواج کند و قاعده برون همسری ازدواج را در بیرون از دایره گروه خاصی که فرد بدان تعلق دارد تجویز میکند.

همسر گزینی با دو روش مختلف انجام میگردد. روش اول که در آن انتخاب معمولاً بر اساس عشق و علاقه استوار است، انتخاب آزادانه دوطرف اهمیت دارد. در روش دوم، انتخاب در اختیار خانواده هاست و والدین در مورد همسرگزینی فرزندان نشان تصمیم می گیرند.

کارکردهای خانواده

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی معمولاً به ایفای وظایف متعددی می پردازد. ماهیت این کارکردها و سطح اجرای آن از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.

نظم بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل: چنان که میدانیم انسان در عین حال که یک موجود اجتماعی است یک موجود زیستی نیز هست و بدین لحاظ دارای علایق جنسی و تمایلاتی است که باید ارضا شود نمادهای جنسی در همه جوامع به اشکال معینی خودنمایی میکند؛ از قبیل نوع لباس پوشیدن ادبیات و شعر اسطوره ها و افسانه هایی که حاوی مضامین عشقی و نمادی است. روابط جنسی دارای یک هدف و کارکرد عملی است و آن جایگزین ساختن اعضای جامعه و استمرار نسل های مختلف از طریق زاد و ولد طبیعی است. در عین حال جامعه در نظم بخشیدن به مسائل جنسی نیز مسئولیت دارد. شیوه های دخالت جامعه در مسئله روابط جنسی از ممنوعیت های قاطع و مجازات خلفکاران - جز در مورد همسران - آغاز میشود و تا تشویق به روابط قبل از ازدواج یا روابط غیر معمول جنسی - در بعضی جوامع - را در بر می گیرد.

فراهم کردن امنیت اقتصادی: در بسیاری از جوامع غیر صنعتی، خانواده به لحاظ اقتصادی هم واحد تولیدی و هم واحد مصرفی محسوب میشود. از نظر سنتی خانواده مسئول پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و اساسی اعضای خود بوده است. خانواده در جامعه کشاورزی هم به منزله یک واحد یکپارچه تولیدی محصولات و خدمات مورد نیاز خود را فراهم میکند و هم برای پاسخگویی به نیازمندی های افرادی از خانواده که قادر به کار کردن نیستند عمل میکند.

در جوامع صنعتی خانواده کارکردهای خود را از دست میدهد

با جمع بندی مطالب بالا این نتیجه حاصل میشود که خانواده در جامعه صنعتی فقط واحد مصرف کننده تولیدات اقتصادی است نه تولید کننده آنها در جامعه شهری و صنعتی خانواده بسیاری از کارکردهای خود را به دیگر نهادهای اجتماعی واگذار کرده است. در این جوامع به دلیل تخصصی شدن تقسیم کار هر شخص ملزم به انجام یک وظیفه اقتصادی معین است. در نتیجه کارکرد اجتماعی کردن از وقتی که کودک به سن پنج شش سالگی میرسد از خانواده گرفته می شود و به مدرسه واگذار میگردد همچنین بسیاری از کارکردهای اقتصادی از واحد خانواده به جاهای دیگر منتقل شده است چنان که دولت برای کسانی که توانایی ندارند از طریق تأمین اجتماعی برنامه های رفاهی مسکن های عمومی و کمکهای بهداشتی نقش عمده ای در مسئولیت های اقتصادی این افراد ایفا میکند نقش حمایتی خانواده را نیز دولت مذهب و آموزش و پرورش از طریق نهادهای تربیتی به عهده گرفته است، به خصوص آموزشهای مذهبی که در گذشته عمدتاً در دست خانواده بود و اکنون بر عهده نهادهای رسمی مذهبی گذاشته شده است.

طلاق

واقعیت دارد که میزان طلاق در قرن بیستم در کشورهای صنعتی رشد فزاینده ای داشته است. تغییر و تحولات ناشی از توسعه صنعت و شهرنشینی میزان طلاق را در کشورهای جهان سوم از جمله ایران نیز در دهه های اخیر به صورت معنی داری افزایش داده است تزلزل، ارزشها زندگی شهرنشینی و تحرک جغرافیایی تأثیر انکار ناپذیری بر خانواده داشته است کارکردهایی را که خانواده در گذشته داشته کاهش داده است؛ شاید به این دلیل که زن و شوهر دیگر هیچ کدام به تنهایی برای تولید ضروریات زندگی و خدمات لازم، به خانواده وابسته نیستند. عملاً و در مقایسه با یک جامعه کشاورزی انحلال خانواده در محیط شهری و صنعتی، بسیار آسان تر و راحت تر صورت میگیرد. به علاوه، طلاق در یک جامعه شهری و صنعتی قبح کمتری دارد؛ به عبارت دیگر طلاق یک راه حل اجتماعی پذیرفته شده برای ازدواج هایی است که با موفقیت همراه نیست. به همین دلیل در بسیاری از کشورها احساسات عمومی تغییر و تحول قوانین را به نفع طلاق پذیرا شده است تشریفات و مقررات دادگاهها در سرعت بخشیدن به موارد بی چون و چرا کاهش فراوانی پیدا کرده است.

دلایل طلاق

عوامل اجتماعی مؤثر بر جدایی زوجین و از هم پاشیدگی خانواده از طریق طلاق بی شمار است و پایانی نمیشناسد؛ زیرا ازدواج دو نفر انسان را که هر کدام شخصیت منحصر به فردی دارد و زمینه های تربیتی مختلفی داشته است. در یک زندگی مشترک خانوادگی درگیر میکند. شاید عمده ترین دلیل طلاق توقعات بسیاری است که هر یک از طرفین ازدواج از دیگری قبلاً داشته یا دارد. این انتظارات پایگاههای اجتماعی آینده آنان رابطه جنسی، شهرت، سلامت جسمانی امنیت شغلی و نقش خاص هر یک در قبال دیگری را شامل میشود. در برخی جوامع صنعتی عشق و علائق شخصی مهمترین عامل زندگی زناشویی است. مثلاً قبل از ازدواج هر کدام از طرفین تصور میکند که اگر عشقشان به یکدیگر فروکش نکند هیچ مسئله دیگری قادر به گسستن پیوند ازدواج آنان نخواهد بود ولی پس از ازدواج خیلی زود متوجه میشوند که جلوه های عشق و علاقه که زمانی سرشار از آن بودند ترکشان کرده مجبورند برای حل مسائل داخلی خود ابزارها و وسایل عملی تری را جستجو کنند.

دگرگونی در ساخت خانواده

تغییرات ساختی در خانواده های عصر جدید حاصل کوچک شدن حجم خانوار دگرگونی در وجهه نظرها و برداشت ها از مسئله طلاق و دگرگونی هایی است که در نقش مرد و زن به وجود آمده است. کاهش حجم خانواده خود تحت تأثیر چند عامل بوده است. یکی از این عوامل تغییر در نقش فرزندان است که با حرکت از جامعه اساساً کشاورزی محدود به جامعه وسیع شهری و صنعتی همراه بوده است. همان طور که در قسمت ۸۳ ذکر شد کودکان جامعه شهری و صنعتی سربار اقتصادی خانواده محسوب میشوند و نه کمک کار آنها عامل دومی که در کاهش حجم خانواده مؤثر بوده است بالا رفتن مستمر سطح آموزش و پرورش است. جامعه شناسان دریافته اند که زوجی که از سطح بالای تحصیلات برخوردارند، به کاهش تعداد فرزند گرایش دارند در حالی که در مورد زوجهایی که تحصیلات کمی دارند، چنین گرایشی مشاهده نمیشود. سرانجام سومین عامل توزیع وسیع وسایل جلوگیری از بارداری و مشاوره خانوادگی است که به افراد امکان داده است. در انتخاب تعداد فرزندان خود آزاد باشند و حتی اگر هیچ فرزندی نخواهند برایشان میسر است.

از آنجا که طلاق یک روش پذیرفته شده برای پایان دادن به ازدواج است، هر جا که مسئله کودکان مطرح است تغییراتی در ساخت خانواده ایجاد شده است. وقتی پدر یا مادر خانواده را ترک میکند کارکردها و مسئولیتهای دیگر افراد خانواده باید طوری تغییر کند که بتواند جای خالی آنان را پر کند.

انتظارات و نقش های طرفین ازدواج از جنگ دوم جهانی به بعد به شدت تحول یافته و به ویژه نقش زن بیشتر تغییر کرده است. زنها به صورت روزافزونی به کار روی آورده اند و به درآمد خانواده کمک میکنند و به همان نسبت از اقتدار بیشتری برخوردارند بسیاری از زنهای طبقه متوسط امروزه تحصیلات خود را به پایان میرسانند و سپس ازدواج میکنند و تا تولد اولین فرزند به کار می پردازند و برای نگهداری بچه یا از مهد کودک استفاده میکنند یا کس دیگری را برای نگهداری او استخدام میکنند تا مادر بتواند به طور تمام وقت در خارج از خانه کار کند. جنبش آزادی زنان در کشورهای غربی تا حد زیادی ارزشهای اجتماعی را تغییر داده و زمینه را برای چنین رفتارهایی آماده کرده است به طوری که این الگوها به صورت الگوی رفتاری قابل قبول در جوامع صنعتی پذیرفته شده است.

فصل نهم : نهاد آموزش و پرورش

تعریف

آموزش و پرورش به عمل یا فرایندی اطلاق میشود که از طریق آن دانش مهارت شایستگی و کیفیت های مطلوب رفتار یا منش به فرد آموخته می شود.

آموزش و پرورش در گذشته و حال

هدف اصلی آموزش و پرورش علاوه بر اجتماعی شدن فرد انتقال دانایی است. آموزش و پرورش در گذشته بر عهده خانواده بود اما در عصر جدید به میزان زیادی این مسئولیت دگرگون شد و از خانواده به جامعه منتقل گردید. پیش از صنعتی شدن خانواده همراه با اجتماع محلی روستایی و مسجد و کلیسا عوامل عمده اجتماعی کننده در زندگی کودک بودند خانواده سنت

ها، ارزشها هنجارها و مهارتهای عملی (کشاورزی لازم را برای زندگی در یک جامعه کشاورزی به کودک می آموزد اما هنگامی که جوامع صنعتی شدند، این گونه آموزش سنتی به طور فزاینده ای اهمیت خود را از دست داد هنگامی که حجم و پیچیدگی دانش افزایش یافت اعضای خانواده به تدریج توانایی خود را برای تربیت مکفی فرزندانشان از دست دادند مثلاً امروزه شمار اندکی از والدین حائز شرایط آموختن زیست شناسی ادبیات ریاضیات و برنامه ریزی رایانه ای به فرزندان خود هستند. نهاد آموزش و پرورش برای برآوردن نیاز جامعه به انتقال دانش به جوانان ایجاد شد.

توسعه آموزش و پرورش پس از گردش قرن

در نیمه قرن بیستم که نیروی انسانی شاغل در کشاورزی به تدریج کاهش یافت و کار یدی کارخانه ای گسترش پیدا کرد مهارتهای نسبتاً ساده اهمیت خود را هر چه بیشتر از دست دادند و مشاغل جدید و تخصصی یا فنی گوناگون و مدیریت گسترش یافت صاحبان مشاغل آزاد و والدین آموزش پیشرفته تری را برای کودکان خود در مدارس طلب میکردند مدیران مدارس با برنامه ریزی و توسعه مدارس آموزش های پیشرفته تری را مورد تأکید قرار دادند.

دیدگاه ها و مکاتب جامعه شناسی درباره آموزش و پرورش

کارکردگرایی کارکردهای آموزش

بر اساس نظر کارکردگرایان نهادهای اجتماعی به این علت توسعه می یابند که یک یا چند نیاز اساسی جامعه را برآورده میسازند نهاد آموزش و پرورش در جامعه جدید چند کارکرد اساسی را بر عهده دارد انتقال فرهنگی همبستگی اجتماعیدانتخاب استعدادهای برتر و ایجاد رقابت برای بروز استعدادها؛ ارتقاء و رشد فردی اشاعه حفظ و تولید دانش.

انتقال فرهنگی

اگر یک جامعه بخواهد به حیات خود ادامه دهد باید در آن انتقال فرهنگی صورت گیرد. نهاد آموزش و پرورش با انتقال میراث فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل بعد به تداوم فرهنگ آن جامعه کمک میکند.

همبستگی اجتماعی

آموزش رسمی راه های تبدیل جمعیتی مرکب از گروه های قومی با سوابق فرهنگی مختلف را به اجتماعی از افرادی که تا حدی هویت ملی مشترکی پیدا میکنند فراهم می سازد.

انتخاب استعدادهای برتر و ایجاد رقابت برای بروز استعدادها

بیش از پنجاه سال است که نمره های هوش و آزمونهای موفقیت تحصیلی به منزله راههای گروه بندی دانش آموزان بر حسب استعداد آنان مورد استفاده قرار میگیرد. هدف این آزمونها عبارت است از شناسایی توانایی و استعداد افراد نمره های آزمون برای پیگیری پیشرفت دانش آموزان در برنامه های درسی که سازگار با انتظارات مدرسه برای اشتغال نهایی دانش آموز است نیز مورد استفاده قرار میگیرد. مشاوران برای پیش بینی اینکه چه شغلی برای افراد مناسب تر است از نمره های آزمون و گزارش های عملکرد اولیه آنان استفاده میکنند. مشاوران برای اطمینان از اینکه دانش آموزان مشاغل متناسب با تواناییهایشان را دنبال خواهند کرد معمولاً احساس تعهد اخلاقی میکنند.

نقش مدرسه در رشد و توسعه استعدادها

دانش آموزان در مدارس در برابر انواع آزمونها و تجربه ها قرار میگیرند و این آزمونها و تجربه ها باعث رشد هوش خلاقیت و توسعه استعدادهای کلامی و هنری و ابراز شخصیت فرد میگردد آموزش از این طریق محیطی را فراهم می سازد که افراد در آن می توانند کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند مدارس همچنین با آماده ساختن دانش آموزان برای بر عهده گرفتن جایگاه مناسبی در دنیای اشتغال باعث رشد شخصیت آنان میگردد.

کارکردهای پنهان آموزش و پرورش

کارکردگرایان بین کارکردهای آشکار برنامه ریزی شده و معلوم و کارکردهای پنهان از پیش برنامه ریزی نشده و نامعلوم تمایز قائل میشوند. این کارکردها را برنامه های آموزشی پنهان می نامند.

کارکردهای آشکار عبارت اند از خواندن و نوشتن درسها، جدول ضرب ها جمله سازی درک خواندن در کلاس و یادگیری دستور زبان اما مدارس بسیار بیش از مهارتهای درسی اصلی به دانش آموزان چیز می آموزند. آنها همچنین ارزشها هنجارها باورها و نگرشها را به کودکان منتقل می کنند. به اینها کارکردهای پنهان آموزش و پرورش میگویند. آموزش پنهان به دانش آموزان چیزهایی مانند نظم مقررات تعاون و سازگاری و هماهنگی را می آموزند. این مهارت ها برای موفقیت در جامعه بوروکراتیک جدید اعم از اینکه کسی پزشک رئیس دانشگاه فروشنده یا کارگر خط تولید شود ضروری است.

دیدگاه کشمکش - نابرابری آموزشی

برابری آموزشی اساساً بدان معناست که تمام کودکان، صرف نظر از پایگاه اجتماعی و اقتصادی شان دارای برنامه آموزشی یکسانی هستند، همه کودکان در هر ناحیه به مدرسه بروند و همه مدرسه ها در یک ناحیه از امکانات و بودجه یکسانی برخوردار شوند. آیا مدارس امروزه میتوانند برای دانش آموزان برابری آموزشی فراهم سازند؟ پاسخ طرفداران دیدگاه کشمکش به این سؤال منفی است. ری ریست (۱۹۷۷) خاطرنشان ساخته است که معلمان غالباً استعداد دانش آموزان را بر اساس طبقه اجتماعی و ویژگیهای قومی آنان ارزیابی میکنند. همچنین بسیاری از معلمان هنگام پرسیدن سؤال از دانش آموزان کلاس به دانش آموزان به اصطلاح زرنگ بیش از دانش آموزان ضعیف وقت میدهند. به علاوه، بسیاری از معلمان بیشتر به دانش آموزان زرنگ توجه دارند تا دانش آموزان ضعیف».

دیدگاه کنش متقابل نمادی

بر اساس یکی از فرض های اصلی دیدگاه کنش متقابل نمادی ما بر اساس نمادها و معنایی که از دیگران آموخته ایم به چیزها نگاه میکنیم. بنابراین طرفداران دیدگاه کنش متقابل نمادی به فرایند اجتماعی شدن بسیار علاقه مندند و در این دیدگاه توجه اصلی به روابط و کنش متقابل معطوف است.

معلمان و اجتماعی کردن کودکان

از دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادی معلمان نقشی یگانه و مهم در اجتماعی کردن کودکان ایفا میکنند. معلمان نخستین شخصیتزدهای دارای نفوذ و اقتداری هستند که بسیاری از کودکان هر روز در مدرسه با آنان روبه رو میشوند. به علاوه، اکثر

والدین کودکان را وادار میکنند به گونه ای عمل کنند که معلمان آنان می خواهند زیرا آینده کودکان آنان با موفقیت یا شکست این کودکان در مدرسه ارتباط دارد.

معلمان غالباً دانش آموزان را به انجام تکالیف درسی به شیوه های دستوری تشویق می کنند و به این ترتیب آنان را از روی قصد به اجتماعی شدن سوق می دهند. در عین حال معلمان ناخودآگاه بر روی کودکان تأثیر میگذارند. در واقع اقتدار معلمان در اجتماعی کردن دانش آموزان بسیار مورد علاقه و توجه دانش پژوهان علوم اجتماعی است. مثلاً رابرت روزنتال و لنور جیکوبسن (۱۹۸۹) در کتاب خود به نام پیگمالیون در کلاس درس نشان دادند که شیوه رفتار معلم با دانش آموز تأثیر عمیقی بر رفتار دانش آموز دارد. محققان به صورت تصادفی عده ای از دانش آموزان قوی و ضعیف را انتخاب کردند و آنان را دانش آموزانی خواندند که در سال آینده به نحو جهشی به موفقیت تحصیلی بالایی نایل خواهند شد. در واقع محققان نمره های واقعی آزمون اولیه دانش آموزان را به معلمان نگفته بودند. در سال بعد پیش بینی محققان درست از آب درآمد دانش آموزانی که به منزله دانش آموزان جهشی به معلمان معرفی شده بودند به مراتب بیشتر از هم کلاسان خود پیشرفت تحصیلی داشتند زیرا معلمان به آنان به دیده دانش آموزان با استعداد و زرنگ به لحاظ درسی مینگریستند. این آزمایش نشان داد که چشمداشت های معلم در عملکرد دانش آموزان تأثیر می گذارد.

برچسب زنی

برچسب زدن به افراد در جامعه امری عادی است وقتی ما با افراد ملاقات میکنیم بر اساس اطلاعات اندک فرضهایی درباره اینکه افراد چه نوع هستند ارائه می دهیم برچسب زنی در مدرسه و جاهای دیگر میتواند پیامدهای مهمی بر جای بگذارد. برچسب زنی توسط گروه همالان نیز صورت میگیرد. اهمیت و اثر برچسب هایی که گروه همالان به فرد می زنند کمتر از برچسب هایی که معلمان به دانش آموز می زنند نیست.

سبک های آموزش

معلمان مختلف سبک های مختلفی را در تدریس به کار میبرند. گاهی اوقات این سبک ها به موضوع درس مربوط میشوند گاهی به خواسته های معلم، اما گاهی اوقات نیز یک گزینه وجود دارد سبک های تدریس در دو قطب قرار دارند و در فاصله این دو قطب سبکهای دیگری نیز وجود دارد.

یک سبک این است که معلم دانش آموزان را ملزم می سازد که قسمتی از یک کتاب درسی را بخوانند و روز بعد آن را برای معلم بازگو کنند. به این سبک میگویند آموزش دستوری سبک دیگر آن است که مدرس موضوعی را مطرح میکند و از دانش آموزان یا دانشجویان میخواهد که خودشان درباره جوانب آن موضوع به کاوش بپردازند و از خلاقیت خود استفاده کنند و نکات تازه ای را کشف کنند. به این سبک میگویند آموزش رهنمودی منتقدان سبک آموزش تجویزی میگویند این سبک نه تنها خلاقیت دانش آموز یا دانشجو را افزایش نمیدهد بلکه جریان سیال ذهن را سرکوب و علاقه دانش آموز یا دانشجو را نسبت به موضوع درس تضعیف میکند.

تحقیقات نشان داده است که سبک آموزش رهنمودی نه تنها انگیزه های دانش آموزان یا دانشجویان را برای یادگیری بیشتر میکند بلکه خلاقیت آنان را تقویت کرده و ذهن آنان را برای پذیرش دانش جدید آماده تر می سازد.

جمع بندی این سه دیدگاه

مطالب این فصل تا اینجا فرصتی را فراهم می سازد تا نشان دهد که چگونه دیدگاههای نظری عمده گاهی اوقات در هم تنیده میشوند. مثلاً کارکردگرایی بر شیوه هایی که نظام آموزشی ارزشهای مسلط جامعه را به دانش آموز می آموزد و آنان را از طریق فرایند ردیابی انتخاب و غربال میکند متمرکز می شود. از دیدگاه نظریه پردازان کشمکش این کارکردها باعث میشوند که افراد در شکاف های طبقاتی مناسب قرار گیرند و ساختار قشربندی موجود تداوم یابد. هر سه دیدگاه کنش متقابل نمادی و کشمکش برای تحلیل برنامه آموزشی پنهان در مدرسه مورد استفاده قرار میگیرند.

تأثیر طبقه اجتماعی بر موفقیت تحصیلی

تحقیقات نشان داده است که میزان موفقیت تحصیلی دانش آموزان قشرهای محروم کمتر از قشرهای متوسط و بالای جامعه است. دانشورانی که درباره عدم موفقیت دانش آموزان متعلق به طبقه محروم جامعه اظهار نظر کرده اند بر دو دسته اند: کسانی که عدم موفقیت دانش آموزان را ناشی از محیط خانه و خانواده دانش آموز می دانند و کسانی که بر تأثیر محیط مدرسه بر عدم موفقیت دانش آموزان تأکید می ورزند.

محیط خانه و خانواده

اگرچه آموزش در حرف رایگان است اما مسئولان مدارس در عمل از والدین میخواهند که برای برخی از هزینه های مدرسه مبالغی بپردازند. والدین متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط و بالا تا حدودی استطاعت پرداخت هزینه های اضافی را دارند. والدین این پایگاه های اجتماعی اقتصادی همچنین میتوانند برای فرزندانشان کتابهای تقویتی وسایل کمک آموزشی و حتی معلم خصوصی فراهم سازند. کودکان محروم که گاه حتی نمیتوانند صبحانه کافی و کاملی بخورند از قدرت تمرکز کافی در کلاس برخوردار نیستند.

جنسیت و تحصیلات

دختران

در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به خصوص در میان فمینیستها نسبت به آموزشی که دختران دریافت میکردند نگرانی های زیادی وجود داشت موضوع های درسی دختران نسبت به پسران متفاوت بود و مشاغلی که به دختران می دادند هم از لحاظ پایگاه و هم از لحاظ دستمزد پایین تر از پسران بود. فمینیستها اعتقاد داشتند که مردان تبعیضهای زیر را نسبت به زنان روا می دارند اینکه دختران نیازی به تحصیلات بالا ندارند زیرا آنان مادر و خانه دار می شوند.

اینکه تحصیلات زیاد ماهیت زنانگی آنان را از میان میبرد.

و اینکه هوش زنان کمتر از هوش مردان است.

این ایده ها به مذاق مردان خوش میآید زیرا دلایلی را برای ارائه تحصیلات بهتر و مشاغل بهتر به مردان به دست میداد پژوهشها نشان می داد که آموزگاران به دختران کمتر از پسران توجه میکردند. آموزگاران انتظار نداشتند که دختران مانند پسران در تحصیل موفق شوند.

آموزگاران تصور نمی کردند که دختران اهمیتی برای داشتن شغل قائل بسیاری از کتابهای درسی و مطالب آموزشی قدیمی برای جنسیت مرد اهمیت بیشتری قائل میشدند مثلاً در کتابهای علوم قدیمی فقط عکس پسران چاپ میشد که در حال انجام آزمایشهای علمی بودند.

ظهور موفقیت های تحصیلی دختران در سالهای اخیر را میتوان با موارد زیر مرتبط دانست آگاهی از مسائل مربوط به جنسیت در مدارس - مدارس و معلمان هر چه بیشتر از این مسائل آگاه تر شده اند و میکوشند که با پسران و دختران به طور یکسان رفتار کنند تا برای آنان فرصتهای برابر را فراهم سازند. دگرگونی در تحصیلات عالی و چشمداشت های اشتغال - دختران برای دستیابی به مدارک عالی و مشاغل بالا چشمداشت بیشتری دارند و والدین آنان نسبت به گذشته تمایل بیشتری برای پیشرفت اجتماعی دخترانشان نشان می دهند. این امر نشان میدهد که وضعیت نسبت به چند سال پیش که دختران تصور می کردند زود باید ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند به شدت دگرگون شده است. با این حال بسیاری از دختران همچون گذشته وارد مشاغل منشیگری پرستاری یا فروشندهگی در فروشگاهها میشوند در عین حال اقبال آنان به رشته های علمی و فنی و پزشکی نیز افزایش یافته است اما اکثریت همچنان کارهای خانه را نیز انجام می دهند.

پسران

در چند سال گذشته نگرانی در مورد بی علاقگی پسران نسبت به تحصیل بیش از دختران محسوس است. در واقع امروزه نسبت پسران برای ادامه تحصیل در مقایسه با سالهای گذشته و در مقایسه با دختران کاهش یافته است و سرعت موفقیت درسی آنان به اندازه دختران نبوده است.

شاید مهمترین عامل این پدیده تغییرات در نوع و میزان اشتغال باشد. امروزه مشاغل سنتی مردان در صنعت مهندسی و غیره کمتر از گذشته است و مشاغل در صنایع خدماتی که به عنوان مشاغل زنان تلقی میشوند، بیشتر شده است. اگرچه برای پسران فرصتهای کاری جدیدی مثلاً در حوزه های رایانه و فناوری به وجود آمده است گفته شده است که پسران امروزی نسبت به پسران گذشته آینده نامطمئن تری دارند پسران نگران آینده اند گو اینکه ممکن است علاقه ای به صحبت کردن درباره آن نداشته باشند در حالی که دختران از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند.

آموزش های فنی حرفه ای

آموزش فنی حرفه ای عبارت است از یادگیری مهارت هایی که مستقیماً به شغلی معین یا انواع مشاغل مربوط میشود. در گذشته بین آموزش فنی حرفه ای و آموزش دانشگاهی تفاوت زیادی وجود داشت که ارتباط بسیار کمی با دنیای کار داشت. این تفاوت در حال کم شدن است.

آموزش فنی حرفه ای در مدارس امروزی

برخی از ارتباط های بین مدارس و دنیای کار در دنیای امروز شامل موارد زیر است بسیاری از دانش آموزان اما نه همه آنها فرصت تجربه کاری را پیدا میکنند .

گذراندن یک هفته یا بیشتر در یک کارگاه یا کارخانه یا اداره و انجام کار بدون دستمزد آنان ممکن است کنار یک نفر که در آنجا کار میکند بمانند به او کمک کنند و از او چیز یاد بگیرند این شیوه فراگرفتن کارآموزی استاز خوانده می شود.

مدارس درباره مشاغل دانش آموزان را راهنمایی میکنند. دانش آموزان با مشاوران مشاغل گفتگو میکنند و از منابع کتابخانه مشاغل استفاده میکنند و در می یابند کدام یک از مشاغل متناسب با علایق و شرایط آنان است. محتوا و مهارتهایی که در برخی از درسها آموخته میشوند برای آمادگی به کار مناسب اند.

در برخی از مدارس واحدهای درسی فنی حرفه ای وجود دارد. این درسها در حوزه های کار مانند مراقبت بهداشتی و اجتماعی و سفر و گردشگری آموزش می دهند.

امروزه در تمام رشته های تحصیلی چند مهارت کلیدی آموزش داده میشود که عبارت اند از ارتباطات کاربرد اعداد؛ فناوری اطلاعات (IT) همچنین سه مهارت کلیدی دیگر وجود دارد؛ نحوه همکاری با دیگران؛ پیشرفت یادگیری و عملکرد؛ حل مسئله.

فناوری اطلاعات و ارتباطات

ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات رایانه ای (ICT) ماهیت کار و بنابراین ماهیت تحصیلات فنی و حرفه ای مورد نیاز را دگرگون کرده است. از آنجا که اکنون بسیاری از مشاغل مستلزم فناوری رایانه و اطلاعات و ارتباطات هستند هم دولتها و هم مدارس داشتن رایانه در مدارس و دانشگاهها را در اولویت کار خود قرار داده اند.

فناوری ICT اکنون به یکی از مهارتهای کلیدی تبدیل شده است. پیشرفت اینترنت دگرگونیهای بیشتری را در نحوه کار مردم و مهارتهای مورد نیاز آنان ایجاد کرده است. ارتباطات و مبادله اطلاعات به فراسوی مرزهای ملی و فرهنگها آسان شده است. هنوز معلوم نیست که این دگرگونی شتابان به کجا خواهد انجامید، اما این اطمینان وجود دارد که هر قدر دنیای کار دگرگون شود تحصیلات فنی حرفه ای نیز دگرگون خواهد شد.

برخی معتقدند که ما در حال گذر از جامعه صنعت محور به جامعه اطلاعات محور و دنیای مجازی هستیم ورود به عصر اطلاعات محور مستلزم شناخت ویژگیهای آن است یکی از نهادهای اجتماعی که در این عصر دستخوش تغییرات وسیع خواهد شد، نهاد آموزش و یادگیری در سطوح عمومی و عالی است. در گذر به جامعه اطلاعاتی وظیفه عمده بر دوش دانش آموختگان جامعه است و آموزش و یادگیری باید بر اساس رویکردهای جدید تنظیم شود. فناوری اطلاعات پارادایم جدیدی است که در هر حوزه کاربرد دارد و امکان آموزش متناسب با نیازهای عصر حاضر را فراهم میکند آموزش الکترونیکی آموزش را در هر زمینه برای هر فرد در هر زمان و در هر مکان فراهم میکند. آموزش الکترونیکی شامل آموزش رایانه و آموزش مبتنی بر اینترنت و آموزش مبتنی بر وب و غیره می باشد.

مدارس خصوصی

مدارس خصوصی مدارس هستند که توسط دولت تأسیس نشده و دولت هزینه ای بابت تأسیس یا اداره آنها پرداخت نمیکند. این مدارس عمدتاً از طریق شهریه هایی که از اولیا دانش آموزان دریافت میکنند اداره می شوند. از آنجا که شهریه مدارس خصوصی غالباً بالاست، تنها فرزندان خانواده های ثروتمند میتوانند فرزندان خود را به این مدارس بفرستند.

ویژگی های مدارس خصوصی

در این مدارس تعداد دانش آموزان هر کلاس کمتر از تعداد دانش آموزان مدارس دولتی هستند. مدارس خصوصی شیوه های آموزشی را به کار میگیرند که یادگیری را سریع تر میکند والدین بر این باورند که احتمال کمتری دارد که کودکانشان کمتر تحت تأثیر خرده فرهنگهای ضد مدرسه ای قرار گیرند که غالباً در مدارس دولتی یافت میشود. والدین باور دارند که در مدارس خصوصی نظم بیشتری وجود دارد و معمولاً دانش آموزان این مدارس بیشتر در دانشگاهها قبول میشوند.

به طور کلی منابع و امکانات مدارس خصوصی بیش از منابع و امکانات مدارس دولتی است.

مخالفت مدارس خصوصی

مخالفت مدارس خصوصی اعتقاد دارند که وجود این مدارس از عدالت به دور است زیرا این مدارس به یک اقلیت اجازه می دهد با پول خود امتیاز خریداری کنند. مخالفان میگویند مدارس دولتی این حسن را دارند که معمولاً دارای ترکیب وسیعی از دانش آموزان مختلف است بنابراین کودکان می آموزند که با هر نوع آدمی بتوانند سروکار داشته باشند. اما مدارس خصوصی عمدتاً متعلق به دانش آموزانی است که پیشینه نسبتاً یکسانی دارند با وجود این استقبال از مدارس خصوصی چه از سوی دولت و چه از سوی مردم به نسبت زیاد بوده است. برخی از مدارس خصوصی با هدف اعمال شیوه های تربیتی خاص گروهی یا مذهبی تأسیس میشوند و ضمن تعقیب برنامه های عمومی مدارس دولتی برنامه های خاص و دروس ویژه ای به دانش آموزان تدریس میکنند که در جهت اهداف مورد نظر آنان مؤثر است. به هر حال هر کدام از دو نوع مدارس عمومی و مدارس خصوصی مزایا و معایب خاص خود را دارد.

آموزش عالی

صنعتی شدن سریع جوامع تحصیلات عالی را به درجه ای برای ورود به مشاغل بهتر درآمدهای بالاتر و منزلت اجتماعی برتر تبدیل کرده است. اگرچه امروزه شاید مدرک دانشگاهی ارزش گذشته را ندارد اما هنوز از لحاظ مالی و اشتغال و منزلت اجتماعی اهمیت شایانی دارد.

انواع سازماندهی آموزش عالی

در میان کشورهای مختلف شیوه های سازماندهی آموزش عالی متفاوت است. در بعضی از کشورها همه دبستانها دبیرستانها دانشکده ها و دانشگاه ها دولتی اند و دولت منابع مالی آنها را تأمین میکند. در ایالات متحده دو نوع دانشکده و دانشگاه وجود دارد: خصوصی و دولتی. ۵۴ درصد از سازمان های آموزش عالی وابسته به بخش خصوصی هستند.

بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند دانشکده ها و دانشگاهها باید طرحی نو در اندازند. این کارشناسان میگویند که دیری نخواهد پایید که عصر فناوری اطلاعات دانشکده ها و دانشگاهها را از محدوده های جغرافیایی واقعی به دانشگاههای مجازی تبدیل خواهد کرد. اگرچه طرح سنتی اقامتگاهی آموزش عالی ادامه خواهد داشت بسیاری اعتقاد دارند که آموزش عالی به طور فزاینده ای با استادان و دانشجویانی مشخص خواهد شد که از لحاظ جغرافیایی پراکنده خواهد بود. آموزش از راه دور هم برای استادان و هم دانشجویان ضروری خواهد بود زیرا فناوری آن را امکان پذیر خواهد ساخت و آموزش عالی از چند نیمسال تحصیلی معین به فرایند مادام العمری یادگیری تغییر شکل خواهد داد و این امر بر اثر یک اقتصاد جهانی به سرعت دگرگون شونده حتمی الوقوع است.

فصل دهم : تندرستی و مراقبت پزشکی

تعریف

در لغت نامه و بستر تعریف زیر از تندرستی ارائه شده و مورد پذیرش عموم قرار گرفته است؛ «تندرستی به وضعیت سالم بودن ذهن و روح به ویژه رهایی از بیماری یا درد اطلاق میشود در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی تندرستی علاوه بر رهایی از بیماری به حالتی از سلامت کامل جسمی ذهنی و اجتماعی اطلاق شده است. با وجود این تعاریف مفهوم تندرستی و بیماری به خصوص بیماری روانی به طور قابل ملاحظه ای از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر حتی در درون یک فرهنگ متفاوت است.

الگوهای فرهنگی تندرستی ساخت اجتماعی

تندرستی

یک الگو مجموعه ای از باورها ارزشها فنون و غیره است که اعضای یک جامعه معین در آن سهیم هستند. در واقع جیمز فریزر بدون به کار بردن این اصطلاح تکامل معرفت انسان را بر حسب الگوهای تبیینی جادو، مذهب و علم عرضه کرده است. تحقیقات اخیر طرحواره فریزر را بسیار ساده انگاشته اند اما وی به طرز مطلوب پارادایم های فرهنگی عمده تبیین و باور را نشان می دهد.

اعتقاد به سحر و جادو درباره تندرستی و بیماری

تندرستی و بیماری را میتوان به طور مطلوبی در درون نظام های اعتقادی وسیع تر به خصوص پارادایم های جادو مذهب و علم دریافت جادو شامل دستکاری و مهار دنیای طبیعی توسط افراد معین مانند ساحره ها جادوگران و شمنها است. این شخصیتهای قدرتمند چنین تلقی میشدند که میتوانند باعث یا تخفیف دهنده بدبختی یا بیماری باشند.

تفاوت میان باورهای مربوط به سحر و جادو و مذهب درباره تندرستی

آنچه درباره سحر و جادو بیان شده است بعضاً در مورد مذهب نیز صدق میکند. تمایز کلیدی و همچنان سودمندی که فریزر بین جادو و مذهب قائل است آن است. که جادو را انسانها کنترل میکنند و مذهب تحت نظارت خداوند و ارواح است. این

تمایز در عمل همیشه چندان واضح نیست. مثلاً واسطه‌های مذهبی قومی با شمنها و جادوگران خیراندیش به ویژه در نقش آنان به منزله شفادهندگان و شفاعت کنندگان از خداوند وجه مشترک دارند به طور کلی با وجود اینکه جادو و مذهب نظامهای متفاوتی از شناخت هستند هر دو از نظامهای علمی متمایزند گرچه به نوبه خود غیر منطقی نیستند.

دیدگاه علمی درباره بیماری و پزشکی جدید

ال جی مور و همکارانش پزشکی جدید را به دو بخش تقسیم کرده اند: نخست نظریه میکروبی بیماری و نیاز به درمان عفونت به منظور حفظ تندرستی؛ دوم کارایی پزشکی بازدارنده است. بنابراین پزشکی درمانی و پزشکی بازدارنده دو بازوی اصلی پزشکی جدید را تشکیل میدهند نظریه علمی پزشکی متکی به تظاهرات عملی روابط علی است. کار لویی پاستور درباره نظریه میکرب به خصوص شیوع میکرب در نیمه و اواخر قرن نوزدهم بنیاد پزشکی جدید را ایجاد کرد.

نظام مراقبت تندرستی به منزله یک نهاد اجتماعی

ماهیت نظام مراقبت تندرستی

امروزه در پزشکی جدید نظام مراقبت تندرستی شامل خدمات تخصصی، سازمانها، مدارس عالی و منابع فناوریهای است که موظف به درمان مردم هستند. نظام مراقبت تندرستی که بخش عظیمی از فعالیتهای کشورهای مختلف جهان را تشکیل میدهد نهادی است که روز به روز اهمیت آن بیشتر می شود به طوری که مثلاً بودجه مراقبتهای تندرستی در آمریکا از ۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۹۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ افزایش یافت. از سال ۱۹۸۰ بودجه کل تندرستی در آمریکا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است اداره سرشماری ایالات متحد هنگامی که نسبت بودجه های درمانی و پزشکی را به کل تولید ناخالص ملی - ارزش مالی همه کالاهای خدماتی که اقتصاد کشور طی یک سال معین تولید میکند - را مورد توجه قرار دهیم این ارقام نظام مراقبت سلامتی را با وضوح بیشتری آشکار می سازد. اکنون بودجه مراقبت سلامتی در آمریکا ۱۴ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد، حال آنکه بودجه مراقبت سلامتی در آمریکا در سال ۱۹۷۰ حدود ۷ درصد تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل می داد.

اجزای نظام مراقبت سلامتی

نظام مراقبت سلامتی شامل چهار جزو اصلی است پزشکان پرستاران بیمارستانها و بیماران در زیر هر یک از این اجزاء را با عمق بیشتری همراه با برخی از رهیافتهای سازمانی به انجام مراقبت سلامتی در جامعه مدرن تعریف میکنیم.

پزشکان

هر چند پزشکان درصد کمی از کارکنان مراقبت پزشکی را تشکیل می دهند اما آنان محور فعالیتهایی را تشکیل میدهند که بقیه کارکنان درون آن به کار می پردازند. اکثر دولت ها تنها به پزشکان اجازه میدهند که به تشخیص بیماری بپردازند دارو تجویز کنند و رویدادهایی مانند تولد و مرگ را تأیید کنند ممکن است بیماران بستری شده در بیمارستان را بسیاری از متخصصان و کارکنان دیگر مراقبت کنند، اما تصمیم درباره تشخیص و درمان آنان را پزشکان اتخاذ میکنند مسئولیت پزشکان با سطوح بالایی از منزلت اجتماعی و پاداش مالی توأم است.

پرستاران

پرستاری تنها در اواخر قرن نوزدهم یک حرفه رسمی شد و هویت آن همچنان دستخوش تغییر است. هنگامی که فلورانس نایتینگل با پافشاری خود برای کمک به پزشکان ارتش بریتانیا در سال ۱۸۵۴ با پرستاران و تجهیزات به ترکیه فرستاده شد وی با مقاومت زیادی روبه رو شد. یک سرهنگ نوشت «گویا خانمها خدعه تازه ای را به کار گرفته اند من نه مایلم ببینم و نه تأیید میکنم که خانمها کار طاقت فرسای پرستاری را انجام دهند نایتینگل پس از آنکه سرانجام نظر موافق مقامات را کسب کرد آنان را به ایجاد دانشکده های پرستاری در انگلستان و جاهای دیگر متقاعد کرد هر چند این کار نمودی از پیشرفت بزرگی در مراقبتهای پزشکی شد برداشت نایتینگل از نقش پرستاران بسیار محدودتر از برداشتی است که اکنون اکثر پرستاران از آن دارند او نایتینگل اصرار داشت که پرستاران باید تمیز پاکدامن آرام و مذهبی باشند. وی پرستار را کسی میدانست که از مریض مانند همسر خود حراست میکند و به گونه ای در بیمارستان کار میکند که پزشک بتواند کار خطیر خود را انجام دهد (مومفورد، ۱۹۸۲ ، ۲۹۰) شاید در نتیجه این جهت گیری اولیه بود که پرستاری پی در پی دستخوش بحث و مجادله در خصوص تحصیلات نقش های تخصصی و ترمیم حقوق و دستمزد شده است.

برنامه های آموزشی برای پرستاران به تدریج از دوره های دیپلم سه ساله در بیمارستانها به دوره های دستیاری و کارشناسی در دانشکده ها و دانشگاهها تبدیل شده است. با وجود نیاز فزاینده به دانش پیشرفته برای پرستاران رشد آموزش دانشگاهی کند بود زیرا مدیران بیمارستانها از ذخیره فراوان نیروی کار ارزان که از دوره های آموزشی بیمارستانهای خودشان ایجاد میشد، بهره مند می شدند. هر چند انتقال آموزش پرستاران به دانشکده ها و دانشگاهها به خوبی جای خود را باز کرد این واقعیت که این امر بیش از نیم قرن طول کشید نشانه مشکلات حرفه ای و اقتصادی پرستاران بود.

بیمارستانها

بیمارستانها خدمات پزشکی تخصصی را به انواع بیماران بستری و بیماران سرپایی ارائه میدهند بیمارستانها بر چند گونه اند درمانگاهها بیمارانی را که نیاز به مراقبتهای ساده و کوتاه مدت دارند درمان میکنند مراکز پزشکی که مراقبتهای دراز مدت ارائه میدهند و از فناوری پیشرفته برخوردارند و بیمارستان های بزرگ معمولاً مراقبت از بیمار را با تحقیق و آموزش پزشکی تلفیق میکنند.

بیماران

افرادی که در نظام مراقبت تندرستی کارمند یا صاحب حرفه نیستند معمولاً به این علت وارد این نظام میشوند که دیگران آنها را بیمار یا مجروح تعریف کرده اند. این تعریف بر اساس یک فرایند اجتماعی پیچیده شامل بسیاری از مردم است. علایمی که ممکن است در یک موقعیت دلیل بیماری قلمداد شوند در موقعیتهای دیگر نادیده گرفته میشوند مثلاً به سالخوردگان بسیار ساده تر از جوانان انگ بیماری زده میشود زیرا عموماً فرض را بر این گذاشته اند که بیماری در سنین پیری امری عادی است. اعم از اینکه تعیین یک بیمار به منزله مریض از لحاظ زیست شناختی توجیه پذیر است یا خیر این تعریف اجتماعی بیمار را در مجموعه پیچیده ای از حقوق و مسئولیتهای قرار میدهد و تالکوت پارسونز آن را نقش بیمار می نامد. این اصطلاح

مستقیماً ما را به دیدگاه‌های نظری هدایت میکند زیرا تحلیل بیماران بر حسب نقش مریض بخشی از رهیافت کارکردگرایی به نظام مراقبت تندرستی است.

دیدگاه های نظری و نظام مراقبت تندرستی

کارکردگرایی

دیدگاه کارکردگرایی درباره رفاه اجتماعی نشان میدهد که سیاستهای بهداشت همگانی در جوامع جدید نشان دهنده سازگاریها با فشار عمومی برای محیطی پیشرفته و امکانات تندرستی است و نیز به کارکرد حفظ نیروی کار تندرست کمک می کند. اما تحلیل تالکوت پارسونز درباره نقش بیمار مهمترین کار در این حوزه در دوره پس از جنگ بود در واقع پارسونز نخستین جامعه شناسی بود که دیدگاهی جامعه شناختی از بیماری ارائه داد و بیماری را با نظریه و تحقیق جامعه شناختی مرتبط ساخت وی با این فرض آغاز کرد که اگر افراد جامعه از تندرستی برخوردار نباشند و نتوانند نقش خود را به خوبی انجام دهند حیات آن جامعه به خطر می افتد. به عبارت دیگر گسترش بیماری در جامعه باعث می شود که کارها خوب پیش نرود یا کسانی که جانشین بیماران میشوند نمیتوانند کاری را که بیماران بر عهده داشته اند به خوبی انجام دهند.

از نظر پارسونز بیماری شکلی از رفتار انحرافی است که مانند جرم نیاز به یک پاسخ اجتماعی دارد (۱۹۵۱) به عبارت دیگر بیماران برای آنکه بیمار جلوه نکنند شکل ویژه ای از رفتار انحرافی از آنان سر میزند این کار از طریق نهادی کردن یک نقش بیمار در هر جامعه صورت میگیرد.

نقش بیمار. نقش بیمار باعث میشود که افراد از شرکت فعال در رهواریهای روزمره دور شوند و به آنها پناه و امتیازهای ویژه ای را میدهد و صحنه را برای بازگشت آنان به نقشهای اجتماعی عادی شان فراهم می سازد. پارسونز چهار جنبه اصلی نقش بیمار را به شرح زیر مشخص می سازد:

۱. به بیماران اجازه داده میشود که به طور موقت از نقشهای دیگر دست بکشند یا دست کم شرکتشان را در این نقشها کاهش دهند. تا زمانی که دیگران می پذیرند که آنها بیماران این افراد از رفتن به سر کار خود یا رفتن به مدرسه چشم پوشی میکنند و یا وظایف معمول خانه داری خود را انجام نمی دهند.

۲. فرض بر این است که بیماران هر چند به رفتار انحرافی مبادرت می ورزند نمی توانند صرفاً از طریق میل به رهایی از بیماری خوب شوند. در نتیجه از کیفرهای منفی نسبت به آنان اجتناب میشود زیرا دیگران میپذیرند که مریضی گناه بیمار نیست.

۳. از بیماران انتظار میرود که وضعیت خود را نامطلوب تعریف کنند. از آنان انتظار می رود که بخواهند تا دوباره خوب شوند انتظار میرود که نه از بیماری خود چشم ببوشند و نه رذیلانه از منافع بیمار بودن خود سوء استفاده کنند (آسودگی از فعالیتهای عادی مهرطلبی به خدمت گرفتن دیگران).

۴. از بیماران انتظار میرود توصیه های افراد شایسته در حوزه مراقبتهای بیماری شان مورد سرزنش قرار نمیگیرند مسئول انجام کارهایی هستند که برای بهبودشان لازم است خودداری در همکاری برای معالجه خودشان باعث میشود بهداشتی را جویا شوند و این توصیه ها را دنبال کنند بیماران هر چند به خاطر بروز که دیگران آنان را کژرو تعریف کنند.

اگر هر یک از این عناصر حذف شود امتیاز نقش بیمار بودن از میان میرود. مثلاً کیفیت مراقبت از کسانی که برای بهبود خود همکاری نشان نمی دهند کاهش می یابد. برخی از افراد بیماریهایی مانند چاقی و ایدز را گناه خود بیماران تلقی و آنان را از داشتن امتیاز نقش بیمار محروم میکنند وجود نقش بیمار و ارتباطهایی که در پیرامون آن شکل میگیرد نشان دهنده ماهیت اجتماعی بودن بیماری است.

نظریه کشمکش

این نظریه شامل تبیین دیدگاه کشمکش درباره بالا رفتن منزلت حرفه پزشکی در (آمریکا) توجیه درآمد و موقعیت بالای پزشکان مشکلات حرفه ای و اقتصادی پرستاران و نابرابری مراقبت بهداشتی میشود.

تبیین نظریه های کشمکش درباره بالا رفتن منزلت حرفه پزشکی

یک دانشمند مارکسیست، وینسنته ناوارو فرض را بر این میگذارد که جامعه امروز بر تفاوت قدرت مبتنی بر طبقه نژاد و جنسیت بنا شده است. ماهیت نهادهای امروزی از جمله نهاد پزشکی محصول کشمکشهاست و کشمکش طبقاتی در مرکز آن قرار دارد اما فقط به آن ختم نمی شود. گرچه بسیاری از کشمکشها مبنای طبقاتی ندارند کشمکش طبقاتی مرزهایی را تعیین میکند که در درون آن همه نبردها رخ میدهد. بنابراین موفقیت حرفه پزشکی به علت قدرتی است که این حرفه در نتیجه ارتباطهای ترکیب شده آن با طبقه سرمایه داری مسلط نژاد سفید و جنسیت مرد دارد.

همان نیروهای سیاسی و اقتصادی که ماهیت سرمایه داری را تعیین می کنند، نهاد پزشکی را نیز تعیین می کنند. پس، این ترغیب و تشویق نیست که منابع پزشکان را بیشتر می کند، بلکه از آن مهم تر، قدرت قهرآمیز و سرکوبگرانه ای که پزشکان دارند، ناشی از ساختار قدرت سرمایه داری است.

منزلت و موقعیت پزشکان در آینده

اینکه آیا پزشکان در آینده موقعیت ممتاز و قدرتمند خود را حفظ خواهند کرد یا خیر معلوم نیست به طور کلی شمار پزشکان در سراسر دنیا برای هر ۱۰ هزار نفر رو به افزایش است. وانگهی به علت کاهش رشد جمعیت کشورها افزایش هزینه های بیمه سوء درمان حرکت از طب عمومی به پزشکی تخصصی پزشکان به احتمال بسیار کم به منزله متخصصان مستقل کار خواهند کرد. شمار فزاینده ای از پزشکان به طبابت گروهی یا به سازمانهای مراقبتی کنترل شده که هزینه ها شراکتی است و یا پزشکان از آن سازمانها دستمزد دریافت میکنند، روی خواهند آورد. هنگامی که این تغییرات رخ دهد پزشکان منحصر به فرد کم کم کنترل بر کار خود را از دست خواهند داد.

مشکلات حرفه ای و اقتصادی پرستاران

انتظارات نقش و روابط قدرت برای پرستاران مسئله سازند گو اینکه پرستاران بیش از پزشکان در کنار بیماران هستند از ساده ترین تصمیم گیری ها درباره مراقبت بیمار برخوردار نیستند. پرستاران در بسیاری از موقعیتهای پیشنهادی مفیدی به پزشکان می دهند در حالی که اراده ای از خود ندارند.

پرستاران با وجود وظایف دشوار و ساعات کار طولانی و پرزحمت کمتر از اکثر پزشکان متخصص حقوق دریافت میکنند به طور کلی حقوق زنان به میزان قابل توجهی کمتر از حقوق مردان است. این امر در مورد پرستاران در مقایسه با پزشکان بیشتر صدق میکند شاید دستمزد پایین پرستاران ناشی از این باشد که در بعضی کشورها حدود ۹۵ درصد از پرستاران زن هستند در حالی که حدود ۱۵ درصد از پزشکان زن میباشند.

پرستاران همواره از دستمزد پایین خود مینالند این در حالی است که ماهیت کار پزشکی و درمان ایجاب میکند که کار پرستاران را جدی و مهم قلمداد کنیم. در واقع دوره نقاهت بیماران پس از عمل جراحی نقش مهمی در درمان و بهبود بیماران ایفا میکند. آنسلم اشتراوس و همکارانش (۱۹۸۵) خاطرنشان می کنند که درمان موفقیت آمیز مستلزم توجه به ایمنی آرامش و عواطف بیماران و هماهنگی فعالیتهای گوناگون را دارد و در این میان پرستاران نقش مهمی را در این وظایف ایفا میکنند امروز شغل پرستاری به طور فزاینده ای در حال تخصصی شدن است و نیاز به هماهنگی با متخصصان دیگر روز افزون میشود (کونر، ۱۹۹۰).

نابرابری در مراقبت های تندرستی

دل مشغولی طرفداران نظریه کشمکش نسبت به نابرابری در مراقبت تندرستی با اپیدمیولوژی شروع میشود - مطالعه الگوهای سرایت بیماریها در میان جمعیت. اپیدمیولوژیست های اجتماعی وقوع بیماری را به افراد محیط اجتماعی و محیط طبیعی آنان ربط می دهند.

نظریه پردازان کشمکش استدلال میکنند که افراد متعلق به طبقه پایین جامعه نسبت به افراد متعلق به طبقه بالا امید زندگی کمتری دارند و بیش از افراد متعلق به طبقات بالا در معرض بیماریهای معینی قرار میگیرند. این نظریه پردازان عدم تمایل افراد طبقه پایین به سلامتی را در ماهیت جامعه سرمایه داری ردیابی میکنند. آنان به خصوص به نقش نظام مراقبتهای تندرستی در حفظ دسترسی نابرابر به مراقبت پزشکی اشاره دارند.

نابرابری در دستیابی به مراقبتهای پزشکی و تبدیل کردن مراقبت بهداشتی به کالایی که باید در بازار خریداری شود تشدید میگردد. کسانی که استطاعت خرید مراقبتهای پزشکی را ندارند غالباً از بیماری رنج می برند، دچار بیماریهای وخیم تری هستند و عمر کوتاه تری دارند.

از دیدگاه نظریه پردازان کشمکش تجاری کردن پزشکی به خاطر سود باعث شده است که فقرا و افراد طبقه پایین جامعه استطاعت هزینه های مراقبتهای تندرستی را نداشته باشند از نظر آنان مراقبت تندرستی یک صنعت سرمایه داری است صنعتی که سالانه ثروتهای بیکرانی را برای دست اندرکاران آن - بیمارستانها خانه های سالمندان پرستاران پزشکان شرکتهای داروسازی، تأمین کنندگان لوازم پزشکی داروخانه ها به همراه می آورد. این مؤسسه ها و شرکتهای هر چند مفید، اما گروههای ذی نفعی هستند که نابرابری در مراقبتهای تندرستی را تداوم می بخشند.

دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادی درباره بهداشت و تندرستی

بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادی انسانها بر اساس تفسیرهای ذهنی واقعیتی که از کنش متقابل با دیگران یاد گرفته اند عمل میکنند و به طور مداوم رفتار دیگران و نیز رفتار خود را برحسب نمادها و معنایی که به طور اجتماعی کسب کرده اند تفسیر میکنند. این دیدگاه نظری بر پایه مفاهیم جامعه پذیری و نمادها استوار است. در این بخش جامعه پذیری، پزشکان پیشینه و جامعه پذیری پرستاران و تأثیر انگ زنی را بررسی میکنیم.

فرایند جامعه پذیری اکثر پزشکان زود هنگام آغاز می شود. کسانی که سرانجام دکتر میشوند این تصمیم خود را در عنفوان جوانی و عمدتاً حول و حوش شانزده سالگی اتخاذ کرده اند. این امر اتفاقی نیست تصمیم زود هنگام تا حدی به این علت است که والدین و بستگان کودک و نوجوان هنگام تحصیل او در مدرسه و دبیرستان از القائاتی نظیر میخواهی دکتر بشوی «آفرین، تو حتماً دکتر می شوی چطوری آقای دکتر استفاده میکنند. این پیش جامعه پذیری، گرچه در تصمیم گیری برای پزشک شدن اهمیت دارد دانشجویان پزشکی را برای جامعه پذیری که آنان در دانشکده پزشکی تجربه میکنند، آماده نمی سازد.

شیوه جامعه پذیری پرستاران

پرستاران عمدتاً زن و متعلق به طبقه اجتماعی متوسط هستند. دانشجویان رشته پرستاری در مقایسه با بقیه جمعیت دانشجویان زن افرادی نوع دوست تر رؤف تر و بخشنده تر هستند؛ آنان کمتر علاقه مند به قدرت کنترل کردن دیگران و پیش انداختن خود هستند. پرستاران بر دارا بودن آزادی برای تصمیم گیری مستقل و بر اینکه با آنان با همدلی رفتار شود تأکید دارند. این ویژگی ها طی دوره چهار ساله کارشناسی پرستاری در دانشگاه در میان دانشجویان این رشته تقویت می شود.

کاربرد دیدگاه انگ زنی در بیماری

بر اساس نظریه انگزنی انگها و ننگها یی که به افراد نسبت داده می شود بر نحوه رفتار دیگران نسبت به آن افراد و به نوبه خود بر رفتار افراد انگ خورده تأثیر میگذارد. بیماری انگ اجتماعی است که میتواند برای بدنام کردن افراد به کار رود. ماهیت انگهای مرتبط با بیماری بر پایه فرهنگ است. از آنجا که فرهنگ تغییر می کند تعاریف مرتبط با بیماری نیز گوناگون است مارک زوبوروفسکی دریافت که یهودیان و ایتالیاییها تمایل بیشتری به بیان آشکار درد خود دارند، در حالی که آمریکاییان سالخورده و ایرلندیها عیناً با همان سطوح درد میلی به آه و ناله کردن ندارند؛ همچنین ایروینگ زولا (۱۹۶۶) گزارش کرد که گرچه ایرلندیها هیچ گونه ارتباطی بین بیماری خود و روابط اجتماعی شان با دیگران نمی بینند ایتالیاییها مشکلات در روابط اجتماعی را به منزله بخش مهمی از بیماریهای شان قلمداد میکنند. با توجه به این پیشینه جای تعجب نیست که بین اشکال خاصی از بیماری و انگها و ننگها ارتباط وجود دارد سالخوردگان به شدت انگ از کار افتاده (مثلاً کم حافظه را بسیار بیشتر از میان سالان میخورند زیرا فرض رایج این است که بیماری برای سالخوردگان امری عادی است.

سن، جنسیت طبقه اجتماعی و تندرستی

چنان که قبلاً خاطرنشان شد اپیدمیولوژی به مطالعه الگوهای سرایت بیماری در میان جمعیت اطلاق میشود. اپیدمیولوژیستهای اجتماعی تصریح کرده اند که سلامتی و بیماریها به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارند که در چند ویژگی جمعیتی و سطح طبقه اجتماعی منعکس میشوند. برجسته ترین این ویژگیهای جمعیتی عبارت اند از: سن، جنسیت و نیز طبقه اجتماعی.

خدمات مراکز مراقبت تندرستی و مشکلات مردم

بیمارستانها سازمانهایی هستند که خدمات پزشکی تخصصی را به بیماران مختلف عرضه میکنند بیمارستانها از مراکز درمانی کوچک تخصصی که بیماران سرپایی را درمان میکنند تا مراکز درمانی پزشکی که مراقبتهای دراز مدت را فراهم می سازند و غالباً از فناوری پیچیده ای برخوردارند تغییر میکنند. معمولاً مراکز درمانی و برخی از بیمارستانهای بزرگ مراقبت از بیمار را با تحقیقات و آموزش پزشکی ترکیب میکنند.

جوامع امروزی روز به روز بیشتر به بیمارستانها وابسته اند. در گذشته بسیاری از زایمانها در خانه ها انجام میگرفت؛ امروزه تقریباً همه کودکان شهری در بیمارستانها به دنیا می آیند.

اعتماد فزاینده مردم به بیمارستانها و فناوری پیشرفته بیمارستانها فواید محسوسی به بار آورده است تولد نوزادان برای مادران و نوزادان که تجربه سختی را پشت سر میگذارند امن تر شده است. توانایی درمان بیماریهایی مانند سرطان و بیماری قلبی به شدت افزایش یافته است. بیماریهای دیگر مانند سل از لحاظ فراوانی بسیار کاهش یافته است.

با این حال مخارج مربوط به مراقبتهای تندرستی در سالهای اخیر به شدت افزایش یافته است بخش اعظم این افزایش ناشی از هزینه های بیمارستان است. هنگامی که بیماران وارد یک بیمارستان میشوند مبالغی بیش از هزینه یک اتاق و یک تخت را از آنان دریافت میکنند دستمزد و هزینه مجموعه ای از کارکنان متخصص و غیر متخصص و هزینه های فزاینده تجهیزات گران قیمت به گردن بیماران یا سازمانهای تأمین اجتماعی یا خدمات درمانی یا شرکت های بیمه است. بیماران در موقعیتی نیستند تا گروهی سازمان یافته برای مبارزه با مخارج روزافزون بیمارستان ها تشکیل دهند و اگرچه ممکن است بسیاری از بیماران از مخارج روزافزون مراقبتهای تندرستی ناراحت باشند به طور کلی بر بهترین امکانات برای خود و اعضای خانواده شان پافشاری میکنند وانگهی عموماً پزشکان فاقد تبحر در برنامه ریزی کارآمد و استفاده از منابع مربوط به مراقبتهای سلامتی فعالیت می کنند (خوناس ، ۱۹۷۸) در نتیجه تلاش برای کاهش یا مهار مخارج پزشکی به خوبی سازمان نمی یابد.

فصل یازدهم : نظارت اجتماعی

تعریف

هر فرد از خلال فرایند اجتماعی شدن می آموزد که در موقعیتهای مختلف چه رفتاری قابل قبول و چه رفتارهایی غیر قابل قبول است و بدین سان فرا میگیرد که چگونه میان الگوهای رفتار مناسب و رفتار نامناسب تمایز قائل شود. در حقیقت نظارت اجتماعی دنباله فرایند اجتماعی شدن است نظارت اجتماعی به ابزارها و روشهایی اطلاق میشود که برای و ادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار میرود هرگاه نظارت اجتماعی در عمل تحقق پیدا کند، رفتار فرد با نوع

رفتار مورد انتظار هماهنگ میشود نظارت اجتماعی به صورت متقابل نیز بین افراد اعمال میشود؛ یعنی ما بر رفتار دیگران تأثیر میگذاریم و در مقابل دیگران نیز بر رفتار ما تأثیر میگذارند.

اهمیت نظارت اجتماعی

برای اینکه سازمان اجتماعی و جامعه بتوانند سطح مطلوب و نظم خود را حفظ کنند باید رفتارهایی که صورت الگو به خود گرفته اند پیش بینی پذیر باشند و استمرار و ادامه یابند. همه جوامع برای آنکه به هدف خود برسند، با این امید که افراد به شیوه اجتماعی قابل قبولی در هر موقعیت خاص رفتار کنند افراد خود را اجتماعی بار می آورند در صورتی که اجتماعی کردن اعضا تحقق پیدا نکند فرایند نظارت اجتماعی مناسب و خاصی را باید در جامعه فعال کرد تا نظم لازم آن جامعه تأمین و حفظ شود.

ساخت هنجارمند

شاید بی مناسبت نباشد در اینجا یک بار دیگر به بخشهایی که در فصل سوم همین کتاب در خصوص موازین و هنجارها نگاشته شده است بازگردیم. بحث نظارت اجتماعی به توانایی اعضای جامعه در انطباق خود با هنجارهای موجود بستگی دارد. اگر به یاد داشته باشید هنجار عبارت از نمونه یا معیار ثابت چیزهایی است که در درون یک فرهنگ معین باید وجود داشته باشد. هنجارها ممکن است یکی از چهار صورت زیر را پیدا کنند ارزشها (احساسات ریشه دار و جا افتاده مشترک میان اعضای جامعه، شیوه های قومی عادات و شیوه های عادی رفتار و کردار مرسوم رسوم اخلاقی آداب و رسوم مهمتری که ملزومات معنی دار شایسته و ناشایسته ای دارد و سرانجام قوانین رسوم اخلاقی مهمتری که با ضمانت اجرایی قانونی حالت رسمی پیدا کرده اند.

هنجارها ممکن است ممنوع یا تجویز شده باشند. هنجارهای ممنوع مشخص کننده چیزهایی هستند که فرد مجاز به انجام آن نیست. هنجارهای تجویز شده چیزهایی را مشخص میکنند که فرد مجاز به انجام دادن آنهاست.

پذیرش هنجارها

افراد هنجارهای فرهنگی را به منزله نتیجه موفقیت آمیز جریان اجتماعی شدن ملکه ذهن خود میکنند هنگامی که هنجارهای فرهنگی ملکه ذهن میشوند فرد نیازی ندارد که در هر مورد درنگ کند و از خود بپرسد که کار درست یا نادرست و شایسته یا ناشایستی انجام داده است. شخص تقریباً از هنجارها به صورت بازتابی پیروی میکند و اعم از آنکه زیر نظارت دیگران باشد یا نباشد به طور طبیعی رفتارهای مناسب را به منزله هنجار درونی شده از خود بروز می دهد. انسانها نه به دلیل ترس از افشای رفتار نامناسبشان توسط دیگران بلکه به دلیل نوعی نظارت درونی همانند وجدان و ضمیر ناخودآگاه به هنجارهای مستقر دلبستگی پیدا میکنند با فرایند پذیرش هنجارها نظارت های اجتماعی ضروری از درون بر هر یک از ما اعمال میشود و ما به طور طبیعی از شیوه های بهنجار پیروی میکنیم.

تعارض هنجارها

به دلیل عضویت افراد جامعه در گروه‌های مختلف اجتماعی - که جزو ویژگی‌های زندگی جامعه شهری صنعتی جدید است - هر یک از ما باید ضرورتاً خود را با شمار زیادی از هنجارها که برخی از آنها با یکدیگر برخورد دارند منطبق و سازگار کند. در حالی که برخی از این هنجارها با هم در تعارض باشند، آن دسته از هنجارهایی که برای فرد اهمیت بیشتری دارند حفظ و رعایت خواهند شد و آنها که اهمیت کمتری دارند موقتاً کنار گذاشته میشوند بدین سان، حتی در صورتی که هنجارها کاملاً ملکه ذهن انسان شده باشند مواردی پیش می‌آید که فرد یک وضعیت خاص را تجزیه و تحلیل میکند و در می‌یابد که چه رفتارهایی شایسته و مناسب آن وضع است. زمانی که این نوع موقعیتهای پیش می‌آید مکانیسم درونی نظارت اجتماعی ما ممکن است برای مدتی دچار اختلال و آشفتگی شود و نتوانیم به موقع و به درستی تصمیم بگیریم.

نقش پایگاه و نظارت اجتماعی

همچنان که تضاد هنجارها ممکن است موجب شود که فرد نظام نظارت اجتماعی درونی خود را از دست بدهد تضاد نقشها و پایگاه‌ها در موقعیت‌های مختلف نیز ممکن است موجب تضعیف برخی از نظارتها شود. در هر جامعه به ویژه در جوامع صنعتی، طبیعتاً هر فردی چندین پایگاه اجتماعی دارد که متناظر با سلسله نقش‌هایی است که با یکدیگر در ستیزند؛ مثلاً فرد ممکن است پدر و در عین حال شوهر معلم، سرپرست پیشاهنگی و فرزند نیز باشد هر یک از این پایگاهها با ایفای نقش معینی ملازمت دارد چنانچه نقشی که فرد ایفا میکند نامناسب باشد، مکانیسم نظارت اجتماعی وارد عمل میشوند و از اجرای این نقش جلوگیری میکنند برای اینکه از چنین وضعیتی تنش‌زایی اجتناب شود بهتر است انسان پایگاه‌های مختلف خود را از یکدیگر مجزا کند و بدین سان نقش‌های خود را به صورت انتخابی به نحوی ایفا کند که با شبکه خاص موقعیت‌های اجتماعی معین متناسب باشد.

ضمانت اجرا

هر جامعه نوعی نظام پاداش و مجازات را تعبیه کرده است تا بتواند اعضا را وادار کند که خود را با هنجارهای موجود تطبیق دهند پاداش یا تضمین مثبت پاسخهایی است که به فرد وقتی خود را با موازین انطباق میدهد داده میشود. پاسخهای منفی تنبیه‌هایی است که هر فرد وقتی در انطباق با موازین شکست می‌خورد بر او اعمال میشود پاداشها و مجازاتها طیف وسیعی از پاسخهای رسمی (تشریفاتی و غیر رسمی را در بر میگیرد و نظارت اجتماعی را امکان پذیر می‌سازد. بسیاری از جامعه شناسان بر این باورند که پاداش و مجازات‌های غیر رسمی غالباً از تضمین‌های رسمی مؤثرتر است و مطمئناً خیلی بیشتر به کار می‌رود.

مکانیسم‌های رسمی و غیر رسمی نظارت اجتماعی

افزون بر آنچه درباره نظارت درونی در بخش قبل مورد بحث قرار گرفت نظارت اجتماعی ممکن است از طریق عوامل بیرونی نیز اعمال گردد که خود ممکن است. صورت رسمی یا غیر رسمی داشته باشد.

نظارت اجتماعی غیر رسمی غالباً در گروه‌های نخستین آشکار می‌شود و در حقیقت یکی از کارکردهای گروه‌های نخستین است. منظور از گروه‌های نخستین خانواده گروه همسالان گروه‌های همکار یا گروه‌های اجتماعی کوچک دیگر است. در

بسیاری موارد ما مسئولیت نظارت بر دیگران را بر عهده میگیریم؛ زیرا در خصوص آن فرد بخصوص نقش معینی را ایفا میکنیم. طیف وسیعی از مکانیسمهای غیر رسمی نیز برای نظارت اجتماعی در دسترس ماست؛ از آن جمله است تمسخر خندیدن زخم زبان زدن شایعه پراکنی طرد و غیره از آنجا که فرد شدیداً تمایل دارد مورد قبول گروه واقع شود بیم از طرد شدن توسط گروه، یکی از مؤثرترین عوامل نظارت اجتماعی به شمار می رود.

اصلاح اجتماعی و نظارت اجتماعی

زمانی که پیشنهاد اصلاح اجتماعی که همراه با نظارت اجتماعی است مطرح می شود، مسلماً بعضی از اعضای جامعه با چنین اصلاحاتی مخالفت خواهند کرد. از آنجا که در برخی از موقعیتهای لازم است که فرد رفتار خود را تغییر دهد تا با اصلاحات اجتماعی سازگار شود ابزار جدیدی برای نظارت اجتماعی وارد جریان می شود که هر فرد باید به آن توجه داشته باشد غالب اوقات در برابر اصلاحات پیشنهادی مقاومت میشود؛ زیرا افراد از آن بیم دارند که پایگاه خود را از دست بدهند و به این دلیل افراد علاقه مندند که به همان شیوه سابق که بدان عادت کرده اند به زندگی ادامه دهند. از آنجا که اعمال نظارت اجتماعی جدید جزو شرایط هر اصلاح و دگرگونی اجتماعی است میتوان پیش بینی کرد که هر گاه دگرگونی صورت بگیرد برنامه ریزی آن ممکن است طولانی شود و حمایت ابتدایی محدودی را جلب کند.

فصل دوازدهم : رفتار انحرافی

تعریف

انحراف هر گونه رفتاری است که با انتظارات جامعه یا یکی از گروههای مشخص درون جامعه منطبق و سازگار نباشد. انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ میدهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نمی کند. ما معمولاً انحراف را به رفتاری که جنبه منفی دارد مانند بزهکاری یا ناراحتی روانی اطلاق میکنیم اما رفتارهای فردی هم که قدم فراتر از معیارهای جامعه میگذارد به عنوان انحراف محسوب میشود.

رفتار انحرافی و عمل منحرف با توجه به هنجارهای موجود در فرهنگ تعریف میشود رفتار و عملی که ممکن است در یک موقعیت خاص قابل قبول باشد در زمان و مکان دیگری ناروا و غیر قابل قبول باشد؛ برای مثال افسر پلیسی که به یک قاتل فراری تیراندازی میکند و سرانجام و برای دفاع از خود او را میکشد ممکن است به دلیل شجاعتش مدال لیاقت با افتخار بگیرد در مقابل فرد جنایتکاری که در وقت دزدی به شخصی تیراندازی میکند و او را بی دلیل میکشد در معرض شدیدترین مجازاتهایی که در قانون پیش بینی شده است قرار میگیرد. هر دوی این اعمال انحراف محسوب میشود؛ زیرا هر دوی آنها با هنجارها مغایرت دارد.

انحرافات نخستین در پاره ای از موارد فرد به اعمال انحرافی دست میزند اما این انحراف ممکن است گذرا و تصادفی باشد به این نوع حالات خاص، انحرافات نخستین یا ابتدایی میگویند فرد وقتی از لحاظ اجتماعی مورد تأیید قرار میگیرد که سبک و شیوه زندگی اش تحت تسلط الگوی انحرافی قرار نگرفته باشد. چنین شخصی، مسلماً خویشترن را یک فرد منحرف نخواهد دانست.

مثال

شخصی که بر حسب تصادف یک بار حساب مالیاتی خود را دستکاری میکند یا در رانندگی بیش از حد مجاز سرعت میگیرد از مواد مخدر یا الکل استفاده میکند یا دزدی کوچکی میکند به یک انحراف ابتدایی دچار شده است.

انحرافات ثانوی در مرحله بعدی یا مرحله اصلی انحراف فرد به طور مشخص رفتار انحرافی از خود نشان میدهد و از دید عموم مردم فرد منحرفی محسوب می شود. جامعه به چنین اشخاصی به چشم فرد غیر قابل قبول و ناهنجار نگاه می کند.

انحرافات فردی

وقتی فردی به تنهایی از هنجارهای خرده فرهنگ خود منحرف میشود و در واقع این گونه هنجارها را مطرود میداند چنین فردی دچار انحرافات فردی می شود.

انحرافات گروهی

گروهی از افراد که به صورت دسته جمعی برخلاف هنجارهای مورد قبول جامعه عمل می کنند عمل آنها انحراف گروهی نامیده میشود تعداد زیادی از انحرافات گروهی در داخل خرده فرهنگ منحرف جامعه رخ میدهد - این موضوع در بخش ۱۲۸ همین فصل بحث شده است. لازم است تأکید شود که در چنین موقعیتی فرد در واقع منطبق با هنجارهای خرده فرهنگ عمل میکند و این خرده فرهنگ است که هنجارهای جامعه را طرد کرده است میتوان گفت که تعیین یک خط فاصل قابل قبول از لحاظ اجتماعی و قانونی بین مسئولیت های فردی و مسئولیت های گروهی کار بسیار دشواری است.

تبیین زیست شناختی انحراف تبیین جسمانی

برخی از جامعه شناسان عوامل زیست شناختی را علت ارتکاب جرم می دانند. آنان معتقدند که انحراف به طور مثبت با عوامل زیست شناختی مانند نقص جسمانی و الگوهای کروموزومی در ارتباط است. توجیهات زیست شناختی انحراف شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است و صاحب نظران چندان آن را تأیید نمیکنند.

سزار لومبرزو یکی از جرم شناسان ایتالیایی قرن نوزدهم میلادی است. او در بین آن دسته از دانشمندانی که سعی داشتند رفتار انحرافی را بر اساس وضعیت جسمانی تبیین کنند پیشگام محسوب میشود لو مبرز و در نوشته های خود می نویسد که فرد مجرم از نظر جسمانی از فرد طبیعی عقب مانده تر است و ممکن است از نظر جسمانی بیش از آنکه به معاصرینش شبیه باشد به اجداد ماقبل تاریخ شباهت داشته باشد. چارلز گورینگ یکی از دانشجویان لومبرزو که پس از مرگ وی کارهای او را دنبال کرده دریافت که هیچگونه تفاوت جسمانی مهمی میان افراد مجرم و جانی و افراد دیگر وجود ندارد.

ویلیام شلدون، یکی از انسان شناسان جسمانی آمریکا، سه نوع جسمانی اساسی را از یکدیگر تمیز داده است: اندومرف (چاقو خپل)، مزومرف (عضلانی و ورزشکار) و اکتومرف (لاغر، استخوانی و ضربه پذیر).

شلدون سعی کرده است بین شخصیت و رفتار فرد با وضع جسمانی او همبستگی برقرار کند. او از پژوهش خود چنین نتیجه می گیرد که نوع مزومرف بیشتر به شخصیت جانی شبیه است؛ زیرا این نوع مزومرف شخصیتی پارانرژی، تحریک پذیر و

عصبی است، برعکس اندومرف بیشتر رفتاری دوستانه و مهربان دارد و راحت طلب است و حال آنکه اکتومرف احساسی و تا حدی کناره گیرند.

تبیین های روان شناختی انحراف

بسیاری از روان شناسان انحراف را بر اساس نقص شخصیت تبیین میکنند؛ بدین معنی که برخی از انواع شخصیت گرایش بیشتری به انحراف اجتماعی دارد. زیگموند فروید من را به سه بخش نهاد خود و فراخود تقسیم کرده است. بنا بر این تقسیم نهاد عبارت است از بخش ناخودآگاه غریزی و غیر اجتماعی خود. خود بخش آگاه و معقول من را تشکیل میدهد به این بخش دروازه بان شخصیت نیز اطلاق میشود؛ زیرا میانجی میان رابطه متقابل نهاد و فراخود است. فراخود به بخشی از من اطلاق میشود که ارزشهای فرهنگی را جذب و به عنوان خودآگاه وجدان عمل میکند کسانی که به مکتب روانکاوی وابسته اند، معتقدند که رفتار انحرافی زمانی پیش می آید که نهاد فعال و غیر قابل کنترل با فراخود کمتر فعال ترکیب میشود و در همان حال خود سهل انگار میشود و در هدایت رفتار فرد نقشی را ایفا نمی کند.

تبیین رفتار انحرافی از دید جامعه شناسی

جامعه شناسان برای تبیین عوامل مؤثر بر رفتار انحرافی بر حسب اجتماعی شدن نارسا شیوه های مختلفی را برگزیده اند. بر حسب یکی از این شیوه ها، افرادی که به صورت صحیحی اجتماعی نشده اند هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود جایگزین نمی کنند و بدین سان قادر نیستند بین رفتار فرهنگی مناسب و نامناسب تمایز قائل شوند. شیوه دومی که به کار گرفته شده این است که باید نخست معلوم شود فرد منحرف چگونه رفتار انحرافی را آموخته است. جامعه شناسان معتقدند که بسیاری از صور کج روی از یک فرد به فرد دیگر منتقل میشود و این فرایند آموزشی متضمن همان مکانیسمهایی است که در هر وضعیت آموزشی دیگر با آن روبه رو هستیم. سومین شیوه برخورد با موضوع انحراف تبیین نتیجه نارسایی های موجود بین فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه است. هر جامعه نه فقط از لحاظ فرهنگی دارای هدفهای مجاز و معینی است بلکه افزون بر آن به لحاظ اجتماعی نیز دارای ابزارهای تأیید شده ای برای رسیدن به آن اهداف است. هرگاه فرد به این وسایل دست پیدا نکند احتمال بروز رفتار انحرافی و کج روی برای او وجود خواهد داشت.

تأثیر معاشرت های مختلف. این نظریه را یکی از جامعه شناسان به نام ادوین ساترلند ارائه داده است و شبیه شیوه دومی است که ذکر شد. ساترلند میگوید برای آنکه شخصی جنایتکار شود باید نخست بیاموزد که چگونه میتوان جنایت کرد. او این فرضیه را تا آنجا پیش میبرد که میگوید این آموزش حاصل کنش و واکنش با افراد دیگر است. غالباً افراد هم با افراد و گروههای منحرف و هم با افراد و گروههای غیر منحرف برخورد میکنند ساترلند کنش متقابل میان این گروهها را بر حسب فراوانی اولویت و دوام شدت ارتباط با یکدیگر مورد سنجش قرار داده است. هر قدر سطح هر یک از این چهار متغیر چه در خصوص گروه منحرف و چه در خصوص گروه غیر منحرف بالاتر باشد به همان میزان احتمال بروز رفتار مشابه آن بیشتر است.

بی هنجاری (آنومی). امیل دورکیم مفهوم بی هنجاری را وارد جامعه شناسی کرد بی هنجاری را میتوان وضعیتی دانست که در جامعه هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی ریشه عمل میکند. این حالت هنجاری رخ می دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است. رابرت کی مرتن کوشید تا بین بی هنجاری و انحرافات اجتماعی، رابطه برقرار کند. ۱ به نظر او افراد در طی فرایند اجتماعی شدن می آموزند که چگونه اهداف فرهنگی مهم را بشناسند و در همان حال وسایلی را که از نظر فرهنگی پذیرفته شده و مورد تأیید است برای رسیدن به آن اهداف برگزینند. هنجاری که امکان دستیابی به آن اهداف وجود نداشته باشد افراد به دنبال راههای دیگری برای دستیابی به آن اهداف میگردند این راهها ممکن است رفتار انحرافی باشد. مرتن چهار نوع رفتار انحرافی را که به هنگام تحقق شرط مذکور رخ میدهد ذکر کرده است که عبارت اند از نوآوری، رسم پرستی، انزواجویی و طغیان.

نوآوری هنجاری رخ می دهد که فرد اهداف فرهنگی را می پذیرد، اما وسایل اجتماعی مورد قبول را برای دستیابی به آن اهداف نمی پذیرد.

برچسب انحراف

تقریباً از هر فرد و در هر لحظه از زندگی او ممکن است رفتار انحرافی سر زده باشد. بعضی از جامعه شناسان هنجاری که سرنوشت کسانی را که به عنوان منحرف بازداشت شده بودند مورد ملاحظه قرار دادند با این پرسش مواجه شدند که آیا مهمترین عامل دستگیری فرد واقعاً رفتار انحرافی او بوده است یا خیر. آینده شخصی که به دام افتاده است و مردم برچسب منحرف به او می زنند ممکن است به شکل بارزی تغییر کند همین که فرد یک بار بازداشت شد ممکن است به شخص برچسب هایی مانند «آشغال»، «مرموز»، «خل»، «کله پوک»، «دله دزد» و غیره زده شود. برخوردی که دیگران با آن شخص دارند بر حسب برچسبی است که به او زده شده است و خود برچسب اهمیت و اعتبارش بیش از هر منزلت دیگری است که فرد به دست آورده است شخصی که خود را با برچسبی که به او زده شده میبیند ممکن است به همان ترتیب و مطابق با همان برچسب رفتار کند. همین که فرد خود را فردی منحرف شناخت و به عنوان یک منحرف با او رفتار شد از نظر اجتماعی و فردی از جامعه خود دوری میکند و تنها به کسانی می پیوندد که مشابه خودش برچسب خورده اند. در اینجا برچسب انحراف خود یک کیش خودمدار خواهد شد. افراد طبقات بالاتر اجتماعی اقتصادی در مقایسه با افراد طبقات پایین کمتر امکان دارد برچسب منحرف بخورند.

خرده فرهنگ منحرف

بخش مهمی از رفتارهای انحرافی معمولاً در چهارچوب گروه منحرف انجام میگردد غالباً کسانی که در یک انحراف خاص شریک اند برای دو هدف گرد هم جمع میشوند یکی حمایت متقابل و دیگری فراهم کردن جوی که در آن بتوانند رفتار انحرافی خود را بروز دهند. خرده فرهنگ منحرف به شیوه رفتار ارزشهای غالب و تفاهم متقابلی اطلاق می شود که بین اعضای یک جماعت مشترک است اما جامعه رسمی آنها را نمی پذیرد. خرده فرهنگ منحرف شبکه جداگانه ای از بقیه جامعه را تشکیل می دهد؛ زیرا آنان به شبکه خاصی از هنجارها پیوسته اند و نوع لباس ارزشها، زبان و اصطلاحات خاص خود را دارند بسیاری از اشخاصی

که از سوی جامعه رسمی طرد میشوند در جستجوی مصاحبت و پیوستن به خرده فرهنگ منحرف اند تا شاید در آنجا جایگاه منزلت رفاه و پذیرش مطلوب خود را پیدا کنند. همین که وارد خرده فرهنگ منحرف شدند از نو فرایند اجتماعی شدن را طی میکنند تا رموز رفتاری پذیرفته آن را فرا گیرند و نقش ویژه خود را در آن خرده فرهنگ باز یابند.

میزان و حجم انحراف

آمارهای رسمی معرفهای درستی برای سطح واقعی انحرافات در وضع حاضر نیست و تعداد واقعی کسانی را که به اعمال انحرافی دست میزنند مشخص نمیکند به دلیل پراکندگی تعاریف رفتار انحرافی که از یک رویه قضایی به رویه قضایی دیگر متفاوت است و انواع مختلف شیوه های اجرای مقرراتی که برای کنترل برخی از انواع خاص انحراف وجود دارد تعیین دقیق میزان و حجم انحرافات کار دشواری است.

فصل سیزدهم

طبقات اجتماعی

۱-۱۳ تعریف

طبقه اجتماعی به بخشی از جامعه اطلاق میشود که به لحاظ داشتن ارزشهای مشترک منزلت اجتماعی معین فعالیتهای دسته جمعی، میزان ثروت و دیگر داراییهای شخصی و نیز آداب معاشرت با دیگر بخشهای همان جامعه متفاوت باشد.

مثال ۱

در جوامع مختلف طبقات اجتماعی اشکال گوناگون دارند؛ مثلاً در هندوستان جامعه به چند کاست مختلف در اکثر کشورهای جهان سوم به طبقات بالا، متوسط و پایین و در کشورهای صنعتی به طبقه پایین طبقه کارگر طبقه متوسط و طبقه بالا تقسیم میشوند.

۲-۱۳ شاخصهای تعیین طبقه اجتماعی

در جوامع صنعتی پیشرفته سه شاخص اصلی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار می روند که عبارت اند از درآمد شغل و میزان تحصیلات علاوه بر این شاخصهای عمده متغیرهای مهم دیگری مانند نژاد، مذهب ملیت، جنس، محل سکونت پیشینه خانوادگی و نیز به طور کلی ویژگیهای فرهنگی، جزو شاخصهای طبقه اجتماعی به شمار میروند.

۱۳۳ قشربندی اجتماعی

نظام قشربندی افراد را با توجه به امتیازاتشان رتبه بندی میکند و آنان را در آن طبقه اجتماعی که با این امتیازات متناسب است جای میدهد. امتیازات اجتماعی را فرهنگ و جامعه تعیین میکند.

مثال ۳

در جوامع جدید مزیتهای اجتماعی عبارت اند از تحصیلات عالی درآمد بالا ثروت کلان و داشتن شغلی که از منزلت بالایی برخوردار باشد، اما ممکن است در فرهنگهای دیگر تعدد زوجات با داشتن تعداد بیشتر دام مزیت اجتماعی به شمار آید.

۴-۱۳ پایگاه اجتماعی

چنان که در فصل چهارم خاطرنشان شد پایگاه به موقعیت اجتماعی یا مرتبه اجتماعی فرد در یک گروه در مقایسه با گروه دیگر اطلاق میشود.

۱۳-۵ روشهای مطالعه قشریندی

برای مطالعه ساختار طبقاتی جامعه از سه روش عمده استفاده می شود. این روشها عبارت اند از روش اشتھاری ذهنی و عینی.

روش اشتھاری. جامعه شناس در این روش از افراد میپرسد که افراد دیگر را در کدام طبقه اجتماعی میتوان قرار داد در اجتماعات کوچک که بیشتر اعضای آن یکدیگر را می شناسند، روش اشتھاری وسیله مؤثری به شمار می رود. اما این روش برای مطالعه قشریندی اجتماعی در یک منطقه شهری که مردم معمولاً از اعضای دیگر اجتماعشان شناخت کافی ندارند کاربرد ندارد.

روش ذهنی. در روش ذهنی فرد طبقه اجتماعی خود را تعیین میکند. در این روش از افراد میخواهند که خود را در آن طبقه اجتماعی که به گمان آنان متعلق به آن اند، قرار دهند در کاربرد این روش فهرست طبقاتی که در اختیار پاسخگو قرار میگیرد نقش مهمی را ایفا میکند. روش ذهنی بخصوص هنگامی که از جمعیتهای وسیع و ناهمگون نظر خواهی میشود نتایج دقیق تری به دست می دهد.

مثال ۵

هنگامی که از یک آمریکایی پرسیده شود که جزو کدام یک از سه طبقه پایین متوسط یا بالاست اکثراً خود را جزو طبقه متوسط می شمارند. بر این اساس چنین استنباط میشود که اکثر مردم آمریکا به طبقه متوسط تعلق دارند، اما اگر در پرسشها طبقه کارگر را به سه طبقه یاد شده اضافه کنیم از آنجا که بخش وسیعی از جمعیت ایالات متحد را کارگران تشکیل میدهند، نتیجه بسیار متفاوت خواهد بود.

روش عینی. پژوهشگر، با به کارگیری این روش نسبتاً اختیاری، ملاکهای عضویت در طبقه اجتماعی و تعداد طبقاتی که جامعه به آنها تقسیم شده است را تعیین میکند. افراد بر حسب ملاکهای تعیین شده سنجیده میشوند و سپس در طبقه اجتماعی متناسب با ملاکهای مذکور جای میگیرند.

۱۳۶ نمادهای منزلتی

نمادهای منزلتی، از جمله داشتن اتومبیلهای گران قیمت جواهرات و املاک را ثروتمندان، مدتها برای کسب تشخیص و تضمین جدایی آنها از دیگر طبقات اجتماعی به کار میبرده اند اما به دلایل گوناگون نمادهای منزلتی اهمیت و اعتبار خود را به تدریج از دست داده اند. گسترش اعتبارات وسیع مالی، تولید انبوه کالاها و خدمات و افزایش مداوم دستمزدها، موجب افزایش قدرت خرید گردیده و این امکان را برای بیشتر خانواده های طبقه متوسط فراهم آورده است تا از اتومبیل، اوقات فراغت، تعطیلات، تفریح و خانه شخصی - که تا مدتی فقط در اختیار افراد بسیار ثروتمند بود - بهره مند شوند. به علاوه تغییر در ارزشهای اجتماعی علاقه مردم را به بسیاری از این نمادهای منزلتی کاهش داده است؛ برای مثال زمانی که بنزین کمیاب

یاگران میشود بسیاری از مردم از خریدن اتومبیل‌های بزرگ منصرف می‌شوند با هنگامی که لباس خز از حیوانی به دست می‌آید که نسل آن در شرف نابودی است، پوشیدن آن از رواج می‌افتد.

طبقه در برابر کاست

کاست به یک نظام خشک قشربندی اجتماعی اطلاق می‌شود که اعضای آن نمی‌توانند آزادانه از یک کاست به کاست دیگر انتقال یابند کسی که در یک کاست خاص متولد میشود باید سرتاسر عمرش را در آن کاست باقی بماند. چون زناشویی با افراد خارج از کاست ممنوع است برای شخص هیچ امکانی وجود ندارد که از کاست خود به کاست دیگر انتقال یابد نظام طبقاتی در مقایسه با نظام کاستی این تفاوت را دارد که نظام طبقاتی «باز» است؛ زیرا در این نظام حکومت مذهب یا فرهنگ تحرک از یک طبقه به طبقه دیگر را محدود نکرده است. در نظام طبقاتی، تحرک صعودی از طریق تلاش بیشتر به طور اتفاقی یا با ازدواج با عضو طبقات بالاتر امکان پذیر است، اما این گونه تحرک اجتماعی در نظام کاستی امکان پذیر نیست.

کمیابی، تقسیم کار و طبقه اجتماعی

ثروت منزلت و قدرت مزایای نادری است که مانند کالاهای کمیاب به طور یکسان در میان اعضای جامعه تقسیم نمی‌شود در نظام قشربندی اجتماعی موقعیت اجتماعی اشخاصی که از این مزایا برخوردارند بالاتر از موقعیت اشخاصی است که فاقد این مزایا هستند. همچنین افرادی که مشاغل مهمی در تقسیم کار اجتماعی دارند جایگاه بالاتری را در نظام قشربندی اشغال میکنند.

سبک زندگی و ارتباط آن با طبقه اجتماعی

هر طبقه اجتماعی مجموعه‌ای از باورها و وجهه‌نظری‌های مقبول خود را دارد. باورها و وجهه‌نظری‌های طبقه اجتماعی شیوه زندگی طبقه را تعیین میکند.

طبقه اجتماعی که فرد در آن متولد میشود در سرتاسر زندگی بر طول عمر بهداشت روانی تحصیلات شغل رفتار سیاسی استواری زناشویی وابستگی‌های مذهبی تشریک مساعی و گرایشهای فرد تأثیر عمیقی دارد.

امید زندگی. به طور کلی ثابت شده است که هر قدر پایگاه اجتماعی فرد بالاتر باشد. امید زندگی او بیشتر است همچنین میزان مرگ و میر اطفال در طبقات پایین بیش از میزان آن در طبقات متوسط و بالاست.

بهداشت روانی. بهداشت روانی با عضویت در طبقه اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. هر قدر که طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد احتمال اختلال روانی در او کمتر است. درمان اختلال روانی نیز با طبقه اجتماعی ارتباط دارد. بیماران روانی طبقه پایین اغلب به بیمارستانهای دولتی مراجعه میکنند. برعکس، بیماران روانی طبقه بالا را معمولاً روانکاو و روان شناس و بیمارستانهای خصوصی و مجهز درمان می‌کنند.

آموزش و پرورش. سطح تحصیلات فرد نیز به طبقه اجتماعی او بستگی دارد. هر قدر طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد سطح تحصیلات او نیز بالاتر است.

شغل. اعضای طبقه پایین اجتماعی معمولاً به کارهای یدی اشتغال دارند و فاقد مهارت یا نیمه ماهرند. اعضای طبقه متوسط و بالا عموماً به مشاغل حرفه ای مدیریت و مصادر دولتی مشغول اند.

رفتار سیاسی. طبقه اجتماعی ظاهراً مهمترین شاخص تعیین کننده گرایشها و رفتار سیاسی افراد است. در جوامع صنعتی پیشرفته به ویژه آمریکا، اعضای طبقه پایین بیشتر از لحاظ اقتصادی گرایشهای لیبرالیستی دارند و به حزب دموکرات رأی میدهند. اعضای طبقه بالا از لحاظ اقتصادی تمایلات محافظه کارانه دارند و به حزب جمهوریخواه رأی میدهند. همچنین میان طبقه اجتماعی و میزان مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه ارتباط وجود دارد. معمولاً هر قدر که طبقه اجتماعی فرد پایین تر باشد کمتر در رأی گیری شرکت میکند. استواری زناشویی بر اساس پژوهشهای به عمل آمده استواری زناشویی با طبقه اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد هر قدر که طبقه اجتماعی پایین تر باشد کمتر در رأی گیری شرکت می کند.

استواری زناشویی. بر اساس پژوهش های به عمل آمده، استواری زناشویی با طبقه اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد، هر قدر که طبقه اجتماعی پایین تر باشد، احتمال گسیختن پیوند زناشویی، بیشتر خواهد بود.

وابستگی مذهبی. میان طبقه اجتماعی و علایق مذهبی اعضای هر طبقه ارتباط نزدیکی وجود دارد. اعضای طبقه بالا بیشتر به دنبال سمت رهبری هستند و به جنبه های ذوقی مذهب علاقه مندند میزان مشارکت در فعالیتهای مذهبی محدود است و بیشتر جنبه تشریفاتی دارد امور مذهبی را معمولاً اعضای طبقه متوسط اداره میکنند واکنش اعضای طبقات پایین جامعه به مذهب بیشتر عاطفی است؛ از این رو غالباً اعضای این طبقه به فرقه های بنیادگرا و طالب تجدید حیات جذب می شوند. **همکاری اجتماعی.** به طور کلی هر اندازه فرد متعلق به طبقه اجتماعی بالاتری باشد احتمال اینکه آن شخص با دیگران بجوشد و در فعالیتهای اجتماعی شرکت جوید بیشتر است؛ برای مثال عضویت و فعالیت اعضای طبقه پایین در باشگاهها گروههای اجتماعی انجمن خانه و مدرسه و در سازمانهای سیاسی از اعضای طبقات متوسط و بالا کمتر است.

وجه نظر. شاید مهمترین تفاوت میان وجهه نظرهای طبقات پایین و طبقات متوسط و بالا در این است که طبقات پایین برآوردن فوری نیازهایشان را بر بهره مندی از پاداشهای بزرگتر و طولانی تر آینده ترجیح می دهند. دیدگاه اعضای طبقه پایین در همه موارد جز در موارد اقتصادی بیشتر محافظه کارانه است، در حالی که دیدگاه اعضای طبقات متوسط و بالا غالباً لیبرالیستی است.

۱۱-۱۳ فرصتهای زندگی

فرصتهای زندگی به امکانات گوناگونی اطلاق میشود که شخص در زندگی در اختیار دارد تا از طریق آنها به اهداف خود دست یابد در این زمینه میتوان امکان دستیابی به تحصیلات دانشگاهی مجال برای یک زندگی بی دغدغه و طولانی امکان دستیابی به یک حرفه و فرصت برای یک ازدواج موفق را نام برد. این فرصتها میان افراد جامعه به طور یکسان توزیع نشده است و به شدت به طبقه اجتماعی فرد بستگی دارد.

۱۲-۱۳ نظریه های کارکردی و نظریه مخالف آن درباره قشربندی اجتماعی

کارکردگرایان اعتقاد دارند که علت وجودی قشربندی اجتماعی این است که نیارهای جامعه به نحو بهتری برآورده شود. به گمان آنان پادشاهی از قبیل درآمد قدرت و پایگاه اجتماعی، باید به طور نامساوی در میان اعضای جامعه توزیع شود تا مهم ترین موقعیتهای نصیب شایسته ترین افراد موجود در جامعه گردد. نظریه پردازان کشمکش برعکس اعتقاد دارند که پادشاهی باید به طور یکسان در میان اعضای جامعه توزیع شود. به نظر آنان نابرابری نتیجه کارکرد سالم جامعه نیست، بلکه صرفاً ناشی از بهره کشی ثروتمندان از فقر است. نظریه پردازان کشمکش، معتقدند که بقای جامعه منوط به توزیع ناعادلانه پادشاهی نیست.

۱۳-۱۳ کارل مارکس و طبقه اجتماعی

کارل مارکس، نویسنده مانیفست کمونیست و سرمایه کشمکش میان طبقات اجتماعی را اصل اجتناب ناپذیر می دانست وی اعتقاد داشت که موقعیت طبقه اجتماعی فرد به روابط او با ابزار تولید بستگی دارد. به این ترتیب صاحبان منابع طبیعی و کارخانه ها موقعیتهای طبقه بالا را در جامعه اشغال می کنند. مارکس جامعه را به دو طبقه اساسی صاحبان وسایل تولید (بورژوازی و کارگران (پرولتاریا) تقسیم کرد. وی اعتقاد داشت که طبقه بورژوا زمام حکومت کلیسا، نهادهای آموزشی و اقتصادی را در اختیار دارد. مارکس پیش بینی کرد که روزی طبقه کارگر به عنوان طبقه ای که به وسیله بورژوازی استثمار می شود، آگاه خواهد شد، دست به انقلاب خواهد زد، حاکمیت طبقه بورژوا را فرو خواهد داشت، حکومت طبقه پرولتاریا را به جای آن خواهد نشاند و راه را برای برقراری جامعه بی طبقه هموار خواهد کرد.

۱۴-۱۳ ماکس وبر و طبقه اجتماعی

تعریف مارکس از طبقه اجتماعی صرفاً مبتنی بر ملاک اقتصادی بود، در حالی که ماکس وبر برای تعیین طبقه چندین بعد را در نظر گرفته است. به عقیده و بر طبقه بر سه عنصر قدرت ثروت و منزلت مبتنی است. شخص ممکن است بر حسب یک متغیر در رتبه بالا و بر حسب متغیر دیگر در رتبه پایین قرار گیرد. مزیت نگرش و بر نگرش مارکس این است که نگرش و بر به ما این اجازه را می دهد که به هنگام تعیین طبقه متغیرهایی غیر از پایگاه اقتصادی را برای تعیین طبقه مورد توجه قرار دهیم.

۱۵-۱۳ قوم مداری طبقاتی

از آنجا که اعضای هر طبقه اجتماعی اعضای طبقات اجتماعی دیگر را پایین تر از خود می پندارد به نحوی دستخوش قوم مداری میشوند.

فصل چهاردهم

تحرك اجتماعی

۱-۱۴ تعريف

اصطلاح تحرک اجتماعی به جابه جایی افراد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر اطلاق میشود افراد ممکن است که از لحاظ طبقه اجتماعی به سمت بالا تحرک داشته باشند یا به سمت پایین یا در همان سطح باقی بمانند، ولی شغل دیگری اختیار کنند.

۲-۱۴ چرا تحرک اجتماعی را مورد مطالعه قرار میدهیم؟

جامعه شناسان چگونگی نقش عوامل اجتماعی را در تحرک اجتماعی گروهها با افراد مطالعه میکنند. به علاوه جامعه شناسان میزان تحرک اجتماعی را در جوامع گوناگون می سنجند.

۳-۱۴ انواع تحرک اجتماعی

جامعه شناسان چهار نوع تحرک را مشخص کرده اند:

تحرک عمودی که عبارت است از تغییر پایگاه فرد هنگامی که از یک طبقه اجتماعی به طبقه اجتماعی دیگر انتقال می یابد فرد در تحرک عمودی یا در نردبان اجتماعی سیر صعودی را می پیماید و پایگاه اجتماعی اش ارتقا می یابد یا سیر نزولی را طی میکند و پایگاهش تنزل می یابد.

تحرک میانسالی نوعی تحرک اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می دهد.

تحرک درون نسلی. عبارت است از تغییر یا تغییراتی که در پایگاه اجتماعی یک فرد یا گروه در همان نسل رخ می دهد.

۴-۱۴ جوامع باز و جوامع بسته

همه جوامع دارای نظامی از قشربندی اجتماعی اند در جامعه باز ممکن است نابرابریهای خاصی وجود داشته باشد اما افراد آن از فرصتهای اجتماعی مناسبی برای صعود به طبقه اجتماعی بالاتر برخوردار باشند. لازم به تذکر است که جامعه باز واقعی جامعه نمونه آرمانی است و تنها در نظریه ها میتوان آن را یافت. در نظام اجتماعی باز افراد اگر لیاقت و پشتکار داشته باشند میتوانند به پایگاههای اجتماعی بالایی دست یابند. در جامعه ای که کاملاً بسته است پایگاه اجتماعی شخص در بدو تولد تعیین می شود و بدون تحرک به بالا یا پایین در همان پایگاه اجتماعی تا پایان عمر ثابت می ماند. چنان که در فصل چهارم ذکر شد. این نوع پایگاه پایگاه محول نامیده می شود.

ساخت باز و بسته در مناطق شهری و روستایی

جامعه شناسان دریافته اند که جوامع ما قبل صنعتی یا کشاورزی، عمدتاً از نوع جوامع بسته اند. معمولاً افرادی که در جوامع روستایی زندگی میکنند، در سراسر زندگی شان یک پایگاه اجتماعی ثابت دارند. در جامعه روستایی، پایگاه فرد از بدو تولد، از نوع پایگاه محول است در این گونه جوامع پیشینه خانوادگی فرد مهم ترین عامل در تعیین پایگاه اجتماعی وی به شمار میرود از طرف دیگر افرادی که در مناطق شهری و صنعتی زندگی میکنند از امکانات جامعه باز برخوردارند و میدان عمل وسیع تری برای کسب موفقیت و ارتقا به پایگاه بالاتر دارند.

مثال ۷

در بسیاری از موارد برای اینکه یک مزرعه بازده خوبی داشته باشد هر یک از اعضای یک خانواده بزرگ کشاورز باید تلاش خود را صرف وظیفه ای کند که به او محول شده است. در چنین موردی فرد در قبال خانواده متعهد است که در مزرعه بماند و به کار بدنی اشتغال ورزد. این محدودیتهای اجتماعی به فرد اجازه نمی دهد که پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهد. حال آنکه افرادی که در شهر سکونت دارند. فرصت بسیار بیشتری برای دستیابی به تحرک عمودی دارند. آنان به جای اینکه به یک شغل خاصی پیوند خورده باشند میتوانند آزادانه و بدون محدودیتهایی از قبیل تعهدات و مسئولیتهای خانوادگی به چند پیشه گوناگون اشتغال ورزند.

۱۴-۶ تغییرات در بازار کار و تأثیر آن بر تحرک اجتماعی

به تدریج که جوامع از حالت کشاورزی به سوی صنعتی شدن تحول می یابند نسبت مردمی که باید در طبقات پایین اقتصادی و اجتماعی کارهای پست را انجام دهند، کاهش می یابد. اشتغال در جوامع صنعتی عمدتاً مبتنی بر مهارتهای تخصصی است که از طریق تحصیلات یا کارآموزی میسر است. کارهای پست در جامعه صنعتی پاداش چندانی ندارد؛ زیرا سطح مهارت لازم برای انجام این کارها نسبتاً پایین است. به علاوه، هنگامی که صنعتی شدن اوج می گیرد. این کارهای سطح پایین در بسیاری از موارد سرانجام به وسیله ماشین صورت می گیرد. بنابراین، بسیاری از افراد فرصت یافته اند که یا به مشاغلی روی آورند که به تخصص نیاز دارد یا به کارهای حرفه ای با مدیریت بپردازند.

۱۴-۷ جامعه شهری و پایگاه محقق

در جامعه صنعتی شهری پایگاه محقق برای بخش اعظم، جمعیت بسیار مهم تر ای پایگاه محول است؛ زیرا جامعه صنعتی برای مهارتهای تخصصی که برای تحصیلات و دوره های کارآموزی طولانی نیاز دارد ارزش بسیاری قائل است.

مثال ۸

شخص برای ورود به پیشه هایی از قبیل مهندسی معماری پزشکی حقوق حسابداری، مددکاری اجتماعی و بیمه باید نه تنها آموزش لازم را ببیند بلکه باید صلاحیت خود را نیز به اثبات برساند. شخص تا زمانی که نخست سطح شایستگی خود را ثابت نکند. اجازه نخواهد داشت عهده دار شغل حساسی شود.

۱۴۸ عوامل مرتبط با تحرک اجتماعی

حجم خانواده، چنان که گذشت میزان مولید در جوامع روستایی بیش از میزان آن در جوامع شهری است. در خانواده هایی که دارای فرزندان زیادی هستند. غالباً والدین از تأمین همه نیازهای فرزندانشان عاجزند، به ویژه اگر فاصله سنی فرزندان کم باشد، تأمین منابع مالی لازم برای کسب تحصیلات خوب و دستیابی به شغل پردرآمد برای خانواده دشوار می شود. بنابراین فرزندان خانواده های کم جمعیت که اغلب در شهرها سکونت دارند بیش از فرزندان خانواده های پر جمعیت امکان تحرک عمودی دارند.

نژاد و قومیت . در تجارت صنعت و مدارس تبعیضهای گوناگونی نسبت به اعضای گروههای نژادی و قومی وجود دارد در ایالات متحد، تبعیض نسبت به سیاهان سرخپوستان و اسپانیایی زبانها سابقه طولانی دارد امکانات اعضای این گروهها نسبت به سفید پوستان بومی آمریکایی برای کسب تحصیلات خوب و یافتن شغل پردرآمد بسیار اندک است. بنابراین پیشینه نژادی و قومی از عوامل بسیار مهمی است که بر فرصتهای دستیابی به تحرک عمودی تأثیر میگذارد.

تحصیلات . به طور کلی میزان تحصیلات فرد به میزان درآمد او بستگی دارد. کارکرد اولیه تحصیلات رسمی - از آن جهت که با تحرک اجتماعی ارتباط دارد - این است که مهارتهای لازم را برای ورود فرد به بازار کار فراهم می سازد. تکمیل تحصیلات به طور مناسب فرد را در رقابت با دیگران برای دست یافتن به یک شغل خاص در یک موقعیت ممتاز قرار میدهد در آن رده های شغلی که به افرادی با تحصیلات بالا نیاز دارد، متقابلاً دستمزدهای بالایی پرداخت می شود. در واقع همه حرفه ها به شخصی نیاز دارند که قبل از احراز آن حرفه، سطح معینی از تحصیلات را گذرانده باشد به علاوه افرادی برای احراز سطوح مدیریت انتخاب می شوند که دارای تحصیلات عالی باشند.

جنسیت و ترتیب تولد. در اغلب جوامع جامعه امریکا مردان و زنان به گونه های مختلف تربیت میشوند. تا چند دهه قبل تنها فرد حقوق بگیر خانواده پدر بود و همه مسئولیتهای خانواده را به دوش میکشید زنان بنابر سنت تشویق نمی شدند به تحصیلات دانشگاهی بپردازند یا در شغل حساسی به کار اشتغال ورزند. اما پس از جنگ جهانی دوم زنان در کشورهای صنعتی، مسئولیت های تازه ای را بر عهده گرفتند و همراه با این مسئولیتهای علاقه شدیدی به دنبال کردن پیشه هایی که قبلاً اشتغال به آنها برای زنان ناممکن بود، به وجود آمد.

ازدواج. تحرک عمودی ممکن است از طریق ازدواج با فردی از طبقه بالاتر حاصل شود. سن شخص به هنگام ازدواج نیز عامل مهمی در تحرک اجتماعی است. هر قدر که شخص به هنگام ازدواج جوان تر باشد، مجال او برای تحرک صعودی کمتر است.

۹-۱۹ تحرک نزولی

باید توجه داشت که تحرک اجتماعی ممکن است به سمت بالا (صعودی) یا به سمت پایین انزولی) صورت گیرد. عوامل مهمی که انقلب موجب تحرک نزولی می گردد عبارتاند از تحصیلات ناقص ازدواج در سن پایین آوردن فرزند در سن پایین متولد شدن در یک خانواده پر فرزند یا گرفتار آمدن در یک بحران اقتصادی با شغلی در یک جامعه طبقاتی باز برای اینکه جامعه بتواند وضعیت خود را حفظ کنند باید سطح معینی از تحرک نزولی در آن وجود داشته باشد.

۱۰-۱۹ مشکلات زندگی در جامعه باز

جامعه باز برخی از فرصتها را برای تحرک اجتماعی فراهم می سازد، اما در کنار فرصتهای فراوان محذورات و کاستیهایی نیز وجود دارد. هنگامی که افراد برای دستیابی به پایگاه اجتماعی بالا با هم به رقابت می پردازند، اغلب دچارها ۳۴۱ روحی و احساس محرومیت می شوند. کسانی که آرزوی دستیابی به اجتماعی بالا را دارند. اما توانایی رقابت را ندارند. دچار احساس شکست و سرخوردگی می گردند. از طرف دیگر کسانی که توانایی رقابت را دارند این احساس آزارشان می دهد که از اصولتان

دست کشیده است، وقت کمتری را با خانواده شان می گذرانند با اینکه به دلیل صرف بیشترین توان خود برای دستیابی به پایگاه بالاتر ارزشهای دیگر را محدود کرده اند. به علاوه، همیشه این امکان وجود دارد که پس از آنکه شخص به یکی از اهدافش رسید به سیر نزولی تحرک اجتماعی گرفتار آید. همچنین باید به این واقعیت توجه داشت که کسانی که طبقه اجتماعی پایین به طبقه اجتماعی بالاتری صعود می کنند، ممکن است برخی از دوستانی را که زمانی با آنها شریک و همکار بوده اند از دست بدهند از برا تغییر از و علایق و الگوهای رفتاری شخص باعث می شود که دوستان قدیمی اش از تو گریزان شوند.

۱۱-۱۴ تحرک در ایالات متحد

برخی مطالعات و پژوهشها نشان داده است که تحرک اجتماعی در یک کشور صنعتی مانند ایالات متحد، بدون شک امکان پذیر است. اما تحرک اجتماعی در این کشور کمتر از آن میزانی است که همه تصور می کنند. هر چند تحرک خیالستی گوناگو دارد، دامنه این نرخ تحرک چندان فراگیر نیست و مطالعات نشان نمی دهد که تغییر عمیقی در پایگاه اجتماعی فرد صورت می گیرد.

با این حال، اکثر آمریکاییان اعتقاد دارند که از فرصتهای بسیاری برای تحرک اجتماعی برخوردارند. اکثر اروپاییان نیز باور دارند که فرصت برای دستیابی به تحرک اجتماعی در آمریکا بیش از کشورهای دیگر است. اما پژوهشها داد ماند که فرصت دستیابی به تحرک اجتماعی در آمریکا با چنین فرصتهایی در کشورهای صنعتی اروپای غربی، تفاوت چندانی ندارد.

فصل پانزدهم

جمعیت شناسی

جمعیت و بوم شناسی

جمعیت شناسی به مطالعه علمی جمعیت اطلاق می شود. جمعیت شناسی، عمدتاً به مطالعه حجم، ترکیب و توزیع جمعیت یک جامعه می پردازد. وی، همچنین عوامل اجتماعی گوناگونی را که با تغییرهای یاد شده ارتباط می یابند در نظر می گیرد. جامعه شناسانی که در این رشته مهم تخصص دارند. تأثیر تغییرات جمعیتی را بر جامعه و تأثیر جامعه را بر جمعیت بررسی می کنند.

مثال ۱

اگر قرار باشد که برای آینده جامعه به طور مؤثر و جدی برنامه ریزی کنیم. باید بتوانیم درباره حجم توزیع و ترکیب جمعیت، پیش بینیهای دقیقی انجام بهیم برای ارائه خدمات اساسی از قبل خدمات آموزشی و پزشکی باید بر طبق نقاء ای جمعیتی برنامه ریزی کرد. جمعیت شناسی با جمع آوری و مطالعه آمار و روند جمعیتی می توانند برای آینده پیش بینیهای دقیقی بکنند.

خصوصیات اجتماعی و زیستی جمعیت

اغلب مطالعات جمعیتی روی چند پدیده زیستی و اجتماعی متمرکز توزیع بر حسب جنی، توزیع بر حسب من و وضع تأهل، توزیع نژادی، گروهبندی بر حسب درآمد، شغل، حجم خانواده و محل سکونت، جزو متغیرهای مهمی است که جمعیت شناس

درباره آنها، داده هایی را گردآوری می کنند. آزمون این دادهها. تصویر کمی دقیقی در مورد جمعیت مورد مطالعه به جمعیت شناس ارائه می دهد.

مفاهیم اساسی جمعیتی

میزان ناخالص مولید شمار متولدین بر مبنای هر ۱۰۰۰ نفر در سال میزان ناخالص مرگ و میر شمار مرگ و میر بر مبنای هر ۱۰۰۰ نفر در سال میزانهای سن خاص به میزان مولید یا مرگ و میر افراد در سطوح خاص سنی اطلاق میشود؛ برای مثال با در نظر گرفتن زنانی که در سن باروری اند میتوان با شمارش میزان ناخالص مولید جمعیت را بر حسب سن و جنس توزیع کرد. میزان مولید و مرگ و میر استاندارد شده میزانهای تنظیم شده ای است که تفاوتهای اساسی میان جمعیتهایی را که ممکن است بر میزان مولید و مرگ و میر آنها تأثیر بگذارند در نظر میگیرند؛ برای مثال در اجتماعی که عمدتاً از زوجهای جوان تشکیل شده است. ممکن است میزان زاد و ولد در مقایسه با دیگر جمعیتها بالا باشد اما با محاسبه میزان مرگ و میر استاندارد شده در مقایسه با همان گروه سنی جوان در جمعیتهای دیگر - تصویر واقع گرایانه تری از ظرفیت باروری ارائه می شود.

امید زندگی عبارت است از طول عمر مورد انتظار یک نوزاد در جامعه پهنه عمر عبارت است از حداکثر مدت حیات یک انسان. **نسبت جنسی**: عبارت است از نسبت ذکور به اناث در هنگام تولد یا در هر مقطع سنی دیگر به عبارت دیگر غالباً به نسبت مردان به زنان در برابر هر ۱۰۰ زن در جامعه اطلاق میشود. معمولاً در هنگام تولد نسبت مولید پسر به دختر مساوی ۱۰۵ است؛ یعنی با تولد ۱۰۰ دختر ۱۰۵ پسر متولد میشود.

باروری: به میزان زاد و ولد جامعه اطلاق میشود و حاکی از تعداد فرزندانی است که هر زنی به طور متوسط به دنیا می آورد. **باروری طبیعی (بالقوه)**: به توانایی بیولوژیکی زنان جامعه برای تولید مثل گفته میشود. هر چند زنان در دوران بیست ساله باروری طبیعی می توانند بیش از بیست فرزند به دنیا آورند اما در عمل تعداد بچه هایی که در بیشتر جوامع به دنیا می آیند به مراتب کمتر از این تعداد است.

عوامل مؤثر بر افزایش رشد جمعیت

پیشرفتهای مختلف در حوزه علوم و فنون پزشکی به طور بی سابقه ای موجب رشد جمعیت در جهان شده است. این پیشرفتهای همچنین به افزایش امید به زندگی کمک کرده است. پیشرفت فنون پزشکی به خصوص بر کاهش مرگ و میر در هنگام تولد یا در دوران طفولیت - که در گذشته بسیار شایع بود - تأثیر بسزایی گذاشته است. به علاوه، اکنون درمان بسیاری از امراض که در گذشته علاج ناپذیر بود، کشف شده است، در حالی که تا گذشته ای نه چندان دور مبتلایان به این امراض محکوم به مرگ حتمی بودند.

پایگاه اجتماعی و میزان باروری

یافته های پژوهشی نشان داده اند که میان پایگاه اجتماعی فرد و میزان باروری ارتباط وجود دارد. افراد طبقات پایین بیش از افراد طبقات متوسط و طبقه بالا به داشتن فرزندان متعدد گرایش دارند. میزان زاد و ولد بالا، عمدتاً در میان روستاییان و افرادی که سطح تحصیلات بالایی ندارند بیشتر است. میزان زاد و ولد در میان خانواده های شهری تحصیل کرده پایین است.

فناوری اقتصاد و وجهه نظرها

یکی از عمده ترین عوامل افزایش جمعیت در جهان پیشرفت فناوری است. پیشرفتهای فنی در کشورهای صنعتی موجب فراوانی مواد غذایی بهبود سطح مراقبتهای پزشکی و کلاً، بالا رفتن سطح زندگی کاهش مرگ و میر در این کشورها شده است. از طرف دیگر مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها نیز باعث کاهش رشد جمعیت شده است. در اقتصاد شهری بر عکس اقتصاد روستایی فرزند متعدد در خانواده یک سرمایه محسوب نمی شود بلکه باعث مشکلات و ضعف اقتصادی برای خانواده میگردد. همچنین گرایش روزافزون بسیاری از مردم به کنترل موالید و علاقه فزاینده زنان به اشتغال به کار نیز باعث کاهش رشد جمعیت شده است.

عواقب رشد سریع جمعیت

رشد سریع جمعیت موجب بروز مسائل عدیده و جدی اجتماعی و بوم شناسی می گردد. میزان بالای بیکاری کاهش منابع غذایی و دیگر منابع طبیعی حیاتی کمبود مسکن، فشار روحی و تعارضهایی که سرانجام به مشکلات عاطفی شدیدی منجر می شود از پیامدهای رشد سریع جمعیت است.

راههای محدود کردن رشد جمعیت

هر کشور برای ثابت نگه داشتن جمعیت خود باید میزان رشد جمعیت را به صفر برساند. برای این منظور هر پدر و مادر باید فقط ۱ یا ۲ فرزند داشته باشد؛ یعنی تعداد لازم برای جایگزینی پدرها و مادرهای آینده مهمترین موانع در برابر برنامه ریزی موفق خانواده ارزشهای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر خانواده هاست. مؤثرترین راه برای تنظیم خانواده این است که پدران و مادران به این ضرورت پی ببرند که با فرزند کمتر زندگی بهتری خواهند داشت در اکثر کشورهای توسعه نیافته برنامه های اجباری تنظیم خانواده ناموفق بوده است. کنترل موالید غالباً با دو روش صورت میگیرد تشویق به جلوگیری از باروری یا کنترل اجباری آن با این حال هیچ یک از این دو روش به نحو احسن رضایت بخش نبوده است.

نظریه مرحله انتقالی جمعیت

در جوامع صنعتی شهری وجود تعداد زیاد فرزندان در خانواده، نه تنها یک سرمایه اقتصادی نیست بلکه موجب ضعف اقتصادی خانواده میگردد. نظریه مرحله انتقالی جمعیت عبارت است از اینکه اگر جمعیتی شهری و صنعتی شود، میزان رشد آن جمعیت ثابت می ماند زیرا والدین تعداد فرزندانی می آورند که بتوانند مخارج آنها را تأمین کنند. روند دوره انتقالی جمعیت در سه مرحله مختلف رخ می دهد.

در مرحله نخست میزان زاد و ولد و نیز میزان مرگ و میر بالاست و جمعیت نسبتاً ثابت است. این مرحله عمدتاً خاص مناطق توسعه نیافته است.

در مرحله دوم میزان زاد و ولد بالا و میزان مرگ و میر پایین است. علت پایین بودن میزان مرگ و میر در این مرحله پیشرفت نوآوریهای فناورانه حیات بخش است؛ بنابراین در این مرحله جمعیت به سرعت رشد می کند.

در سومین مرحله میزان جمعیت به علت پایین بودن میزان مولید و پایین بودن میزان مرگ و میر تقریباً ثابت میماند. این مرحله هنگامی رخ می دهد که جوامع کاملاً صنعتی می شوند و خانواده های پر جمعیت دستخوش ضعف اقتصادی می گردند.

اکولوژی (بوم شناسی)

بوم شناسی به مطالعه رابطه میان صور زندگی با محیط طبیعی اطلاق می شود. بوم شناس تأثیر انسان را بر محیط زیست و نیز تأثیر محیط زیست را بر انسان بررسی می کند. هر چند بوم شناسی ریشه در علوم طبیعی دارد دانشمندان علوم اجتماعی نیز در سده گذشته اصول آن را برای مطالعه جمعیت های انسانی به کار برده اند.

اکوسیستم (پیوستگی طبیعی محیط زیست)

اکوسیستم عبارت است از نظام به وجود آمده از رابطه متقابل تمام موجودات زنده با عوامل فیزیکی و شیمیایی محیط زیست اکوسیستم همه شکل های حیات در محیط طبیعی را تشکیل میدهد همه عناصر موجود در محیط زیست در این رشته مورد بررسی قرار میگیرد حیات وحش گیاهان آب و هوا و زمین همه بخشی از اکوسیستم هستند.

فصل شانزدهم

اجتماع شهری و اجتماع روستایی

۱-۱۶ تعریف

اجتماع عبارت است از گروهی از مردم که در یک منطقه خاص جغرافیایی اسکان دارند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترکی اند به وحدت خاص میان خود آگاه اند و به طور جمعی یک هدف را دنبال میکنند. نمونه هایی از اجتماعات عبارت اند از حوزه های شهری شهرها، شهرستانها محله ها و روستاها.

۲-۱۶ جامعه روستایی یا قومی

جامعه روستایی که به آن جامعه کوچک یا جامعه قومی نیز گفته اند - به گروهی از انسانها اطلاق میشود که دارای نحوه زندگی، مشابه، زبان شیوه های قومی و مقتضیات اجتماعی مشترکی اند افراد آن در فعالیتهای کشاورزی شرکت دارند و پیوندهای بسیار نزدیک خانوادگی در میان آنان برقرار است. روابط فردی موجود میان اعضای جامعه روستایی بسیار نیرومند است و با الگوهای رفتار سنتی مشخص گردیده است. شیوه زندگی افراد در جامعه روستایی، عموماً غیر رسمی است و چنین جوامعی دارای شیوه های قومی قوی و پایداری اند.

مثال ۱

اجتماعات کوچک خانواده های روستایی و عشایری اجتماعات قومی به شمار میروند روابط میان اعضای جامعه قومی بسیار نزدیک و عمیق است. در جامعه قومی استمرار وضع موجود، رسوم اخلاقی احتیاط در نوآوری و سنت بر نوآوری رجحان دارد.

شهرنشینی

فرایند شهرنشینی هنگامی روی می دهد که عده زیادی از مردم، مناطق کشاورزی کشور را ترک کنند و سکونتگاه های شهری ایجاد کنند.

عوامل تشدید کننده شهر نشینی

شمار بالای نوآوریهای فنی در قرن گذشته موجب زندگی جدید شهری شد. برای اینکه مردم بدون شرکت در فعالیتهایی که مستقیماً با کشاورزی مربوط است بتوانند در شهرها زندگی کنند باید مواد غذایی بیشتر و منابع حیاتی دیگر در اختیار داشته باشند. پیشرفتهای فنی در کشاورزی صنعت حمل و نقل و ارتباطات همگی به گرایش مردم به شهر نشینی کمک کرده اند.

شرایط لازم برای شهر نشینی

دو جامعه شناس به نامهای پل بی هورتون و چسترال هانت شش شرط لازم را برای شهرنشینی ذکر کرده اند؛ نخست باید در بسیاری از مشاغل تخصصی در شهر تقسیم کار وجود داشته باشد؛ دوم سازمان اجتماعی باید بر اشتغال و طبقه اجتماعی مبتنی باشد نه بر روابط خویشاوندی سوم باید به جای نهاد خانواده نهادهای رسمی دولتی و ملی (سراسری حاکم باشد چهارم باید نظام بازرگانی و تجارت وجود داشته باشد، پنجم باید وسایل ارتباطات و حفظ سوابق وجود داشته باشد و ششم باید فناوری نظام یافته و معقولی وجود داشته باشد.

مزایای سکونت در اجتماع شهری

برخی از امتیازات سکونت در یک منطقه شهری را میتوان به ترتیب زیر ذکر کرد (الف) زندگی خصوصی (ب) تحرک (ج) تنوع در سبک زندگی و پیشه ها، (د) امکان شکوفایی خلاقیت (ه) امکانات گوناگون برای تحصیل و برخورداری از مراقبتهای پزشکی تخصصی (ز) برخورداری از فعالیتهای تفریحی متنوع (ح) فرصت بیشتر برای پژوهش و بررسی.

استدلالات نادرست اجتماع روستایی به عنوان اجتماع ایدئال

جامعه شناسان در اوایل دوره صنعتی شدن جوامع صنعتی پیشرفته، اجتماع روستایی را جامعه ای آرمانی برای زندگی تصویر میکردند با وجود این بسیاری از جنبه های جامعه روستایی عاری از ایراد نیست و مطلوب به نظر نمی رسد. برخی از این ویژگیهای نامطلوب عبارت اند از میزان بالای مرگ و میر میزان بالای بیماری نداشتن حریم زندگی خصوصی و تعهد عمیق نسبت به خانواده که اغلب مانع از آن می شود که فرد روستایی خانه را برای بهره برداری از فرصتهای دیگر ترک کند.

بوم شناسی شهری

جامعه شناسان، اساساً اصطلاح بوم شناسی را از زیست شناسان به عاریت گرفته اند. و اصول مطالعه بوم شناسی را در جمعیتهای انسانی به کار برده اند. بوم شناسی شهری رابطه موجود میان ساکنان شهر و استفاده اجتماعی از فضای زیست را مورد مطالعه قرار می دهد. از آنجا که فضای موجود در شهر محدود است. روح رقابت برساکتان بیشتر شهرها حاکم شده است.

مناطق بوم شناختی

مناطق بوم شناختی عبارت اند از مختصات جغرافیایی اجتماع کنه برای اهداف گوناگون مورد استفاده قرار می گیرند. بنابراین، بازار و مناطق کسب و مناطق صنعتی مسکونی و تفریحی جزء مناطق بوم شناختی شهر به شمار می روند.

نظریه مناطق هم مرکز

نظریه مناطق هم مرکز را در سال ۱۹۲۵، ارنست بورگی مشتمل بر سلسله ای از مناطق هم مرکز می دانست که اختصاص یافته و در هر کدام از آنها بخشهای متفاوتی از جمعیت اسکان یافته اند. منطقه ۲ با منطقه مرکزی عبارت است از بازار اصلی با مرکز اصلی خرید شهر منطقه ۲ منطقه گذر یا در حال انتقال نامیده می شود که شامل ساختمانهای فرسوده است و آشفستگی اجتماعی بسیاری در آن به چشم می خورده منطقه ۳ منطقه ای مسکونی است شامل خانه های کارگران منطقه ۲ نیز منطقه ای مسکونی است که اعضای طبقه متوسط در آن ساکنان منطقه ۵ با منطقه دور از مرکز در حومه شهر قرار دارد و محل سکونت طبقه متوسطی است که هر روز برای کار به شهر می روند. لازم به تذکر است که این نظریه درباره برخی از شهرها به همه آنها صدق می کند.

نظریه شهر قطاعی و نظریه شهر چند هسته ای

هر دو نظریه شهر قطاعی و شهر چند هسته ای الگوهای استفاده از زمین را تشریح می کنند. هومر هویت زمین را به جای منطقه به قطاع تقسیم کرد و چانسی دی هاریس و ادوارد ال. اولمن، نظریه شهر چند هسته ای را ارائه کردند. هویت در نظریه شهر قطاعی فرض کرد که شهرها از قطاعهایی تشکیل شده است که پیرامون مرکز آن توسعه می یابند و هر قطاع به طور جداگانه به مسکن امور تجاری تفریحی و صنعتی اختصاص مییابد هاریس و اولمن در نظریه شهر چند هسته ای چنین فرض کرده اند که شهرها دارای نواحی اختصاصی است که هر یک برای خود هسته ای دارد مناطق اختصاصی ممکن است به ادارات دولتی، نواحی تجاری با صنایع اختصاص یافته باشد. با وجود این، هسته هر منطقه. صرف نظر از اختصاصی بودن آن بر رشد و توسعه مناطق پیرامون خود تأثیری گذارد.

فصل هفدهم

رفتار جمعی

۱-۱۷ تعریف

رفتار جمعی هنگامی رخ می دهد که روشهای مرسوم و سنتی برای اداره امور مناسب و کافی نباشد. رفتار جمعی عبارت است از الگوهای رفتاری بی ساختار خودانگیخته هیجانی و پیش بینی ناپذیر افرادی که از رفتار جمعی پیروی می کنند. در برابر محرک خاصی که ممکن است شخص دیگر یا حادثه معینی باشد، واکنش نشان می دهند.

مثال ۱

شورش آشوب مد هوس جمعی، جنون، جمعی هراس جمعی و اشاعه افکار عمومی از جمله نمونه هایی برای رفتار جمعی است. جماعتی که در یک بازی فوتبال به دلیل پیروزی تیم مورد علاقه اش بر حریف دچار هیستری می شود. نمونه ای از

رفتار جمعی را نشان میدهد. این جماعت ممکن است به میان میدان سرازیر شود بازیکنان تیم مورد علاقه اش را بر دوش بلند کند و به ابراز احساسات پردازد.

جمع

به گروهی که در رفتار جمعی شرکت می جوید اطلاق می شود. جمع گروهی موقتی بی ساختار و بدون تقسیم نقش رسمی است و سلسله مراتب قدرت در آن وجود ندارد.

یگانگی رفتار جمعی

به رغم رفتار عادی روزانه که کاملاً بر اساس الگو و پیش بینی پذیر است، رفتار جمعی خودانگیخته، هیجانی و پیش بینی پذیر است. هنجارها و نقش های مقبول که بر رفتار روزانه افراد حاکم اند، در میان افرادی که در کوران رفتار جمعی قرار می گیرند، به بوته فراموشی سپرده میشوند.

انواع رفتار جمعی

افرادی که در رفتار جمعی درگیر میشوند ممکن است به فعالیتهای وسیعی از جمله شورش هوس اجتماعی پیروی از مد و جنون جمعی دچار شوند

عوامل تعیین کننده رفتار جمعی

نیل اسملسر جامعه شناس شش شرط را به عنوان عوامل اولیه و تعیین کننده رفتار جمعی ذکر کرده است. زمینه ساختاری. به معنای این است که ساختار جامعه باید به گونه ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد.

فشار ساختاری. به معنای این است که ساختار جامعه باید به گونه ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد.

باور تعمیم یافته. قبل از اینکه راه حلی دسته جمعی برای یک مسئله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مسئله ای وجود دارد؛ بنابراین، مثلث باید شناخته شود، افکار عمومی به آن توجه کند و راه حل های ممکن برای آن ارائه شود. عوامل شتاب دهنده. برای ظهور رفتار جمعی، باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وادارد. این رویداد خاص اغلب با شایعه، مبالغه آمیز می شود و در نتیجه به صورت چشمگیرتری جلوه می کند.

نظریه سرایت (واگیری) اجتماعی

هنگامی که جماعتی تشکیل میشود واکنش هیجانی از یک شخص به شخص دیگر گسترش می یابد و حتی به جایی میرسد که هویت شخصی و خویششننداری فردی اعضا از میان میرود. موارد زیر ویژگیهایی است که نوعاً در میان اعضای جماعت یافت میشود و باعث از میان رفتن خویششننداری و هویت شخصی آنان می شود.

گمنامی. اشخاصی که یک جماعت را تشکیل می دهند. غالباً بی نام اند؛ به این معنا که با هم بیگانه و ناشناس اند بی نامی ناشناس ماندن و شناخت شخصی نداشتن از افراد دیگر جماعت به ویژه در تظاهرات خیابانی و راهپیماییها مشاهده می شود.

وقتی جماعتی تشکیل میشود تنها همه آن به گوش می رسد نه صدای فرد. به همین سبب در میان افرادی که به جماعت می پیوندند. غالباً رفتارهای غیر متعارف گوناگونی دیده میشود فردی که در جماعت شرکت می کند. اغلب زمام خود را رها میکند و به کارهای نسنجیده دست میزند. آنچه شخص در چنین حالاتی مرتکب می شود. عمدتاً ارتجالی و بدون تفکر و تأمل است. در جماعت احساس مسئولیت شخص به دلیل گمنامی کاهش می یابد.

در هم شکستن فردیت. شخصی که به جماعت می پیوندد، هویتش تحت الشعاع همیت جماعت قرار میگیرد و در جماعت مستغرق می شود. استغراق شخص در جماعت چنان او را از خودی خود می کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل میشود این فرایند لزوماً نتیجه تصمیم خود شخص نیست بلکه اقتضای طبیعت جماعت است.

مثال ۱۱

از خودی خود شدن اعضای جماعت را میتوان در شورشهای نژادپرستانه یا قومی مشاهده کرد. در چنین مواردی جماعتی از نژاد یا گروه رقیب مهار خود را از دست میدهد و در گوشه ای خلوت یک عضو گروه اقلیت را به دام می اندازد و وی را مورد آزار و حمله قرار میدهد و گاه به هلاکت می رساند.

تلقین پذیری. جماعتها به علت فقدان رهبری تثبیت شده الگوهای رفتاری مقبول و مسئولیت فردی بیشتر بر اساس تلقین عمل میکنند. به علاوه، اگر تلقین آمرانه و با قاطعیت بیان شود اثر آن بر اعضای جماعت به مراتب بیشتر خواهد بود.

اهمیت هیجانات بشری

اگر افراد نسبت به هم انگیزش و واکنش نشان ندهند و شدت هیجانشان بالا نگیرد هیچ گونه رفتار جمعی صورت نمیگیرد افرادی که در میان جمع دچار هیجان می شوند غالباً متوجه عواقب اعمال و رفتارشان نیستند.

وقوع سرایت هیجانی

سرایت هیجانی غالباً در وضعیتهای خاصی به وجود میآید. برخی از این وضعیتهای عبارت اند از مسابقات ورزشی شورشها راهپیماییها تظاهرات و نشستهای سیاسی و مذهبی.

شایعه

شایعه پیامی است که به طور وسیعی در میان افراد جامعه رد و بدل می شود اما معمولاً از واقعیت به دور است. هنگامی که افراد به شدت مشتاق کسب خبر درباره چیزی هستند اما نمیتوانند اطلاعات موثقی درباره آن به دست آورند، مستعد پذیرش شایعه ها میشوند. چنین شایعه هایی اگر پیش داوریهای افراد را تأیید با نفرت آنان را توجیه کند احتمال گسترش آن بیشتر است.

جماعت

جماعت به گروهی از مردم اطلاق میشود که در یک جاگرد هم می آیند، با یکدیگر مرتبط اند و به جنب و جوش میپردازند؛ به عبارت دیگر جماعت گروه متجانس موقتی است که به اقتضای وضع یا حادثه ای خود به خود به وجود می آید و بر اثر کنشهای

متقابل دارای رفتاری مشترک میشود و به جنب و جوش می پردازد. افراد به این علت در یک جماعت گرد هم می آیند که به موضوع اندیشه رویداد یا شخص خاصی علاقه مشترک دارند این علاقه محرک مشترکی برای اعضای جماعت است.

انواع جماعت

جماعت نمایشی. جماعت نمایشی جماعتی است که مایل است احساسات مشترک اعضایش را بیان کند اما این احساسات را به نحوی نسبتاً مهار شده آشکار می سازد.

جماعت فعال. جماعت فعال برای ایجاد نوعی تغییر، واکنش های خود را متوجه هدف یا فرد خاصی می کند و برای رسیدن به هدف خود، به خشونت متوسط می شود.

جماعت آشوبگر. جماعت آشوبگر یا جماعت نا آرام جماعتی است لجام گسیخته که نه از درون مهار شده است نه از بیرون احساسات این جماعت بشدت تحریک شده است. گاه این جماعت از گروه اوباش تشکیل می شود. بلوا و اغتشاش کار این جماعت نا آرام است که چند سردهسته آن را برانگیخته اند.

جماعت شنونده- تماشاچی جماعت شنونده تماشاچی جماعتی است که با تصمیم قبلی برای حضور در یک مراسم در محلی اجتماع می کند. این جماعت تحت تأثیر محرکهای خارجی است. بنابراین برخلاف جماعت آشوبگر که در یک اقدام مشترک شرکت دارند جماعت شنونده تماشاچی جماعتی انفعالی و پذیر است. گاهی جماعت شنونده - تماشاچی به محرکی مشترک واکنش نشان می دهد. بر همین اصل آنها را بر حسب درجه واکنششان به این محرک جماعت شنونده تماشاچی بیدار با خفته شدید یا آرام و تأیید کننده یا تکذیب کننده طبقه بندی می کنند.

جماعت شورشی. جماعتی است که برای رسیدن به هدف خود خشونت به خرج می دهد اموال عمومی را نابود میکند و افراد طرف مقابل را مورد ضرب و شتم قرار می دهد.

جماعت هراسان. جماعتی است که بر اثر احساس ناشی از خطر رفتار وحشت زده و بی هدفی از خود نشان میدهد هراس به سرعت همه ذهن جماعت را فرامی گیرد و آن را به تلاشهای بیهوده و دیوانه وار بر می انگیزد وحشت سراسیمگی و نبود رهبری مؤثر از مشخصه های این جماعت است.

هیستری جمعی

هنگامی که گروهی از افراد کنترل خود را از دست میدهند و دست به رفتارهای هیجانی و غیر منطقی میزنند دچار هیستری جمعی شده اند. در این حالت که امکان رفتار منطقی از افراد سلب میشود آنها دچار هراس می شوند و بنابراین رفتار غیر منطقی یکدیگر را تقویت میکنند.

نتایج رفتار جمعی

در صورتی که رفتار جمعی برای تغییرات مورد نیاز در جامعه صورت گیرد. دستاوردهای ثمر بخشی به بار خواهد آمد اما اگر آسیب زدن به اموال عمومی ضربه زدن به جامعه و لطمه زدن به جان مردم صورت گیرد برای جامعه زیان بار است.

فصل هجدهم

روابط نژادی و قومی

تعریف

نژاد به گروهی از افراد اطلاق میشود که در طول نسلهای متوالی، ویژگیهای مشترک جسمی با زیستی خود را حفظ کرده اند. گروههای نژادی را عموماً به سه نوع مشخص تقسیم میکنند نژاد سفید یا قفقازی نژاد سیاه یا زنگی نژاد زرد یا مغولی با این حال جای دادن فرد در یکی از این سه مقوله، کار نسبتاً دشواری است.

مثال ۱

هنگامی که اروپاییان به شرق راه یافتند. برخی از آنان با آسیاییان آمیزش کردند و نوزادانی به دنیا آوردند که هر دو ویژگی قفقازی و مغولی را داشتند. جای دادن این نوزادان در مقوله نژاد مغولی یا قفقازی دشوار است.

گروههای قومی

گروه قومی گروهی است که اعضای آن ویژگیهای فرهنگی یکسانی دارند. این ویژگیها عبارت اند از دین زبان و ملیت تفاوت گروههای نژادی و گروههای قومی در این است که اعضای گروههای نژادی از نظر جسمی با هم مشابهت دارند. اما گروههای قومی، الزاماً از نظر جسمی وجوه مشترک ندارند، بلکه دارای ویژگیهای فرهنگی یکسانی اند.

گروه های اقلیت. گروه اقلیت مجموعه ای از افراد است که با اکثریت اعضای جامعه خود تفاوت هایی داشته باشد. اعضای گروه های اقلیت نژادی و قومی، غالباً از داشتن امکاناتی که اعضای گروه اکثریت از آن برخوردارند، محروم اند. گروه های اقلیت جامعه، معمولاً از لحاظ نیا، دین، ملیت و زبان از گروه اکثریت متمایز می شوند. موقعیت اقتصادی و شغلی نیز گروهی از اعضای جامعه را به صورت یک اقلیت در می آورد؛ مانند اقلیتهای کولیها یا آلونک نشین ها.

هم ستیزی و رقابت میان گروههای نژادی و قومی

اعضای گروه مسلط در جامعه احساس میکنند که گروه اقلیت امتیاز اقتصادی و اقتدارشان را در معرض تهدید قرار میدهد در همان حال اعضای گروه اقلیت احساس میکنند که موانعی بر سر راهشان گذاشته میشود تا نتوانند پایگاه اجتماعی خود را بالا ببرند و سطح زندگی خود را افزایش دهند. تنفر میان این دو گروه موجب میشود که برای اشتغال و دیگر امتیازات اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر به رقابت پردازند.

تصورات قالبی

باورهای تعمیم یافته ای است که در مورد برخی از اقلیتهای مذهبی نژادی و قومی ساخته و پرداخته میشود. اعضای این اقلیتهای ویژگیهای شخصیتی و الگوهای رفتاری خاص و از پیش تعیین شده ای از خود نشان میدهند. بنابراین تصورات قالبی در برابر استدلال مخالف سخت مقاومت میکند و فردی که دارای باورهای قالبی است همواره دچار تعصب میشود.

رابطه نژاد با هوش و شخصیت

نژادپرستان مدعی وجود رابطه میان هوش و نژاد یا شخصیت و نژادند. آنان می گویند سطح هوش و شخصیت مادرزادی فرد بازتاب صفات مشابه همه اعضای دیگر همان نژاد است با وجود این پژوهش علوم اجتماعی ثابت کرده است که میان نژاد و هوش یا نژاد و شخصیت ارتباطی وجود ندارد.

تبعیض علیه اقلیتها

ممکن است گروه مسلط در یک جامعه معین برای جلوگیری از بهره مند شدن آزادانه و برابر گروههای اقلیت از مزایای اجتماعی به وسایل گوناگونی متوسل شود. معدودی از این روشهای تبعیض به شرح زیر مورد بحث قرار گرفته است. **نابودی یا معدوم کردن.** فرایندی است که در آن اعضای یک گروه اقلیت به دست گروه مسلط به عمد به قتل میرسند هنگامی که این فرایند بر ضد یک گروه اقلیت قومی صورت گیرد، به آن قوم کشی میگویند. **بیرون راندن.** هنگامی است که گروه مسلط به زور سرزمین گروه ضعیف تر را غصب میکند و گروه اقلیت را مجبور به زندگی کردن در یک منطقه جغرافیایی نامطلوب میکند.

مثال ۸

هنگامی که مهاجران سفید پوست در غرب آمریکا مستقر شدند همه قبایل سرخپوست را از سرزمینشان بیرون راندند و آنان را وادار به زندگی در اردوگاهها کردند. هنری هشتم پادشاه انگلیس نیز کولیهای ساکن این کشور را بیرون راند. یهودیان ساکن فلسطین نیز اکثر اعراب ساکن این سرزمین را بیرون راندند و خود بر این سرزمین سلطه افکندند. **جداسازی.** جداسازی هنگامی رخ میدهد که گروه مسلط گروههای نژادی دینی یا قومی دیگر را به زیستن در مناطق مسکونی جدا از محل سکونت گروه مسلط وامی دارد. این گروهها همچنین از برخورداری از وسایل و تسهیلات و خدمات خاص گروه مسلط مانند مدرسه بیمارستان و هتل یا اتوبوس محروم میگرددند. در بسیاری از موارد کیفیت خانه ها و تسهیلاتی که به گروه اقلیت اختصاص می یابد بسیار نازل تر از آنهایی است که گروه مسلط بهره برداری میکند.

ادغام اقلیتها در جامعه

عملکردهای زیر شیوه های گوناگون در برگرفتن اعضای گروه اقلیت برای مشارکت آنان در جامعه است: **همانند سازی.** همانند سازی ادغام کامل در فرهنگ مختلف - غالباً از طریق ازدواج متقابل - به یک فرهنگ و هویت است که شامل ویژگیهای هر دو فرهنگ باشد. در فرایند همانند سازی فرهنگها در هم می آمیزند و هویت جداگانه شان را از دست می دهند.

مثال ۱۰

هنگامی که گروههای قومی گوناگون از نقاط مختلف اروپا به آمریکا و کانادا مهاجرت کردند با یکدیگر ازدواج کردند و فرهنگهایشان در هم آمیخت و فرهنگ نسبتاً یکدستی به وجود آمد.

اختلاط . اختلاط به ازدواج میان گروههای نژادی مختلف اطلاق می شود. نتیجه این فرایند ظهور نوع جدیدی از افراد با ویژگیهای جسمی منحصر به فرد است.

مثال ۱۱

بسیاری از اهالی هاوایی اجداد قفقازی، فیلیپینی شرقی و بومیهای هاوایی دارند زیرا همه این گروهها در هاوایی با هم ازدواج کرده و نسل جدید و متمایزی به وجود آورده اند.

چندگرایی فرهنگی. چندگرایی فرهنگی به شکلی از انطباق اطلاق می شود که گروههای نژادی و قومی مختلف در کنار هم زندگی میکنند و در حالی که هر قوم یا نژاد رسوم خود را حفظ میکند شیوه زندگی اقوام دیگر را نیز می پذیرد.

هم گونی. هم گونی به نوعی ترتیب اجتماعی اطلاق می شود که گروه های مسلط و اقلیت در آرامش و هماهنگی کنار هم زندگی می کنند. در یک جامعه حقیقتاً یگانه، همه گروه ها، به طور یکسان، حق دسترسی به نهاد های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و آموزشی را دارند.

تغییر روابط میان گروههای نژادی و قومی

تغییراتی که موجب دگرگونی روابط میان گروههای نژادی و قومی می گردد دو نوع اند:

تغییرات برنامه ریزی شده و تغییرات خود به خودی

تغییرات برنامه ریزی شده تغییراتی است که از پیش دقیقاً تدوین و مقرر شده است. تصویب قوانین برای منع تبعیض علیه گروههای اقلیت یکی از تغییرات برنامه ریزی شده به شمار میرود.

تغییرات خود به خودی این تغییرات برنامه ریزی نشده اند و در سیر طبیعی حوادث به وقوع می پیوندند؛ برای مثال هنگامی که گروههای اقلیت و مسلط با هم کار و زندگی میکنند امکان زیادی وجود دارد که قالبهای ذهنی سنتی بر ضد گروه اقلیت از میان برود و تبعیض نسبت به آنها کاهش یابد.

فصل نوزدهم

سازمان رسمی

۱-۱۹ تعریف

جامعه شناسان نهادهای اجتماعی و سازمانهای رسمی و غیر رسمی را از یکدیگر متمایز میدانند نهادهای اجتماعی که در فصل هفتم مورد بحث قرار گرفتند. نظامهایی از هنجارها و ارزشهایی است که به جامعه در شناخت و وصول به اهداف معینی کمک میکنند پنج نهاد اصلی اجتماعی عبارت اند از نهاد خانواده نهاد آموزش و پرورش نهاد دینی نهاد اقتصادی و نهاد حکومتی اهداف نهادهای اجتماعی دامنه گسترده ای دارند و ارزشهایی که از آنها سرچشمه می گیرد. اساس شیوه زندگی جامعه است. از طرف دیگر سازمانهای رسمی متشکل از گروههایی از افراد نه نظامهای هنجاری و ارزشی است که تلاشهای خود را برای دستیابی به هدف تعریف شده و کاملاً مشخصی هماهنگ میکنند. سازمانهای رسمی نسبتاً وسیع هستند و دارای قوانین و مقررات معین و سلسله مراتب مشخصی از اقتدار و مسئولیت اند.

مثال ۱

دولت ارتش، بانک شرکت اتومبیل سازی و دانشگاه نمونه هایی از سازمانهای رسمی است. یک گروه هنری گروهی از دوستان و اعضای یک مجتمع ساختمانی را میتوان نمونه ای از سازمانهای غیر رسمی به شمار آورد.

سازمان رسمی و دیوان سالاری (دستگاه اداری)

چنان که ذکر شد سازمان رسمی از گروهی از افراد تشکیل یافته است که برای دستیابی به هدف مشخصی در کنار هم جمع شده اند. دیوان سالاری سلسله مراتبی از قدرت و مسئولیت است که سازمان رسمی برای هماهنگی فعالیتها و دستیابی به هدفهای تعیین شده خود آن را به کار می گیرد.

سازمانهای به شدت ساختمند و سازمانهای کمتر ساختمند

تفاوت اصلی میان سازمان به شدت ساختمند و سازمان کمتر ساختمند (انعطاف پذیر) به میزان خود مختاری در این دو نوع سازمان بستگی دارد. در سازمان به شدت ساختمند اعضا باید از مقررات جاری سازمان بی چون و چرا پیروی کنند این مقررات را مدیران که گروه کوچکی در سلسله مراتب سازمانی اند، تهیه و تنظیم میکنند و به اجرا در می آورند سازمانهای کمتر ساختمند از خود مختاری بیشتری برخوردارند در این گونه سازمانها افراد اجازه دارند سلیقه شخصی را نیز در کارهایشان دخالت دهند و گاهی اوقات از دستورالعملهای سازمان سرپیچی کنند به علاوه در سازمان کمتر ساختمند، بسیاری از اعضا در فرایند تصمیم گیری شرکت میکنند.

(سازمان دیوان سالارانه بوروکراتیک)

سازمان دیوان سالارانه از مشخصه های جوامع وسیع و نیرومند قرن بیستم است، با وجود این ساختارهای دیوان سالارانه از قرنهای پیش وجود داشته است. امپراتوری روم با آن وسعت تنها با ساختار پیچیده دیوان سالاری می توانست اداره شود. هنگامی که یک سازمان گسترش میابد شکی نیست به نقطه ای می رسد که ساختار دیوان سالارانه در آن به وجود می آید.

ویژگیهای دیوان سالاری

ماکس وبر برای دیوان سالاری پنج ویژگی عمده به شرح زیر قائل شده است:

تخصصی شدن کارها. در نظام دیوان سالاری هر شخص وظیفه معینی را که بر عهده او گذاشته شده است انجام می دهد. سلسله مراتب. هر مقام در سلسله مراتب سازمانی، مسئولیتها و وظایف و نیز امتیازات معینی دارد و هر فرد در این سلسله مراتب، باید فعالیتهای خود را بی درنگ به شخص بالاتر از خود گزارش دهد. در نظام دیوان سالاری، میزان اقتدار به سمت شخص بستگی دارد، نه به خود شخص.

رفتار غیر شخصی. در نظام دیوان سالاری حکم و رتبه سازمانی کارکنان بر طبق سمتی که دارند تعیین میشود به طور کلی برای همه کارکنانی که سمت یا پایگاه یکسانی در دستگاه اداری دارند حکم و رتبه اداری یکسانی صادر می شود.

مثال ۶

در نظام آموزش و پرورش مدیران دبستانها در صورت مساوی بودن سوابق خدمت و مدیران دبیرستانها در صورت همسطح بودن سنوات خدمت امتیازات مساوی دارند. معلمانی که سنوات خدمت و رتبه یکسانی دارند حقوق و مزایای یکسانی دریافت میکنند و حکم و رتبه یکسانی برای آنان صادر می شود.

صلاحیتهای فنی و شایستگی. در یک سازمان هیچ متقاضی استخدام، بدون داشتن حداقل شرایط لازم برای سمتی که درخواست آن را پر کرده است، استخدام نمی شود.

رهبری آمرانه و رهبری دموکراتیک

در رهبری آمرانه اختیار و قدرت در انحصار گروه نخبگان سازمان - کسانی که در بالاترین سطح سلسله مراتب قرار دارند است اما هنگامی که سازمان با رهبری دموکراتیک اداره میشود کارکنان سطوح گوناگون اجازه دارند در فرایند تصمیم گیری شرکت جویند عمده ترین عیب رهبری دموکراتیک این است که تصمیم گیری سریع و کارآمد در آن غالباً دشوار است.

الیگارش (حکومت متنفدان)

الیگارش یا حکومت متنفدان در همه سازمانهای رسمی، حتی سازمانهایی که با این نوع مدیریت مخالف اند رواج دارد. الیگارش زمانی وجود دارد که یک گروه کوچک بالاترین سمتهای سازمان را اشغال میکند و مسئولیت همه تصمیم گیریها را به عهده میگیرد تأکید قانون آهین الیگارش بر این است که گروه چند نفری متنفدان یا خواص بتواند در طولانی ترین زمان ممکن سلطه اش را بر سازمان حفظ و از هر شیوه ای برای ادامه سلطه خود استفاده کند رابرت میشلز جامعه شناس آلمانی از جمله دانشمندانی است که برای الیگارش اعتبار و اهمیت قائل شده است.

واکنشهای فرد در برابر دیوان سالاری

چنان که در بخش ۱۹۸ ذکر شد گاهی اوقات ضروری است که در سازمان دیوان سالار افراد در حاشیه ساختار رسمی فعالیت کرده میان بر بزنند. هم در میان اعضای سازمان و هم در میان ارباب رجوع نارضایتی از قوانین و مقررات دیوان سالارانه کاملاً رواج دارد. برخی از مسائلی که ممکن است در سازمان دیوان سالار بروز کند به شرح زیر خلاصه شده است.

شخصیت دیوان سالارانه. کارکنانی که شخصیت دیوان سالارانه و اداری دارند غالباً انعطاف ناپذیرند و نمیتوانند خود را با وضعیتهای جدید سازگار کنند. آنان بدون مجموعه ای از آیین نامه ها نمیتوانند به مسئله معینی پاسخ دهند، و بدون توجه به تحولاتی که رخ میدهد آیین نامه ها و مقررات را مو به مو اجرا کنند.

اطاعت کورکورانه از مقررات. پیروی کورکورانه فرد از مقررات سازمان بی هیچ پرسشی درباره سودمند بودن یا زیان بار بودن این مقررات و بدون درک علت پیروی از آنها از جمله مسائلی است که عموماً در سازمانهای دیوان سالار مشاهده می شود. در سازمان دیوان سالار پیروی بی چون و چرا از مقررات بیشتر از دستیابی به هدف اهمیت دارد پیروی کورکورانه از مقررات، غالباً از نوآوری جلوگیری میکند و نمیگذارد کار به نحو مطلوب و مؤثر به انجام برسد.

جابه جایی هدفها گاهی اوقات افرادی که درون نظام دیوان سالار کار میکنند اهداف سازمان را نادیده میگیرند و اهداف شخصی را مانند حفظ پایگاه خود در سازمان یا شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، جایگزین آن می کنند. این امر را جابجایی هدفها می گویند.

فصل بیستم

قدرت اجتماعی

تعریف

هنگامی که دانشمندان علوم اجتماعی از قدرت یک فرد سخن میگویند. منظورشان این است که آن فرد میتواند اراده اش را بر شخص دیگر یا گروهی از اشخاص تحمیل کند. این فرد با این اقدام میتواند رفتار دیگران را کنترل کند. سازمانها نیز میتوانند چنین قدرتی را اعمال کنند.

مثال ۱

تقریباً در همه انواع روابط اجتماعی، اقتصادی، تجاری و دولتی از قدرت استفاده می شود. هنگامی که یک حکومت نارضایتی داخلی را سرکوب میکند یا در برابر دشمن خارجی به نیروهای نظامی متوسل میشود، از قدرت استفاده می کنند.

قدرت شخصی و قدرت اجتماعی

فردی که میتواند مسیر زندگی خود را تعیین کند و تأثیر اندکی از خارج بگیرد. دارای قدرت شخصی است اما شخصی که میتواند اعمال و رفتار اطرافیانش را به نحو مؤثری تحت کنترل خود درآورد از قدرت اجتماعی برخوردار است.

منابع قدرت

منابع قدرت اساساً بر چهار نوع است (۱) توانایی نگهداری و کنترل منابع مالی؛ (۲) توانایی احراز یک سمت بلند پایه در حکومت (۳) توانایی ایجاد و حفظ شغل پردرآمد و (۴) توانایی به دست آوردن قدرت سیاسی.

اقتدار

قدرت هنگامی مشروعیت مییابد که افرادی که قدرت را در دست دارند، از اقتدار لازم برخوردار باشند. اقتدار اعمال قدرت را باید مردم واگذار کرده باشند و قاعداً باید در مدارک مکتوب خاص از قبیل قانون اساسی یا در مصوبات هیئت قانون گذاری کشور قید شده باشد.

شکل های اقتدار

سه نوع عمده اقتدار به شرح زیر وجود دارد:

اقتدار قانونی و عقلایی: این نوع اقتدار ناشی از مقامی است که فرد در اختیار دارد و تا زمانی که در این مقام باقی است، از این اقتدار برخوردار است.

اقتدار سنتی: این نوع اقتدار بر این باور مبتنی است که شیوه های سنتی تفویض قدرت مقدس اند. اقتدار سنتی ممکن است هم به سمت و هم به شخصی که آن سمت را اشغال کرده است واگذار شود.

اقتدار فرهنگدانه: این نوع اقتدار بر کیفیت های شخصی، از قبیل ویژگی ها و خصلت های شخصیتی افراد مبتنی است. افراد منحصر به فردی که پیروان زیادی را به خود جلب می کنند، دارای اقتدار فرهنگد هستند.

کارکردهای حکومت

عمده ترین کارکردهای اساسی حکومت برای اعضای جامعه شامل موارد زیر است:

۱ حراست و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی

۲ تأمین کالاهای اساسی و خدمات برای اعضای جامعه

۳ حفظ نظم در جامعه

۴ مجازات افرادی که در جامعه مهمترین هنجارها را نقض میکنند.

مثال ۹

از آنجا که حکومت دارای وظایف گوناگونی است وزارتخانه های ویژه ای برای انجام هر یک از این وظایف به وجود آورده است؛ برای مثال، وزارت دفاع وزارت کار وزارت دادگستری وزارت کشور و در هر یک از این وزارتخانه ها نیز ادارات مختلفی وجود دارد که هر یک وظایف خاص خود را انجام می دهند.

شکلهای حکومت

حکومتها بر سه نوع اند:

حکومت سلطنتی، حکومتی که تنها یک فرد به نام شاه بر آن حکمروایی می کند.

حکومت الیگارشسی: حکومتی است که گروه کوچکی از افراد متنفذ در آن فرمان می رانند.

دموکراسی: به حکومتی اطلاق می گردد که قاندا باید از طرف نمایندگان همه ملت اداره شود.

نظریه مارکس درباره قدرت دولت

کارل مارکس و پیروانش صاحبان وسایل تولید را دارندگان قدرت مسلط در جامعه به شمار می آورند. وسایل تولید شامل زمین کارخانه ها و مواد خام است. به گمان مارکس، کارگران در جامعه سرمایه داری به سود بورژوازی استثمار می شوند. مارکس اعتقاد داشت که در نظام سرمایه داری سرانجام، کارگران (پرولتاریا) علیه صاحبان وسایل تولید بورژوازی نبرد خواهند کرد و این نبرد به انقلاب و پیروزی کارگران منجر خواهد شد. به اعتقاد وی هنگامی که انقلاب به ثمر رسید، راه برای ایجاد جامعه بی طبقه هموار میشود.

نظریه کثرت گرایان

کثرت گرایان اعتقاد دارند که قدرت باید در میان گروههای مختلف جامعه توزیع شود. به گمان آنان به جای اینکه قدرت کامل در انحصار یک گروه باشد، باید میان همه گروهها در هر زمینه توزیع شود.

مثال ۱۴

در جوامعی که قدرت در میان گروههای گوناگون جامعه توزیع شده است. مبارزه سیاسی در روز روشن آزادانه و بدون محدودیت صورت می گیرد. مطبوعات و وسایل بیان عقاید و اخبار آزاد است. در چنین جوامعی هر کس می تواند عقاید خود را آزادانه با بیان و بنان عضویت در سازمانها و احزاب شرکت در تظاهرات عمومی و غیره بازگو کند. اکثر جوامع غربی از جمله جوامع کثرت گرا به شمار رفته اند.

قدرت بالفعل و قدرت بالقوه

قدرت بالفعل قدرتی است که به وسیله زور نفوذ یا اقتدار بر دیگران اعمال می گردد. قدرت بالقوه قدرتی است که برای تأثیرگذاری بر رفتار و اعمال دیگران در آینده به کار برده میشود منابع قدرت شخص ممکن است ماهیت اقتصادی سیاسی یا اجتماعی داشته باشد.

قدرت سازمانی

سازمانهای بزرگ به ویژه از این رو قدرتمندند که میتوانند افکار شمار بسیاری از اعضای جامعه را در جهت اهداف خود هماهنگ کنند. این سازمانها با استفاده از این هماهنگی میتوانند قدرت بسیار عظیمی را بسیج کنند. سازمانهای بزرگ از ثروت کافی برای تشکیل گروههای ذی نفوذ و رساندن پیام خود به مردم از طریق رسانه ها برخوردارند و به این شیوه میتوانند هم آوایی و حمایت پیام گیران گوناگون را در جهت هدفهای خود جلب کنند.

فصل ۲۱: جنبش های اجتماعی

تعریف

جنبش اجتماعی هنگامی به وجود می آید که گروه سازمان یافته ای درصدد بر می آید تا عناصری از جامعه را تغییر دهد یا آنها را حفظ کنند. جنبشهای اجتماعی با شکلهای ابتدایی رفتار جمعی از قبیل آشوب متفاوت اند؛ زیرا جنبشهای اجتماعی، سازمان یافته تر و پایدارتر از رفتار جمعی است. تفاوت اصلی جنبش اجتماعی و نهاد در این است که نهاد دارای تداوم است، اما جنبش اجتماعی در مقایسه با نهاد دوام کمتری دارد.

مثال ۱

جستهایی از قبیل حیشهای حقوق مدنی جنبشهای آزادیبخش، جنبشهای طرفدار محیط زیست، جنبشهای صلح و جنبشهای طرفدار حقوق زنان نمونه هایی از جنبشهای اجتماعی است.

ویژگیهای جنبشهای اجتماعی

همه جنبشهای اجتماعی ویژگیهای خاص و مشترکی دارند. این ویژگیها عبارت اند. از مشخص بودن اهداف داشتن برنامه هایی برای نیل به این اهداف و ایدئولوژی مسلک) جنبش اجتماعی معمولاً دارای مجموعه ای از اهداف است که کاملاً مشخص اند جنبش اجتماعی که هدف آن بهبود وضع گروهی از مردم است، در صورتی موفق خواهد بود که برای مردم مشخص کند که هدفش ایجاد چه نوع تغییراتی در جامعه است. برنامه های موجود برای نیل به این اهداف بسیار متنوع اند. و ممکن است طبیعی از تحسینهای بدون خشونت تظاهرات آرام، تظاهرات خشونت آمیز ترور و انهدام اموال دولتی را در برگیرد. ایدئولوژی

جنبش اجتماعی عامل گردآوری اعضای جنبش است. زیرا ایدئولوژی نه تنها وضع اجتماعی موجود ۱۲۰ را به باد انتقاد می‌گیرد. بلکه علاوه بر آن اهداف جنبش و روشهای نیل به این اهداف را نیز روشن می‌کند.

انواع جنبشهای اجتماعی

جنبش نمایشی هنگامی که افراد خود را در وضعیت مایوس کننده ای می‌بینند. جنبش نمایشی پدید می‌آید. افرادی که در جنبش اجتماعی نمایشی شرکت می‌کنند می‌خواهند به مردم بگویند که بینششان نسبت به یک واقعیت نامطلوب اجتماعی تغییر یافته است، اما خود عملاً این واقعیت را دگرگون نمی‌سازند.

مثال ۲:

جنبش هیپی گری و جنبش های احیای مذهب از نمونه های این جنبش است.

جنبش واپس گرا (ارتجاعی). جنبش واپس گرا تلاش می‌کند که جامعه را به وضعیت گذشته بازگرداند و در واقع زمان را به عقب برگرداند. افرادی که به این جنبش ها می‌پیوندند، آشکارا از رویه های جاری اجتماعی ناراضی اند.

جنبش ترقی خواهانه. جنبش ترقی خواهانه جنبشی است که می‌کوشد با ایجاد تغییرات مثبت در نهادها و سازمان ها وضع جامعه را بهبود بخشد.

مثال ۴

جنبشهای کارگری جنبشهای طرفدار آزادیهای اجتماعی و جنبشهای طرفدار حفظ محیط زیست از زمره جنبشهای ترقی خواهانه است.

جنبش محافظه کار جنبش محافظه کار مرکب از افرادی است که از وضع موجود راضی هستند و در برابر نوآوریها مقاومت میکنند جنبش محافظه کار تلاش میکند از تغییر در جامعه جلوگیری کند. افرادی که از این نوع جنبش طرفداری می‌کنند وضعیت موجود جامعه را مطلوب ترین وضعیت میدانند.

مثال ۵

کسانی که برای جلوگیری از تصویب اصلاحیه تساوی حقوق زنان و مردان در جامعه امریکا تشکل یافته بودند یک جنبش محافظه کار را سازمان داده بودند. آنان معتقد بودند که قانون جدید که تبعیض میان زن و مرد را ممنوع می‌شمرد ضرورتی ندارد و حتی ممکن است این قانون به جامعه آسیب برساند.

جنبش اصلاح طلب این جنبش تلاش میکند که برخی از شئون جامعه را تغییر دهد بدون اینکه قصد دگرگون کردن کامل جامعه را داشته باشد.

مثال ۶

جنبش صلح سبز در اروپا، جنبش ضد تبعیض نژادی در آمریکا و جنبش سرخپوستان آمریکا نمونه هایی از جنبشهای اصلاح طلب است. این جنبشها بدون اینکه بخواهند نظام اجتماعی موجود را از بیخ و بن دگرگون سازند می خواهند یکی از جنبه های آن را تغییر دهند جنبش صلح سبز می خواهد که نظام حاکم فقط از انهدام محیط زیست جلوگیری کند جنبش ضد تبعیض نژادی می خواهد که سیاهپوستان از حقوق مدنی برخوردار شوند و جنبش سرخپوستان آمریکا برای کسب حقوق سرخپوستان مبارزه میکند.

جنبش انقلابی. این نوع جنبش خواستار تغییر سریع و بنیادی در جامعه است. هدف جنبش انقلابی سرنگون کردن نظام حاکم و جایگزین ساختن یک نظام دیگر است.

روش جامعه شناختی مطالعه جنبشهای اجتماعی

جامعه شناسان برای انجام پژوهشهایی درباره جنبشهای اجتماعی می توانند در یک دوره طولانی نگاه کنید به فصل دوم آنها را بررسی یا حتی در این جنبشها شرکت کنند. به علاوه، جامعه شناس میتواند اظهارات رسمی و غیر رسمی اعضای جنبش یا نقشهای اعضای آن را مورد بررسی قرار دهد تا مشخص کند که چه نوع افرادی اعضای جنبش را تشکیل می دهند.

وفاداری و حمایت اعضا از جنبش

جنبش اجتماعی برای اینکه جنبش موفق باشد باید اعضای جنبش از آن حمایت کنند و به آن وفادار باشند. این حمایت در بسیاری از موارد با استفاده از تبلیغات سخنرانی شعار آرم جنبش و ایدئولوژیها صورت می گیرد.

رهبری فرهنگد و رهبری اجرایی

رهبری فرهنگد در جنبش اجتماعی میتواند توده های مردم را در حمایت از آرمانها و اهداف جنبش بسیج کند. رهبر فرهنگد ممکن است عضو طبقه ای باشد که می کوشد وضع خود را بهبود بخشد و به تحرک صعودی نایل آید. با ممکن است عضو طبقه ممتازتری باشد. کارکرد عمده رهبر ایجاد شور و اشتیاق و برانگیختن هیجان پیروان و ترغیب آنان به وحدت است. اما نقش رهبر اجرایی با نقش رهبر فرهنگد بسیار متفاوت است.

اهمیت رهبری لایق

هیچ جنبش اجتماعی بدون وجود رهبری لایق به موفقیت نایل نمی شود. نوع ایدئولوژی و طرح اقدام جنبش میتواند افراد غیر عضو جنبش را که مسائل مشترکی با اعضای جنبش دارند به پیوستن به جنبش ترغیب کند. این افراد باید شناخته شوند تا رهبر بتواند در سخنرانیهای عمومی حمایت آنان را جلب کند و از این طریق عضویت در جنبش و بودجه آن را افزایش دهد. به علاوه، رهبری لایق حس همبستگی را در جنبش تحکیم میبخشد و پیوسته اعضا را از ارزشها و اهداف مشترکشان آگاه و به آن علاقه مند می سازد.

ویژگیهای شخصیتی شرکت کنندگان در جنبش اجتماعی

اوضاع اجتماعی در شکل دادن شخصیت افراد جامعه نقش بسزایی دارد. اگر اوضاع اجتماعی به گونه ای باشد که افراد احساس ناامنی بی قراری، بی حوصلگی تنهایی بیگانگی و سرخوردگی کنند برای رهایی از این مسائل در جنبشهای اجتماعی شرکت می جویند.

اوضاع اجتماعی مسبب جنبشهای اجتماعی

جنبشهای اجتماعی معمولاً هنگامی به موفقیت دست می یابند که وضع نامطلوب جامعه موجب شود که مردم به یکدیگر نزدیک تر شوند. عواملی از قبیل نارضایتی وسیع، سرخوردگی بی سامانی اجتماعی نا امنی بی هنجاری و از خود بیگانگی مردم را به یافتن زندگی بهتر سوق میدهد. هرگاه این عوامل با بی عدالتی اجتماعی همراه گردد انگیزه های پیوستن به جنبش اجتماعی شدت بیشتری می یابد.

مراحل جنبش اجتماعی

همه جنبشهای اجتماعی الگوی پیشرفت یکسانی را دنبال نمی کنند. با این حال همه جنبشها در یک دوران بحرانی آغاز میشوند به میزانهای مختلف رشد. می کنند و بعد محو می گردند با نهادی میشوند وی نی گنیز جامعه شناس می گوید بیشتر جنبشهای اجتماعی مراحل زیر را طی می کنند.

مرحله ناآرامی. در این مرحله بر اثر کژکاری نظام حاکم، نارضایتی عمومی پدید می آید. این مرحله ممکن است تداوم یابد و سالها به درازا بکشد.

مرحله برانگیختگی. پس از اینکه توجه همگان به عوامل پدید آورنده نا آرامی جلب شد. مردم گرد هم می آیند. آنگاه محرکان و رهبرانی از میان جمع قد علم می کنند و مردم را بر می انگیزند. این رهبران به جمع میگویند شمار بسیاری از مردم دیگر با مسائل آنان دست به گریبان اند و تنها به طور دسته جمعی می توانند این مسائل را حل کنند.

مرحله قالب ریزی. در این مرحله یک ساختار سازمان یافته رسمی با سلسله مراتبی از مسئولان ظهور میکند. یکی از مهمترین کارکردهایی که در این مرحله انجام میگردد این است که ایدئولوژی جنبش برای اعضای آن که اکنون نظم و نسق یافته است روشن گردد. دلیل نارضایتی اعضا طرح اقدام به جنبش و اهداف آن باید به طور مشروح بیان گردد.

مرحله نهادی شدن. در صورتی که جنبش در جذب طرفداران و جلب حمایت عموم موفق شود جنبش نهادی میشود در این مرحله نوعی دیوان سالاری در جنبش ایجاد میشود و رهبری منضبط و حرفه ای جایگزین شخصیتهای فرهمند پیشین می گردد.

فصل بیست و دوم

دگرگونی اجتماعی و فرهنگی

۱-۲۲ تعریف

هر گونه تغییر در ساختار با سازمان اجتماعی جامعه دگرگونی اجتماعی نامیده می شود. دگرگونیهای اجتماعی از دگرگونیهای فرهنگی که به وقوع تغییرات در فرهنگ جامعه اطلاق میشوند متمایزند جامعه شناسان در صورتی می توانند فرضیه ها و پیش بینیهای دقیقی ارائه دهند که از هر دو گونه تغییرات اجتماعی و فرهنگی آگاه باشند.

مثال ۱

تغییر در شمار جوانانی که وارد دانشگاه میشوند تغییر در میزان مرگ و میر یا به امید زندگی جمعیت تغییرات در نقش زن در جامعه جدید نمونه هایی از تغییرات اجتماعی به شمار میروند اختراع تلویزیون و معرفی لغات با شکلهای هنری جدید دگرگونیهای فرهنگی محسوب میشوند.

نظریه های دگرگونی اجتماعی

نظریه های تکاملی. نظریه های تکاملی بر این مبنا استوار است که جامعه از شکل ابتدایی آغاز شده و به سوی شکل پیچیده اجتماعی تکامل یافته است. بنابر این نظریه ها جوامعی که در مراحل پیشرفته تری قرار دارند، از جوامع دیگر پیشروترند نظریه های تکاملی مبنایی قوم مدارانه دارد؛ زیرا جامعه پیشرفته را برتر از جوامع گذشته تصویر می کند. ص ۵۰۲

نظریه دورانی. برخلاف نظریه تکاملی که حرکت جامعه را حرکت صعودی و به سوی پیشرفت میدانند نظریه های دورانی بر این مبنا استوارند که جامعه مراحل گوناگونی را پشت سر میگذارد اما این مراحل همواره تکرار میشوند و خط مستقیمی را طی میکنند.

نظریه تعادل. نظریه های تعادل جامعه را متشکل از شماری از بخشهای به هم پیوسته ای میدانند که هر یک از این بخشها به کارایی جامعه کمک میکند. اگر دگرگونی اجتماعی یکی از این بخشها را مختل سازد تعادل جامعه به هم میخورد و تغییرات بیشتری در بخشهای دیگر جامعه نیز به وقوع می پیوندد. هنگامی که همه بخشهای پیکر جامعه به دنبال یکدیگر دگرگون میشوند، بار دیگر هماهنگی و تعادل تازه ای به جامعه باز میگردد.

نظر به کشمکش. نظریه پردازان کشمکش جامعه را مجموعه ای از گروههایی می دانند که مدام با یکدیگر در حال کشمکش به سر می برند. بنابراین نظریه دگرگونی اجتماعی در کوران رقابت این گروهها برای دستیابی به کالاها و منابع موجود روی میدهد. از آنجا که این گروههای رقیب پیوسته می کوشند که وضع موجود را تغییر دهند جامعه در حالتی از بی سازمانی و در نتیجه بی ثباتی به سر می برد.

که دگرگونی فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار میدهند

دانشمندان علوم اجتماعی در خصوص گوناگونی میزان تغییرات اجتماعی و فرهنگی که در جوامع مختلف به وقوع می پیوندد سؤالهای زیادی را مطرح ساخته اند. بنابراین وظیفه اصلی جامعه شناس شناخت سلسله عللی است که به این تغییرات کمک کرده اند. برخی از عوامل عمده علی به شرح زیر است.

عوامل جغرافیایی - عوامل فناورانه - ایدئولوژی - رهبری - جمعیت

چگونگی آغاز دگرگونی در جامعه

ممکن است دگرگونی در جامعه از طریق اشاعه یا به وسیله ابداع صورت گیرد. اشاعه عبارت است از رواج یافتن یک سبک زندگی جدید در جامعه که از یک فرهنگ خارجی اقتباس شده باشد. ابداع عبارت است از آفریدن چیزهای جدید از ترکیب دو یا چند عنصر که در یک فرهنگ موجود است.

آثار نامطلوب دگرگونی اجتماعی

هنگامی که دگرگونی اجتماعی به سرعت رخ می دهد ممکن است تأثیرات منفی نامطلوبی بر جای گذارد. دگرگونی سریع در جامعه ممکن است افراد آن را دچار بیگانگی، تنهایی و ناامیدی کند. اگر دگرگونی ناگهانی باشد. فرد ممکن است دچار سردرگمی و نا امنی شود. اگر در جامعه تأخر فرهنگی ناتوانی بخشی از فرهنگ از همگام شدن با دیگر بخشها وجود داشته باشد ممکن است کل جامعه از هم گسیخته شود. به علاوه دگرگونیهای اجتماعی معمولاً مسائل اجتماعی را نیز به همراه دارد.

برنامه ریزی اجتماعی

برنامه ریزی اجتماعی تلاشی است که دانشمندان علوم اجتماعی برای راهنمایی و هدایت فرایند دگرگونی اجتماعی به خرج میدهند تا این دگرگونیها حتی الامکان برای جامعه مفید واقع شود دگرگونی اجتماعی باید تا آنجا که امکان دارد به صورتی برنامه ریزی شود که با ارزشها و هدفهای موجود در جامعه سازگار باشد. هر چند انگیزه ها و اهداف برنامه ریزان اجتماعی ممکن است صادقانه و با حسن نیت باشد، اما در بسیاری از موارد نتیجه طرحهای آنان مطلوب از آب در نمی آید؛ زیرا همیشه نمی توان همه نتایج دگرگونی برنامه ریزی شده را پیش بینی کرد.

نقش جامعه شناس

گروهی از جامعه شناسان اعتقاد دارند که نقششان باید مشاوره و راهنمایی دولت و تولید کنندگان و بخش خصوصی و ترغیب آنان به اجرای برنامه ها در جهت دگرگونی اجتماعی باشد اما گروهی دیگر از آنان معتقدند که نقش آنان تنها باید نقش مشورتی در جهت پیش بینی پیامدهای احتمالی برخی از برنامه های اجتماعی باشد. بنابراین در مورد نقش واقعی جامعه شناس در برنامه ریزی اجتماعی هنوز اتفاق نظر وجود ندارد.

❖ فصل دوم: نکات مهم مبانی جامعه‌شناسی تالیف ایران عرضه

۱- محدودترین جمع انسانی

خانواده است که از زوج زن و مرد و فرزندان آنها تشکیل می‌شود و این نخستین هسته یک جامعه طبیعی کوچک است که گاه به گروه نخستین تعبیر میشود و یک جامعه ساده و اولیه را تشکیل می‌دهد.

۲- معمولاً از نظر موضوع علوم بشری را به سه گروه عمده تقسیم می‌کنند.

۱. علوم مادی (غیر ارگانیک)

۲. علوم حیاتی (ارگانیک)

۳. علوم اجتماعی (یا فوق ارگانیک)

۳- جامعه‌شناس سعی میکند واقعیات اجتماعی را چنان که هست بررسی کند و به همین دلیل آسان تر میتواند به ریشه‌ها و علل و قوانین حاکم بر آن پدیده‌ها دست یابد و احیاناً، راه حل علمی عرضه کند.

۴- جامعه‌شناسی همانند دیگر علوم اجتماعی و در مقایسه با بسیاری از رشته‌های علوم طبیعی دقت علمی کمتری دارد. این امر دو دلیل اساسی دارد: نخست باید دانست که روش‌های علمی در مطالعه رفتارهای اجتماعی به تازگی به کار گرفته شده است؛ دوم آنکه وقتی با موضوعات انسانی سروکار داریم با مسائل فراوانی رو به رو میشویم که کمتر در مطالعه فیزیک یا زمین‌شناسی حضور دارد.

۵- در همه پژوهش‌های اجتماعی از روشهای علمی استفاده میشود اما فنون ویژه‌ای که برای گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها وجود دارد در پژوهشهای مختلف جامعه‌شناختی متفاوت است چهار فن که بیش از همه در پژوهش‌های اجتماعی به کار می‌رود عبارت است از آزمایش مشاهده نمونه‌گیری و مطالعه موردی.

۶- مطالعه موردی معمول‌ترین روش مشاهده میدانی است. پژوهشگری که به مطالعه موردی می‌پردازد باید به ثبت و ضبط کامل و جامع جزئیات و ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه بپردازد - پژوهشگر میتواند روش مشاهده همراه با مشارکت یا جز آن را برگزیند.

۷- جامعه‌شناسی برخلاف علوم طبیعی و فیزیک محدودیتهای بسیاری دارد که ناشی از ملاحظات اخلاقی پذیرفته شده در پژوهش‌های اجتماعی است. چون جامعه‌شناس با انسان سر و کار دارد باید حقوق او را رعایت کرده به علایق و شایستگی‌هایش توجه کند.

۸- جامعه به گروهی از انسانها اطلاق میشود که در طول هزاران سال با یکدیگر زندگی کرده و در سرزمین معینی سکنا گزیده‌اند و سرانجام خود را به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه‌های دیگر سازمان داده‌اند.

۹- رسوم اخلاقی، عبارت از رسومی هستند که ویژگی های معناداری از رفتارهای درست و نادرست را در بر میگیرند. رسوم اخلاقی هر جامعه در نظام حقوقی و آموزش های مذهبی آن متبلور میشود. قوانین، بخشی از رسوم اخلاقی هستند که به صورت قواعد و مقررات درآمده اند. هر کس برخلاف این مقررات رفتار کند با مجازات قانونی روبه رو می شود.

۱۰- همه جوامع بشری برای انجام کارکردهای ضروری و تأمین نیازهای حیاتی اعضای گروه خود پنج نهاد اجتماعی اساسی را بنیان نهاده اند. این نهادهای پنجگانه عبارت اند از نهاد های خانواده، آموزش و پرورش، سیاست، اقتصاد و دین. افزون بر آن جوامع جدید نهاد های دیگری را نیز به فهرست یاد شده افزوده اند.

۱۱- قوم مداری گرایشی است که بر حسب آن افراد جامعه فرهنگ خود را برتر از فرهنگ دیگران میپندارند عادت ها و سنت ها غالباً ما را با استفاده از وجهه نظرهای اجتماعی ریشه دار به قوم مداری ترغیب میکنند به این ترتیب هنگامی که اعضای یک گروه درباره دیگران به داوری مینشینند غالباً قوم مداری آنان را به احساس خود برتری سوق می دهد.

۱۲- فردی که تحت تأثیر محیط فرهنگی بیگانه است و بین مردمی زندگی میکند که در باورهای اساسی خود با او وجه مشترکی ندارند دچار ضربه فرهنگی می شود.

۱۳- گروه های مرجع یکی از معیارها و الگوهایی است که هر کس نقش خود را در یک موقعیت معین بر اساس آن ارزیابی میکند. ایفای نقش هر فرد با مقایسه نقش او با کسانی که وظیفه ای مشابه او دارند ارزیابی میشود.

۱۴- اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان راههای زندگی کردن در جامعه را می آموزد، شخصیت میدهد و ظرفیتهای او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه توسعه میبخشد. در آغاز زندگی کودک از دیگران فرا می گیرد که چه رفتارهایی از او انتظار میرود و او دارای چه نوع شخصیتی است.

۱۵- اجتماعی شدن ممکن است به گونه ای رسمی و هم غیر رسمی صورت پذیرد. نهادهای آموزشی و نظامی نمونه نهادهای رسمی است که به صورت دستگاه ساخت یافته تری مسئول انتقال شیوه های پذیرفتنی عمل و اندیشه جامعه به فرد است.

۱۶- عمده ترین عوامل اجتماعی ساختن کودک خانواده، مدرسه، گروه های همسال و رسانه های جمعی است.

۱۷- شخصیت به همه خصلت ها و ویژگی هایی اطلاق میشود که معرف رفتار یک شخص است؛ از جمله میتوان این خصلت ها را شامل اندیشه احساسات ادراک شخص از خود وجهه نظرها طرز فکر و بسیاری عادات دانست. اصطلاح ویژگی شخصیتی به جنبه خاصی از کل شخصیت آدمی اطلاق می شود.

۱۸- اجتماعی شدن از دوران کودکی تا سنین بالا یک فرایند مستمر و مداوم است. در این فرایند نقشها هنجارها و انتظارات پیوسته دگرگون میشوند و باید همواره با آنها برخورد کنیم دوران با اهمیتی را که در زندگی یک فرد در مدت اجتماعی شدن او تحقق میپذیرد.

۱۹- مفهوم فاصله اجتماعی برای آن به کار میرود که میزان احساس نزدیکی یا پذیرشی را که اعضای یک گروه در قبال اعضای گروه دیگر دارند مورد سنجش قرار دهیم. اغلب فاصله اجتماعی برای سنجش درجه صمیمیت ممکن در روابط اجتماعی گروه های مختلف نژادی و قومی و رابطه بین اعضای آنها به کار میرود.

۲۰- یکی از ضعف ها و نارسایی های عمده سازمان های رسمی این است که در این گونه سازمانها وسایل دستیابی به اهداف اغلب از خود آن هدف ها اهمیت بیشتری پیدا میکند و وسیله خود هدف می شود.

۲۱- نهادی شدن فرایند توسعه نظامی از هنجارها پایگاه ها و نقش های مشخص و به هم پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است. از طریق نهادی شدن رفتارهای خودانگیخته و پیش بینی ناپذیر جای خود را به رفتار نظام یافته و پیش بینی پذیر می دهد.

۲۲- نیازهای اساسی مردم در هر جامعه باید به نحوی ارضا شود که از نظر فرهنگی مورد تأیید و پذیرش اعضای جامعه باشد. پنج نهاد اصلی اجتماعی در هر جامعه صرف نظر از ابتدایی بودن یا جدید بودن آن وجود دارد. الگوهای زندگی خانوادگی، آیین های مذهبی، روش اجتماعی کردن، نظام اقتصادی و شکل حکومت بر حسب فرهنگ های مختلف تغییر میکند.

۲۳- خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر مسئولیت اصلی را به عهده دارد. خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون ازدواج یا فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده برای مدتی طولانی و نامشخص با هم زندگی می کنند.

۲۴- خانواده هسته ای، عبارت است از واحد خانوادگی بنیانی که شامل شوهر، زن و فرزندان است. این گونه واحدها را گاهی خانواده زن و شوهری نیز می نامند.

۲۵- همسرگزینی با دو روش مختلف انجام میگردد. روش اول که در آن انتخاب معمولاً بر اساس عشق و علاقه استوار است، انتخاب آزادانه دو طرف اهمیت دارد. در روش دوم، انتخاب در اختیار خانواده هاست و والدین در مورد همسرگزینی فرزندانشان تصمیم می گیرند.

۲۶- خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی معمولاً به ایفای وظایف متعددی می پردازد. ماهیت این کارکردها و سطح اجرای آن از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.

۲۷- خانواده در جامعه کشاورزی هم به منزله یک واحد یکپارچه تولیدی محصولات و خدمات مورد نیاز خود را فراهم میکند و هم برای پاسخگویی به نیازمندی های افرادی از خانواده که قادر به کار کردن نیستند عمل میکند.

۲۸- عمده ترین دلیل طلاق توقعات بسیاری است که هر یک از طرفین ازدواج از دیگری قبلاً داشته یا دارد. این انتظارات پایگاههای اجتماعی آینده آنان رابطه جنسی، شهرت، سلامت جسمانی امنیت شغلی و نقش خاص هر یک در قبال دیگری را شامل می شود.

۲۹- کاهش حجم خانواده خود تحت تأثیر چند عامل بوده است. یکی از این عوامل تغییر در نقش فرزندان است که با حرکت از جامعه اساساً کشاورزی محدود به جامعه وسیع شهری و صنعتی همراه بوده است.

۳۰- هدف اصلی آموزش و پرورش علاوه بر اجتماعی شدن فرد انتقال دانایی است. آموزش و پرورش در گذشته بر عهده خانواده بود اما در عصر جدید به میزان زیادی این مسئولیت دگرگون شد و از خانواده به جامعه منتقل گردید.

۳۱- تحقیقات نشان داده است که سبک آموزش رهنمودی نه تنها انگیزه های دانش آموزان یا دانشجویان را برای یادگیری بیشتر میکند بلکه خلاقیت آنان را تقویت کرده و ذهن آنان را برای پذیرش دانش جدید آماده تر می سازد.

۳۲- آموزش فنی حرفه ای عبارت است از یادگیری مهارت هایی که مستقیماً به شغلی معین یا انواع مشاغل مربوط میشود. در گذشته بین آموزش فنی حرفه ای و آموزش دانشگاهی تفاوت زیادی وجود داشت که ارتباط بسیار کمی با دنیای کار داشت. این تفاوت در حال کم شدن است.

۳۳- فناوری ICT اکنون به یکی از مهارتهای کلیدی تبدیل شده است. پیشرفت اینترنت دگرگونیهای بیشتری را در نحوه کار مردم و مهارتهای مورد نیاز آنان ایجاد کرده است. ارتباطات و مبادله اطلاعات به فراسوی مرزهای ملی و فرهنگها آسان شده است.

۳۴- صنعتی شدن سریع جوامع تحصیلات عالی را به دریچه ای برای ورود به مشاغل بهتر درآمدهای بالاتر و منزلت اجتماعی برتر تبدیل کرده است.

۳۵- آنچه درباره سحر و جادو بیان شده است بعضاً در مورد مذهب نیز صدق میکند. تمایز کلیدی و همچنان سودمندی که فریزر بین جادو و مذهب قائل است آن است. که جادو را انسانها کنترل میکنند و مذهب تحت نظارت خداوند و ارواح است. این تمایز در عمل همیشه چندان واضح نیست.

۳۶- افرادی که در نظام مراقبت تندرستی کارمند یا صاحب حرفه نیستند معمولاً به این علت وارد این نظام میشوند که دیگران آنها را بیمار یا مجروح تعریف کرده اند. این تعریف بر اساس یک فرایند اجتماعی پیچیده شامل بسیاری از مردم است.

۳۷- دیدگاه کارکردگرایی درباره رفاه اجتماعی نشان میدهد که سیاستهای بهداشت همگانی در جوامع جدید نشان دهنده سازگاریها با فشار عمومی برای محیطی پیشرفته و امکانات تندرستی است و نیز به کارکرد حفظ نیروی کار تندرست کمک می کند.

۳۸- از نظر پارسونز بیماری شکلی از رفتار انحرافی است که مانند جرم نیاز به یک پاسخ اجتماعی دارد (۱۹۵۱) به عبارت دیگر بیماران برای آنکه بیمار جلوه نکنند شکل ویژه ای از رفتار انحرافی از آنان سر میزند این کار از طریق نهادی کردن یک نقش بیمار در هر جامعه صورت میگیرد.

۳۹- نابرابری در دستیابی به مراقبتهای پزشکی و تبدیل کردن مراقبت بهداشتی به کالایی که باید در بازار خریداری شود تشدید میگردد. کسانی که استطاعت خرید مراقبتهای پزشکی را ندارند غالباً از بیماری رنج می برند، دچار بیماریهای وخیم تری هستند و عمر کوتاه تری دارند.

۴۰- پرستاران عمدتاً زن و متعلق به طبقه اجتماعی متوسط هستند. دانشجویان رشته پرستاری در مقایسه با بقیه جمعیت دانشجویان زن افرادی نوع دوست تر رؤف تر و بخشنده تر هستند؛ آنان کمتر علاقه مند به قدرت کنترل کردن دیگران و پیش انداختن خود هستند.

۴۱- هر فرد از خلال فرایند اجتماعی شدن می آموزد که در موقعیتهای مختلف چه رفتاری قابل قبول و چه رفتارهایی غیر قابل قبول است و بدین سان فرا میگیرد که چگونه میان الگوهای رفتار مناسب و رفتار نامناسب تمایز قائل شود.

۴۲- انحراف هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه یا یکی از گروههای مشخص درون جامعه منطبق و سازگار نباشد. انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ میدهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نمی کند.

۴۳- تقسیم نهاد عبارت است از بخش ناخودآگاه غریزی و غیر اجتماعی خود. خود بخش آگاه و معقول من را تشکیل میدهد به این بخش دروازه بان شخصیت نیز اطلاق می شود زیرا میانجی میان رابطه متقابل نهاد و فراخود است.

۴۴- بخش مهمی از رفتارهای انحرافی معمولاً در چهارچوب گروه منحرف انجام میگردد غالباً کسانی که در یک انحراف خاص شریک اند برای دو هدف گرد هم جمع میشوند یکی حمایت متقابل و دیگری فراهم کردن جوی که در آن بتوانند رفتار انحرافی خود را بروز دهند.

۴۵- کاست به یک نظام خشک قشربندی اجتماعی اطلاق می شود که اعضای آن نمی توانند آزادانه از یک کاست به کاست دیگر انتقال یابند کسی که در یک کاست خاص متولد می شود باید سرتاسر عمرش را در آن کاست باقی بماند.

۴۶- طبقه اجتماعی که فرد در آن متولد میشود در سرتاسر زندگی بر طول عمر بهداشت روانی تحصیلات شغل رفتار سیاسی استواری زناشویی وابستگیهای مذهبی تشریک مساعی و گرایشهای فرد تأثیر عمیقی دارد.

۴۷- فرصتهای زندگی به امکانات گوناگونی اطلاق میشود که شخص در زندگی در اختیار دارد تا از طریق آنها به اهداف خود دست یابد در این زمینه میتوان امکان دستیابی به تحصیلات دانشگاهی مجال برای یک زندگی بی دغدغه و طولانی امکان دستیابی به یک حرفه و فرصت برای یک ازدواج موفق را نام برد.

۴۸- اصطلاح تحرک اجتماعی به جابه جایی افراد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر اطلاق میشود افراد ممکن است که از لحاظ طبقه اجتماعی به سمت بالا تحرک داشته باشند یا به سمت پایین یا در همان سطح باقی بمانند، ولی شغل دیگری اختیار کنند.

۴۹- رفتار جمعی عبارت است از الگوهای رفتاری بی ساختار خودانگیخته هیجانی و پیش بینی ناپذیر افرادی که از رفتار جمعی پیروی می کنند. در برابر محرک خاصی که ممکن است شخص دیگر یا حادثه معینی باشد، واکنش نشان می دهند.

۵۰- اجتماع عبارت است از گروهی از مردم که در یک منطقه خاص جغرافیایی اسکان دارند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترکی اند به وحدت خاص میان خود آگاه اند و به طور جمعی یک هدف را دنبال میکنند.

۵۱- سرایت هیجانی غالباً در وضعیتهای خاصی به وجود میآید. برخی از این وضعیتهای عبارت اند از مسابقات ورزشی شورشها راهپیماییها تظاهرات و نشستهای سیاسی و مذهبی.

۵۲- هنگامی که گروهی از افراد کنترل خود را از دست میدهند و دست به رفتارهای هیجانی و غیر منطقی میزنند دچار هیستری جمعی شده اند.

۵۳- هم گونی. هم گونی به نوعی ترتیب اجتماعی اطلاق می شود که گروه های مسلط و اقلیت در آرامش و هماهنگی کنار هم زندگی می کنند.

۵۴- فردی که میتواند مسیر زندگی خود را تعیین کند و تأثیر اندکی از خارج بگیرد. دارای قدرت شخصی است اما شخصی که میتواند اعمال و رفتار اطرافیانش را به نحو مؤثری تحت کنترل خود درآورد از قدرت اجتماعی برخوردار است.

۵۵- سه نوع عمده اقتدار به شرح زیر وجود دارد:

اقتدار قانونی و عقلایی

اقتدار سنتی

اقتدار فرهمندانه

۵۶- جنبش واپس گرا تلاش می کند که جامعه را به وضعیت گذشته بازگرداند و در واقع زمان را به عقب برگرداند. افرادی که به این جنبش ها می پیوندند، آشکارا از رویه های جاری اجتماعی ناراضی اند.

۵۷- هر گونه تغییر در ساختار با سازمان اجتماعی جامعه دگرگونی اجتماعی نامیده می شود. دگرگونیهای اجتماعی از دگرگونیهای فرهنگی که به وقوع تغییرات در فرهنگ جامعه اطلاق میشوند متمایزند.